



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

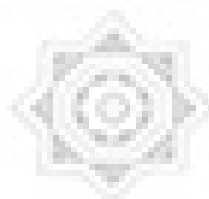


مکتبہ اہل سنت و جماعت، اسلام آباد

فروع اندیشہ

گذری ہرزندگانی علامہ محمد تقی جعفری

حسن ابراہیم لاہوری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فروغ اندیشه: گذری بر زندگانی علامه محمدتقی جعفری

نویسنده:

حسن اردشیری لاجیمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	فروغ اندیشه: گذری بر زندگانی علامه محمدتقی جعفری
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۲۱	دیباچه
۲۳	پیش گفتار
۲۵	فصل اول: زندگی نامه
۲۵	اشاره
۲۵	تولد
۲۵	نسب خانوادگی
۲۷	دوران کودکی
۲۷	درگذشت
۲۹	فصل دوم: زندگی علمی
۲۹	اشاره
۲۹	مدارس دولتی
۳۰	تحصیلات حوزوی
۳۰	اشاره
۳۰	مدرسه طالبیه (تبریز)
۳۱	حوزه علمیه تهران
۳۳	حوزه علمیه قم
۳۵	حوزه علمیه نجف اشرف
۳۸	بازگشت به قم
۳۹	حضور در مشهد

۴۰	اقامت در تهران
۴۰	استادان
۴۳	در محضر استادان فرزانه
۴۳	اشاره
۴۴	۱. میرزا مهدی آشتیانی
۴۵	۲. شیخ مرتضی طالقانی
۴۶	۳. آیت الله خویی رحمه الله
۴۷	۴. حضرت امام رحمه الله
۴۸	۵. آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی
۴۸	۶. آیت الله سیدمحمدهادی میلانی
۴۹	تدریس
۴۹	اشاره
۴۹	دوره اول: تدریس در حوزه علمیه نجف اشرف
۵۰	دوره دوم: تدریس در حوزه علمیه مشهد مقدس
۵۰	دوره سوم: تدریس در تهران
۵۱	آثار و نگاشته ها
۵۱	اشاره
۵۲	۱. درباره اهل بیت علیهم السلام
۵۳	۲. اخلاق و عرفان
۵۳	۳. علم النفس
۵۳	۴. فقهی
۵۵	۵. فلسفی
۵۸	۶. هستی شناسی
۵۸	۷. انسان شناسی
۶۰	۸. ادبیات
۶۰	۹. دیگر آثار

۶۲	۱۰. معرفی آثار مهم استاد
۶۲	اشاره
۶۲	۱. انسان و آفرینش
۶۲	۲. تفسیر، نقد و تحلیل مثنوی
۶۳	۳. مولوی و جهان بینی ها
۶۴	۴. تکاپوی اندیشه ها
۶۵	۵. تحلیل شخصیت خیام
۶۶	۶. ترجمه و شرح نهج البلاغه
۶۷	۷. فلسفه زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام
۶۸	۸. عرفان اسلامی
۶۹	۹. فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو
۶۹	۱۰. فلسفه دین
۷۰	۱۱. تحقیقی در فلسفه علم
۷۰	۱۱. اشعار
۷۲	فصل سوم: ابعاد شخصی استاد
۷۲	اشاره
۷۲	ویژگی های علمی
۷۲	اشاره
۷۲	۱. حافظه قوی
۷۳	۲. گستردگی و گوناگونی دانش
۷۴	۳. ارتباط علمی با دکترا حساسی
۷۶	۴. دیدار دکترا شریعتی با علامه جعفری
۷۶	۵. تلاش بی وقفه برای مطالعه
۷۷	ویژگی های اخلاقی
۷۷	اشاره
۷۸	۱. پرهیز از مبالغه

۷۹	۲. تواضع و فروتنی
۸۱	۳. احترام به استاد
۸۱	۴. کمال جویی و اخلاص
۸۳	۵. عشق به معصومین علیهم السلام
۸۵	۶. عبادت
۸۶	۷. پرهیز از مال شبهه دار
۸۷	۸. ارتباط با جوانان
۸۷	۹. قدردانی از همسر
۸۹	۱۰. وفای به عهد
۹۰	فصل چهارم: فعالیت های فرهنگی _ اجتماعی
۹۰	اشاره
۹۰	فعالیت های تبلیغی
۹۲	حضور در دانشگاه ها
۹۳	شرکت در اجلاس های داخلی و خارجی
۹۵	ترویج فرهنگ درست ترجمه
۹۸	فصل پنجم: افکار و اندیشه ها (تکاپویی در اندیشه های استاد)
۹۸	اشاره
۹۸	ویژگی های فکری
۹۸	اشاره
۹۸	۱. استقلال فکری
۹۹	۲. توجه به مقتضیات زمان
۱۰۱	۳. نقد اندیشه ها
۱۰۲	۴. پاسداری از دین
۱۰۴	اندیشه های استاد
۱۰۴	اشاره
۱۰۵	۱. فلسفه

۱۰۶	۲. شناخت
۱۰۷	۳. انسان شناسی
۱۰۷	۴. فلسفه حیات
۱۰۸	۵. پلورالیسم دینی
۱۱۰	۶. سکولاریسم
۱۱۰	۷. شورا و مشورت
۱۱۱	۸. تعلیم و تربیت
۱۱۲	۹. شخصیت زن
۱۱۳	۱۰. شبهه
۱۱۳	۱۱. بدعت
۱۱۴	۱۲. عدالت
۱۱۵	۱۳. وحدت اسلامی
۱۱۶	۱۴. آزادی
۱۱۶	۱۵. حقوق بشر
۱۱۸	۱۶. موسیقی
۱۱۹	۱۷. تمدن
۱۲۰	۱۸. فرهنگ
۱۲۲	۱۹. روان شناسی
۱۲۳	فصل ششم: برگزیده ادب فارسی
۱۲۳	اشاره
۱۲۳	اشعار
۱۲۳	اشاره
۱۲۴	مردی از اعماق
۱۲۶	چلچراغ کاخ عرفان
۱۳۰	سخنان بزرگان درباره علامه جعفری رحمه الله
۱۳۴	فصل هفتم: همراه با برنامه سازان

- ۱۳۴ اشاره
- ۱۳۴ پیشنهادهای کلی
- ۱۳۵ پیشنهادهای برنامه ای
- ۱۳۷ پرسش های مسابقه ای
- ۱۴۱ پرسش های مردمی
- ۱۴۲ پرسش های کارشناسی
- ۱۴۴ کتاب نامه
- ۱۴۷ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: اردشیری لاجیمی، حسن

عنوان و نام پدیدآور: فروغ اندیشه: گذری بر زندگانی علامه محمدتقی جعفری/حسن اردشیری لاجیمی.

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۷۴۹.

شابک: ۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۸۰۸-۷۸-X:

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۷ - ۱۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: گذری بر زندگانی علامه محمدتقی جعفری.

موضوع: جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۰۲ - ۱۳۷۷ -- سرگذشتنامه.

موضوع: فیلسوفان اسلامی -- سرگذشتنامه.

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.

رده بندی کنگره: BBR۱۳۳۲/ج۷ ی ۸۵۲ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۵۲۸۰

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

دبیاچه ۹

پیش گفتار ۱۱

فصل اول ۱۳

زندگی نامه ۱۳

تولد ۱۳

نسب خانوادگی ۱۳

دوران کودکی ۱۵

درگذشت ۱۵

فصل دوم ۱۷

زندگی علمی ۱۷

مدارس دولتی ۱۷

تحصیلات حوزوی ۱۸

مدرسه طالبیه (تبریز) ۱۸

حوزه علمیه تهران ۱۹

حوزه علمیه قم ۲۱

حوزه علمیه نجف اشرف ۲۳

بازگشت به قم ۲۶

حضور در مشهد ۲۷

اقامت در تهران ۲۸

استادان ۲۸

دیدگاه ایشان درباره استادان خود ۲۸

در محضر استادان فرزانه ۳۰

۱. میرزا مهدی آشتیانی ۳۰

۲. شیخ مرتضی طالقانی ۳۱

۳. آیت الله خویی ۳۲

۴. حضرت امام ۳۳

۵. آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی ۳۴

۶. آیت الله سیدمحمدهادی میلانی ۳۴

تدریس ۳۵

دوره اول: تدریس در حوزه علمیه نجف اشرف ۳۵

دوره دوم: تدریس در حوزه علمیه مشهد مقدس ۳۶

دوره سوم: تدریس در تهران ۳۶

آثار و نگاشته ها ۳۷

۱. درباره اهل بیت ۳۸

۲. اخلاق و عرفان ۳۹

ص: ۵

۳ . علم النفس ۳۹

۴ . فقهی ۳۹

۵ . فلسفی ۴۰

۶ . هستی شناسی ۴۲

۷ . انسان شناسی ۴۲

۸ . ادبیات ۴۳

۹ . دیگر آثار ۴۳

۱۰ . معرفی آثار مهم استاد ۴۴

۱ . انسان و آفرینش ۴۴

۲ . تفسیر، نقد و تحلیل مثنوی ۴۴

۳ . مولوی و جهان بینی ها ۴۵

۴ . تکاپوی اندیشه ها ۴۶

۵ . تحلیل شخصیت خیام ۴۷

۶ . ترجمه و شرح نهج البلاغه ۴۸

۷ . فلسفه زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام ۴۹

۸ . عرفان اسلامی ۵۰

۹ . فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو ۵۱

۱۰. فلسفه دین ۵۱

۱۱. تحقیقی در فلسفه علم ۵۲

۱۱. اشعار ۵۲

فصل سوم ۵۴

ابعاد شخصی استاد ۵۴

ویژگی های علمی ۵۴

۱. حافظه قوی ۵۴

۲. گستردگی و گوناگونی دانش ۵۵

خواب عجیب هم درس علامه! ۵۶

۳. ارتباط علمی با دکتر حسابی ۵۶

۴. دیدار دکتر شریعتی با علامه جعفری ۵۸

۵. تلاش بی وقفه برای مطالعه ۵۸

ویژگی های اخلاقی ۵۹

۱. پرهیز از مبالغه ۵۹

۲. تواضع و فروتنی ۶۰

۳. احترام به استاد ۶۲

۴. کمال جویی و اخلاص ۶۲

۵. عشق به معصومین ۶۴

۶. عبادت ۶۶

۷. پرهیز از مال شبهه دار ۶۷

۸. ارتباط با جوانان ۶۸

۹. قدردانی از همسر ۶۸

۱۰. وفای به عهد ۷۰

فصل چهارم ۷۱

فعالیت های فرهنگی _ اجتماعی ۷۱

فعالیت های تبلیغی ۷۱

حضور در دانشگاه ها ۷۳

شرکت در اجلاس های داخلی و خارجی ۷۴

ترویج فرهنگ درست ترجمه ۷۶

فصل پنجم ۷۹

افکار و اندیشه ها ۷۹

(تکاپویی در اندیشه های استاد) ۷۹

ویژگی های فکری ۷۹

۱. استقلال فکری ۷۹

۲. توجه به مقتضیات زمان ۸۰

۳. نقد اندیشه ها ۸۲

۴. پاسداری از دین ۸۳

۱ . تحقیق و تألیف: ۸۴

۲ . تدریس: ۸۴

۳ . سخنرانی: ۸۴

۴ . ارتباطات علمی: ۸۴

اندیشه های استاد ۸۵

۱ . فلسفه ۸۵

۲ . شناخت ۸۶

۳ . انسان شناسی ۸۷

۴ . فلسفه حیات ۸۷

۵ . پلورالیسم دینی ۸۸

۶ . سکولاریسم ۹۰

۷ . شورا و مشورت ۹۰

۸ . تعلیم و تربیت ۹۱

۹ . شخصیت زن ۹۲

۱۰ . شبهه ۹۳

۱ . شبهه طبیعی: ۹۳

۲ . شبهه عملی: ۹۳

ص: ۹

۱۱ . بدعت ۹۳

۱۲ . عدالت ۹۴

۱۳ . وحدت اسلامی ۹۵

۱ . وحدت مطلق: ۹۵

۲ . وحدت مصلحتی عارضی: ۹۵

۱۴ . آزادی ۹۶

۱۵ . حقوق بشر ۹۶

۱۶ . موسیقی ۹۸

۱۷ . تمدن ۹۹

۱۸ . فرهنگ ۱۰۰

۱۹ . روان شناسی ۱۰۲

فصل ششم ۱۰۳

برگزیده ادب فارسی ۱۰۳

اشعار ۱۰۳

مردی از اعماق ۱۰۳

چلچراغ کاخ عرفان ۱۰۴

سخنان بزرگان درباره علامه جعفری رحمه الله ۱۰۷

فصل هفتم ۱۱۱

همراه با برنامه سازان ۱۱۱

پیشنهادهای کلی ۱۱۱

پیشنهادهای برنامه ای ۱۱۲

پرسش های مسابقه ای ۱۱۴

پرسش های مردمی ۱۱۶

پرسش های کارشناسی ۱۱۷

کتاب نامه ۱۱۹

در طول تاریخ، ستارگان فروزان اندیشه با درخشش خود، تاریکی های جهل را زدوده و مایه فخر و مباهات جامعه خویش گشته اند. اندیشمندان جهان تشیع با بهره مندی از پرتو نور قرآن و عترت علیهم السلام شیفتگان حقیقت و تشنگان هدایت را رهبری کردند. استاد علامه محمدتقی جعفری رحمه الله یکی از فرزنانگان معاصر است که در کسوت روحانیت، با توفیق الهی و تلاش پی گیر خود بر قله های بلند اندیشه گام نهاد و با پژوهش و ژرف نگری در دریای علوم و آشنایی با اندیشه های نو، رسالت بزرگ خویش را در پاسداری از اندیشه ناب اسلامی و تبیین و تحلیل آن به انجام رساند. او در عصری که شبهه افکنی مکتب های جدید بیش از پیش بنیان های اعتقاد دینی و ایمان مردم به ویژه قشر تحصیل کرده را با آسیب های جدی روبه رو کرده بود، با روشن گری می کوشید حقیقت جوین را در حوزه های علمیه و دانشگاه ها به سرچشمه حقیقت رهنمون سازد و با شرکت در همایش های بین المللی و گفت و گو با شخصیت های علمی داخلی و خارجی اندیشه اسلامی را تبیین می کرد. آن استاد فقید با همه برجستگی های علمی و معنوی که از او شخصیتی کم نظیر ساخته بود، در فروتنی،

اطاعت و بندگی خداوند سبحان و عشق به خاندان وحی و نبوت علیهم السلام نیز زبانزد عام و خاص بود. نوشتار حاضر تلاشی است در معرفی گوشه‌هایی از زندگانی این اندیشمند فرزانه که برای معرفی و استفاده بهتر برنامه سازان محترم فراهم شده است. با تقدیر و سپاس از تلاش پژوهش‌گر ارجمند، جناب آقای حسن اردشیری لاجیمی که در تهیه این اثر ما را یاری دادند امید است تهیه‌کنندگان محترم در معرفی این الگوی نقش‌آفرین گام مؤثری بردارند.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

عالمان فرزانه این دیار، پرچم داران بصیرت و دانایی، پیش‌گامان بیداری و حق‌گرایی، چشمه‌های جوشان انصاف و حقیقت‌خواهی، روشنگران همواره عرصه اندیشه و چراغ‌های هدایت و تکاملند. جان آنان به نور حق و حقیقت جلا یافته است و با نشستن بر سر خوان گسترده الهی (قرآن)، تار و پود وجود خویش را به اکسیر ناب انسانیت آغشته اند.

علامه محمدتقی جعفری رحمه الله آئینه تمام‌نمای این سرمستان عشق الهی است که همواره برای گسترش اندیشه دینی کوشید تا نشان دهد در زمانه‌ای که اندیشه‌های مادی و طبیعی همه زوایای آشکار و نهان زندگی انسان را به تسخیر خود درآورده اند، هنوز دین می‌تواند بهترین و سازگارترین محیط را برای انسان به وجود آورد. ایشان با نقد و بررسی اندیشه‌های موجود در جهان و بهره‌گیری گسترده از متون دینی، عرصه‌های تازه‌ای را در محیط علمی و فرهنگی جامعه ایران گشود که با استقبال گسترده اهل اندیشه روبه‌رو شد. علامه با استفاده از توان بالقوه موجود در متون ادبی سنتی توانست به بهترین صورت با مخاطب خود ارتباط برقرار کند. البته در کنار این تلاش‌ها، از رایزنی علمی با اندیشمندان معاصر در ایران و جهان چشم‌پوشید، بلکه با شخصیت‌هایی هم‌چون برتراند راسل و پرفسور روزنتال آلمانی و پرفسور یانگ امریکایی و شماری دیگر از چهره‌های مشهور دانش در مغرب زمین هم‌نشین بود.

استاد علامه جعفری افزون بر آن که با تلاش خستگی ناپذیر خود، تلاشگران اندیشه اسلامی را به تکاپوی تازه واداشت، بیش از ۹۰ اثر علمی ارزنده و گران سنگ از خود به یادگار گذاشت که این خود نعمت بزرگی برای کاروان دانش و اندیشه ها به شمار می رود. باشد که روح به ابدیت پیوسته آن عزیز سفر کرده، هم نشین انوار مقدس الهی و ائمه هدی باشد. آمین یا رب العالمین.

فصل اول: زندگی نامه

اشاره

فصل اول: زندگی نامه

زیر فصل ها

تولد

نسب خانوادگی

دوران کودکی

درگذشت

تولد

تولد

در محله شتریان تبریز (۱) خانواده ای مشهور به صدق و صفا روزگار می گذرانند. در گرمای اواسط تابستان، یعنی در مرداد ماه سال ۱۳۰۴ به دنیا آمدن نوزادی این خانواده را خوشحال و شادمان کرد؛ (۲) کودکی که او را «محمدتقی» نامیدند. دوران نونهالی محمدتقی در سایه پدری وارسته و با تقوا که به کار عشق می ورزید و مناعت طبعش زبانزد خاص و عام بود، سپری شد. (۳)

نسب خانوادگی

نسب خانوادگی

۱- خیابان شمس تبریزی امروز.

۲- شریعه خرد، زیر نظر علی اکبر رشاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶، ص الف؛ آفاق مرزبانی؛ عبدالله نصری، سروش، ۱۳۷۷، ص ۲۰؛ میراث ماندگار، ج ۱، انتشارات کیهان، ۱۳۶۹، ص ۹۹.

۳- البته صاحب کتاب تاریخ حکماء و عرفای متأخر بر صدرالمتالهین، تاریخ تولد علامه جعفری را در حدود ۱۳۰۲ خورشیدی می داند که با توجه به سال تولد که در دو کتاب میراث ماندگار ص ۹۹ و آفاق مرزبانی (ص ۲۰) به نقل مستقیم خود استاد آمده، مردود است.

آن گونه که خود استاد گفته است، در تبار خویش عالم شناخته شده ای سراغ ندارد (۱) و خود، در این سلک نخستین و به قول «اقبال»، خود نژاد خویش است. هرچند پدر و مادر بزرگوارش از نظر اقتصادی در سطح پایینی بودند، صفای عجیبی بر آنها حاکم بود، به ویژه پدر که در بین مردم به صدق و صفا معروف و مشهور بوده است. به گونه ای که خود استاد گفته است: «من خود از پیرمردهای تبریز شنیدم که از پدرم دروغی شنیده نشده است. این را از پدر پرسیدم، گفت: بله، به یاد ندارم که از سن بلوغ به این سو، دروغ گفته باشم. صدق و صفای پدر، در ما خیلی مؤثر بود. از نظر مال دنیا، کریم النفس و حتی اسم وی (کریم) نیز با مسما بود. از ایشان نقل کرده اند که در آغاز ازدواج که تبریز دچار قحطی شده بود، یک شب دو عدد نان سنگک و جعبه ای شیرینی می خرد تا به منزل برود. بین راه در خرابه ای مشاهده می کند که دو نفر در حال خوردن استخوان و لاشه های گوسفند و مرغ هستند، وقتی این صحنه را می بیند نزد آنها می رود و یکی از نان ها و شیرینی را میان آنها تقسیم می کند و با یک نان به منزل می رود. پس از چند قدم، دوباره برمی گردد تا وضع آنها را مشاهده کند و می بیند که دست به سوی آسمان بلند کرده اند و دعا می کنند که «ای مرد! خدا به تو فرزند صالحی بدهد.»

البته پدرم درس نخوانده بود. اما حافظه ای خارق العاده داشت و اغلب سخنان و عاظ شهر را جمله به جمله بیان می کرد. بعدها ما به عظمت پدرمان پی بردیم. او روحیه بسیار بالایی داشت، آدم رقیق القلبی بود، شغلش نانوائی بود و بدون وضو دست به خمیر و نان نمی زد. یک بار با پدرم خدمت آقا میرزا هادی حائری، که از هم دوره های مرحوم عصار بود، رفتیم. ایشان به من گفت: راهی را که ما با مشقت، آن هم هفتاد سال علم و حکمت طی کردیم، پدر تو در خونش دارد. نمی دانم که او چگونه به حالات

عرفانی پدرم پی برده بود. پدرم به کار خیلی علاقه مند بود و می گفت کار، جوهر زندگی من است و بی کاری را برای خود مرگ تلقی می کرد.» (۱) مادر بزرگوار ایشان نیز از سادات علوی و از خاندان های بزرگ تبریز بود که در جوانی از دنیا رفت و در زمان مرگ ۳۲ سال بیشتر نداشت. (۲)

دوران کودکی

دوران کودکی

دوران کودکی محمدتقی جعفری در سایه پدر و مادری سرشار از صداقت و صفا سپری شد؛ پدری که مشهور و معروف به راستگویی و مادری که همیشه در محضر قرآن بود و از تربیت قرآنی فرزندان غفلت نمی کرد.

به طوری که خود استاد گفته است: «نخستین بار، او قرآن را به من یاد داد. حتی یادم می آید، وقتی با او به مشهد رفتیم، در طول راه قرآن می خواند و میان راه که برای استراحت و نماز توقف کردیم، فرزندانش را دورش جمع کرد و یک سوره قرآن را به ما تعلیم داد.» (۳)

درگذشت

درگذشت

باور این خبر که علامه جعفری شربت لقای دوست را سرکشید، برای همه سخت بود. به راستی که خیلی زود رفت. تمامی آشنایان او، آن چنان شیفته اش بودند که هرگز باور نمی کردند که به این زودی این سرو بلند قامت، روی در نقاب خاک کشد. با این حال، خود از این هجران عظمی باخبر بود و آمادگی خود را برای این سفر بزرگ اعلام کرده بود: «منتظر این ندا هستم که بگوید از پل زندگی عبور کن!»

۱- آفاق مرزبانی، ص ۲۲.

۲- آفاق مرزبانی، ص ۲۲.

۳- آفاق مرزبانی، ص ۲۲.

بیماری استاد از مردادماه سال ۱۳۷۷ بدون هیچ سابقه ای شروع شد. پیش از بروز علائم بیماری، استاد سفر پرکاری به تبریز داشت. پس از بازگشت، احساس ضعف شدیدی در خود کرد. پس از چند روز استراحت، بهبود مختصری حاصل شد، اما به ناگاه اطرافیان، کاهش وزن بسیار زیاد و محسوسی در استاد مشاهده کردند و بی درنگ استاد را برای معاینه به بیمارستان انتقال دادند. پس از عکس برداری از ریه استاد، تشخیص پزشک معالج، سرطان ریه بود. همه امیدوار بودند که سی تی اسکن خلاف نظر پزشک را به اثبات رساند. استاد برای سی تی اسکن به بیمارستان شهید مصطفی خمینی رحمه الله انتقال داده شد. متأسفانه عکس ها نظر پزشک معالج را تأیید کرد و معلوم شد که بیماری به تمام اعضای بدن استاد رخنه کرده است.

او را برای درمان نزد فرزند بزرگش که از جراحان عمومی مقیم نروژ است، فرستادند. خیلی ها باور داشتند که استاد پس از درمان به سلامت برمی گردد، در حالی که خود ایشان باور داشت که این سفر، همان سفر موعود است که باید برای پیوستن به ابدیت پیمود.

پس از مدتی اقامت در نروژ، برای ادامه معالجه به لندن که امکانات پیشرفته تر و کادر پزشکی مجرب تری داشت، فرستاده شد. روند معالجه در لندن هم به خوبی پیش می رفت که متأسفانه، در آخرین روز، بیماری استاد با سکتة مغزی شدت یافت و هرگونه تحرکی از ایشان سلب شد. و سرانجام، آن استاد گران مایه در ساعت ۳۰/۱۰ صبح به وقت لندن در روز دوشنبه ۲۵ آبان ماه پس از ۷۳ سال عمر پربرکت و پربار به دیار باقی شتافت. (۱) روانش شاد و هم نشین اولیاءالله باد.

۱- ابن سینای زمان، سیدمحمد رضا غیاثی کرمانی، نشر پارسائیان، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷. و روزنامه رسالت، علی رضا جعفری، ۸ دی ماه ۱۳۷۸.

فصل دوم: زندگی علمی

اشاره

فصل دوم: زندگی علمی

زیر فصل ها

مدارس دولتی

تحصیلات حوزوی

استادان

در محضر استادان فرزانه

تدریس

آثار و نگاشته ها

مدارس دولتی

مدارس دولتی

تحصیلات استاد در دو بخش انجام شد؛ بخشی بسیار کوتاه در مدرسه دولتی و بخشی دیگر در حوزه علمی اسلامی. دبستان را در مدرسه اعتماد تبریز (که نام آن بعدها دبیرستان انوری شد) به پایان برد. در این زمان، از مرکز دستور رسید که دانش آموزان باید لباس یک رنگ بپوشند: «یادم هست که رنگ طوسی بود و پدرم توانایی نداشت که آن لباس را تهیه کند، لذا وقتی که به مدرسه آمدم، با اینکه شاگرد اول بودم، من و برادرم میرزا محمدجعفر را نگذاشتند به کلاس برویم. هنوز تلخی حادثه آن روز را فراموش نمی کنم. همین حادثه باعث شد که دبستان را رها کردم. البته علت اصلی این که دبستان را رها کردم، این بود که پدرم نتوانست از نظر وضع مالی ما را اداره کند و مجبور شد که مانع از مدرسه رفتن ما گردد، تا برویم کار کنیم. آن موقع از طرف وزارت معارف اعلام کردند که مخارج مرا می دهند، چون درس هایم خوب بود، علاقه داشتند که در مدرسه باشم، ولی پدرم راضی نشد و گفت: نه؛ چون فکر می کرد احساس منت به وجود می آید و ما را فرستاد تا برویم کار کنیم.»^(۱)

استاد که به دلیل هوش زیاد و ذکاوت فراوان، دو، سه ساله دبستان را به پایان رسانده بود، ترک تحصیل کرد و برای حل مشکلات معیشتی زندگیشان به بازار کار وارد شد.

تحصیلات حوزوی

اشاره

تحصیلات حوزوی

پس از رها کردن درس و شروع به کار، شبی در خواب رویایی می بیند و در این رویا از روزگار گلایه می کند و می گوید: «روزگار، علم را که مقصودمان بود، از دستمان گرفت.» پدر این سخن را می شنود و توصیه می کند که استاد به همراه برادر بزرگ ترش در مدرسه طالبیه تحصیل علوم دینی کند^(۱). بدین گونه زندگی استاد به سوی علم و معرفت سوق داده می شود.

مدرسه طالبیه (تبریز)

مدرسه طالبیه (تبریز)

در حوالی سال های جنگ جهانی دوم، به سفارش پدر و علاقه فراوان خود استاد، به همراه برادر برای تحصیلات دینی به مدرسه طالبیه تبریز وارد شد و تحصیل را از صرف و نحو شروع کرد. در این دوران به دلیل ناتوانی پدر در تأمین معاش، هم زمان با تحصیل، به کار نیز مشغول بود. حدود دو سال، وضع بدین منوال ادامه داشت.^(۲)

در آن روزگار، استادانی بسیار برجسته در رشته های فلسفه، منطق و ادبیات در مدرسه طالبیه تدریس می کردند که استاد از فیض انوار قدسی آن بزرگواران بهره مند شد. ادبیات را در محضر مرحوم اهری، استادی ماهر و بسیار چیره دست آموخت و در

۱- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۹۹.

۲- کیهان فرهنگی، شماره ۶۳، سال ۶۳.

ادامه سیوطی و دو، سه باب خیلی مهم از مطول را هم در خدمت ایشان گذراند. (۱)

پس از پایان دروس مقدماتی فقه و اصول و منطق (۲) برای تکمیل دروس سطح خویش و بهره مندی از محضر فیلسوف برجسته مشرق زمین، آیت الله میرزا مهدی آشتیانی، راهی حوزه بزرگ و فعال تهران شد تا از خرمن معارف اهل بیت خوشه چینی کند. (۳)

حوزه علمیه تهران

حوزه علمیه تهران

در حوالی سال ۱۳۵۹ ق، استاد برای ادامه تحصیل به حوزه با طراوت و پررونق آن روز تهران عزیمت کرد و مقیم مدرسه مروی شد. در همین دوران به محضر نورانی آیت الله میرزا مهدی آشتیانی رحمه الله راه یافت و به فراگیری منظومه حکمت حاج ملاهادی سبزواری و مقداری اسفار ملاصدرا پرداخت. همچنین برای گذراندن دروس سطح عالی حوزه، از محضر فقیه بزرگی چون آیت الله شیخ محمدرضا تنکابنی (فلسفی) استفاده برد.

«مرحوم میرزا مهدی، روحی بسیار والا داشت و در معقول و منقول بسیار توانا بود. یک روز مرحوم آشتیانی، هنگام درس فرمود که مثل علی بن ابیطالب میان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله مانند معقول در میان محسوسات است. معقول فناپذیر و ابدی، ولی محسوس فناپذیر است. ایشان این عبارت را با حالتی خاص بیان کرد، من تصور کردم که این جمله از ایشان است، ولی در دوران تحصیل در نجف، معراج نامه ابن سینا را پیدا کردم و در صفحه ۱۷ آن، این عبارت را خواندم. بعدها بر سر مزار ابن سینا، نسخه ای از این

۱- آفاق مرزبانی، ص ۲۶.

۲- آفاق مرزبانی، ص ۲۶.

۳- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۱.

رساله را به خط فخر رازی دیدم که در صفحات ۳ و ۱۴ آن این مطالب نقل شده بود.

یک روز دیگر مرحوم آشتیانی، درباره بسیط الحقیقه بحث می کردند و از حافظه حدود هفت، هشت سطر از عبارات ملاصدرا را با هیجانی خاص خواندند. پس از درس من سؤال کردم که اگر واقعا در عالم یک وجود است و بقیه وجودات تحیثات و تشخصات اوست، به قول جامی:

آن شاهد غیبی زنهان خانه بود

زد جلوه کنان خیمه به صحرای وجود

از زلف تعینات بر عارض ذات

هر حلقه که بست دل ز صد حلقه ربود

جناب عالی ارسال رسل، مسئولیت و حتی تکلیف عشق را چگونه حل

می کنید؟ اگر من جزئی یا موجی از کمال مطلق هستم، پس عاشق چه کسی می شوم؟ ایشان این تعبیر را فرمودند: اینها ذوقیاتی است که بزرگان ما فرموده اند، اعتقادات قلبی این بزرگان این نبوده است. صدر المتألهین همواره با وضو بوده و پای پیاده به مکه رفته و تعبد بسیار داشته و این حالتی ذوقی برای او و امثال او بوده است.

اگر وحدت وجود به صورتی مطرح شود که عینیت از آن به دست نیاید و مخالف ادیان نباشد، قابل پذیرش است، شبیه این مطلب را آقا علی زنوزی در آخر بدایع الحکم دارد. [\(۱\)](#)

طلبه و هر کسی که در پی علم آموزی و تحقیق و پژوهش است، باید این روش استاد را نصب العین خویش قرار دهد و بداند که علم آموزی با دوری از تقلید به

سرمنزل مقصود می رسد، نه با خوشه چینی از خرمن دیگران.

پس از دو سال توقف پربار در حوزه نورانی، عرفانی و معنوی تهران، به سوی حرم امن دوستان اهل بیت علیهم السلام _ حوزه علمیه قم _ حرکت کرد.

حوزه علمیه قم

حوزه علمیه قم

او که روح کنجکاوش آرام و قرار نداشت و همیشه فکر استفاده از حوزه های دیگر شیعی را در سر می پروراند در حدود سال ۱۳۲۱ ش (۱۳۶۲ ق) برای تکمیل سطوح عالی به حوزه در حال رونق قم رفت و در حرم امن دوستان و یاران اهل بیت و در سایه محبت حضرت معصومه علیهاالسلام مقیم شد، تا شاید روح جست و جوگرش آرام و قراری یابد. ورود استاد به قم در زمان زعامت چهار تن از آقایان، مرحوم حجت، صدر، فیض و سیدمحمدتقی خوانساری بوده است. ایشان توفیق حضور در نماز استسقای (نماز باران) معروف و مشهور آن سال ها را یافت که به امامت آیت الله العظمی سیدمحمدتقی خوانساری اقامه شد.

در همین دوران بود که توسط دو تن از استادانش، مرحوم حجت کوه کمری تبریزی و شهید صدوقی در مدرسه دارالشفاء، توفیق یافت لباس روحانیت بپوشد و با شاگردی در محضر این دو بزرگوار و مرحوم عبدالصمد خویی، دروس سطح عالی را به پایان برساند. درس معقول آقا شیخ مهدی مازندرانی را درک کند و از محضر نورانی آقا شیخ محمدتقی زرگر، عرفان بیاموزد. حضور در درس اخلاق حضرت امام رحمه الله پایه های معنوی این طلبه جست و جوگر را برای پیمودن مراتب و مقامات علمی و معنوی محکم کرد.

با همه این تلاش ها، فقر مالی و مشکلات مادی همیشه با این عالم بزرگوار همراه بود و ایشان داستان ها و خاطرات زیادی در این باره بیان کرده است. برای نمونه، زمانی دو شبانه روز چیزی برای خوردن نداشت. سرانجام احساس وظیفه شرعی کرد که از

بقالی که همیشه از او مواد غذایی می خرید، مقداری برنج، روغن و خرما بگیرد. بقال پس از وزن کردن مواد لازم (یک کیلو برنج، یک سیر روغن و هفت سیر خرما) وقتی فهمید که او پولی ندارد و قصد دارد که نسیه ببرد، مواد غذایی را از دست استاد گرفت و برجایش گذاشت و ایشان برگشت. هنگام عصر، بی حالی بر او غلبه یافت و در حجره اش (مدرسه دارالشفاء) در حال استراحت بود. یکی از طلبه ها در حجره کناری معالم می خواند. با مشکلی روبه رو شد، از این رو، از استاد خواست تا او را راهنمایی کند. استاد به او گفت: بنده حالم مقتضی نیست. آن طلبه گفت: من ناهار نخورده ام، برویم حجره من و ناهار کته ای که با خورشت خرما درست شده با هم بخوریم و بعد مشکل مرا نیز حل کن. (۱)

از این داستان ها در زندگی گذشتگان و از جمله استاد بسیار بوده که ذکر آن می تواند برای کاروانیان علم و فرهنگ آموزنده باشد. پس از یک سال حضور در قم، خبر جانکاهی باعث هجرت استاد به موطنش (تبریز) شد؛ استاد باخبر شد که مادر بزرگوارش دیده از جهان فرو بسته و ندای حق را لبیک گفته است. خروج از قم باعث نشد که این طلبه جوان از تحصیل دور بماند، چون در تبریز آن روز، مرحوم آیت الله حاج میرزا فتاح شهیدی رحمه الله صاحب حاشیه بر مکاسب و قاعده الزام حضور داشت که از مجتهدین زبردست و از اوتاد به شمار می آمد، استاد نیز با استفاده از این فرصت در درس های ایشان شرکت کرد. (۲)

پس از چند ماه اقامت در تبریز، با پیشنهاد مرحوم شهیدی رحمه الله و آماده سازی مقدمات سفر توسط آن مرحوم، به سوی نجف اشرف و حریم ملکوتی علوی حرکت

۱- کیهان فرهنگی، شماره ۷، سال ۱۳۶۳.

۲- آفاق مرزبانی، ص ۲۹.

حوزه علمیه نجف اشرف

حوزه علمیه نجف اشرف

دو، سه هفته ای بود که حوزه نجف در سوگ از دادن فرزندان بی ماندش مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آقا شیخ محمدحسین اصفهانی نشسته بود، (۲) که طلبه جوان تبریزی پس از حضور در حوزه های تبریز، تهران و قم، به این حوزه کهن و بی مانند دنیای شیعی وارد شد.

در بدو ورود هر چه تلاش کرد نتوانست به مدرسه بزرگ و با اهمیت «صدر» راه یابد، در نتیجه با یاری سیدمحمد اصفهانی به مدرسه «بادکوبه ای ها» وارد شد، ولی پس از هشت ماه توانست به مدرسه دلخواهش، مدرسه صدر برود و در آن مدرسه که اصالت و روحانیت خاصی داشت، مقیم شود. در این مدرسه همه، جز یکی دو نفر، مجتهد بودند و در نیمه های شب، حالات روحانی آنها شروع می شد. مدرسه ای بسیار پر بار بود که توانست طلاب بزرگی را پرورش دهد. (۳)

یکی از ویژگی های حوزه نجف در آن زمان، وجود طلبه های بسیار پرکار و زحمت کش و استادان خوب بود و طلبه ها از نظر استاد کمبودی نداشتند. دو، سه روز پس از آغاز تحصیل به کسالت شدیدی مبتلا شد و این کسالت به حدی بود که وقتی مدرسان مدرسه به زبان فارسی از ایشان جویای حال شدند، به ترکی جواب داد. برای استاد آش با گوشت درست کردند و چون پنج، شش روز بود که استاد غذای مناسبی نخورده بود، آن آش برایش لذت بسیار داشت.

۱- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳- آفاق مرزبانی، ص ۳۰.

بعد از مقداری رفع کسالت، به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و از آن حضرت خواست تا وی را امتحان سخت نفرماید. که الحمدلله ایشان بهبود یافت و دوباره وارد درس و بحث شد.

از این قضایا، به گفته خود استاد، در میان طلبه های نجف بسیار اتفاق افتاده است. آنچه مسلم است، این که مصائب مادی و مادیات برای آنها بی ارزش بود و روح نشاط در میان آنها موج می زد. برای خیلی از طلبه ها در نجف، سختی ها و دشواری های عجیبی پیش می آمد. حتی خود استاد هم در بیشتر مواقع، تا زمان پرداخت شهریه برای گذران زندگی روزی دو تا سه ساعت کار می کرد.

با این حال، این دوران، خاطرات خوشی را برای استاد به یادگار گذاشت؛ طلبه ها خیلی خوب و درس خوان و استادان بسیار وارسته در علم و عمل بودند، زیرا ابتدا به تصفیه اخلاقی می پرداختند و درجات علمی در مرتبه دوم بود. (۱) استاد نیز از این امر مستثنا نبود. او با حضور در درس بزرگ ترین استادان زمان خود، توانست مراتب علم و ادب را به خوبی پشت سر بگذارد و از ستارگان روزگار شود.

از این استادان، حاج میرزا حسن آقای یزدی بود که مطالب آقا ضیاء را خوب درک کرده بود. و اواخر کفایه را نزد آقا مرتضی طالقانی خواند و درس های خارج را با درس آیت الله العظمی خویی شروع کرد که ۱۱ سال به طول انجامید. در ضمن در درس های آقا میرزا کاظم شیرازی، آیت الله سیدمحسن حکیم، آیت الله میلانی و آیت الله شاهرودی نیز حاضر می شد. افزون بر این در حدود شش، هفت سال نیز در خدمت آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی تلمذ کرد. و قاعده ضرار و تجاوز را در محضر آیت الله

سیدجمال گلپایگانی _ که از نظر اخلاقی نیز برجسته بود _ درک کرد. و دروس فلسفه را نیز در محضر آقا صدرای قفقازی و آقا مرتضی طالقانی تکمیل نمود.

روش تحصیلی استاد در نجف به سبک روش آخوند خراسانی بود؛ به طوری که شب زودتر می خوابید و نیمه شب برای عبادت برمی خاست، مگر در یک سال و نیم که شب ها را نمی خوابید و فقط دو ساعت در روز استراحت می کرد. ولی بقیه ایام، به همان روش مرحوم آخوند بود و قبل از سحر بیدار می شد، که این روش تا آخر عمر شریفشان ادامه داشت. از مزیت های این روش آن بود که با عشق و علاقه عجیبی در درس ها حاضر می شد. (۱)

این تلاش پی گیر استاد در حوزه علمیه نجف اشرف، باعث شد تا پس از دو، سه سال حضور پر از تلاش و کار، از طرف آیت الله آقا شیخ کاظم شیرازی در سال ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶ ق به درجه اجتهاد نایل آید. (۲) درخشش و دقت نظر او باعث شد تا استادان به او پیشنهاد کنند که تدریس را شروع کند.

هم زمان با پیشرفت در فقه و اصول، علاقه استاد به هستی شناسی از یک سو و هجوم ترجمه کتاب های فلسفی اروپا در کشورهای عربی از سوی دیگر، باعث شد تا نخستین گام ها را برای ورود به این عرصه بردارد. در نتیجه، برای آشنایی بهتر با فلسفه مغرب زمین، قراری با یک استاد عرب گذاشت که در مقابل آموزش فلسفه مغرب زمین، به وی فلسفه حاج ملاهادی سبزواری بیاموزد. ولی پس از مدتی پی برد که او اهل نظر نیست و دانش سطحی دارد؛ پس این مباحثه را رها کرد. در این مدت متوجه شد که اگر فلسفه مشرق زمین با عمق بیشتری خوانده شود، فراگیری معارف فلسفی و

۱- آفاق مرزبانی، صص ۳۰ - ۳۲.

۲- آفاق مرزبانی، ص ۴۳.

علوم انسانی مغرب زمین دشوار نخواهد بود. این تلاش علمی استاد دو ثمره مبارک را در پی داشت: نخست، شروع نخستین دوره تدریس فلسفه و معارف در حوزه نجف؛ دوم، نگارش کتاب پرارزش ارتباط انسان و جهان که به موازات آن مطالعات شروع کرد و بعدها در ایران به پایان رساند.

پس از ۱۱ سال حضور با طراوت و مبارک در حوزه نجف اشرف به ایران باز گشت، ولی پس از مدتی دوباره و برای اقامت دائم به نجف اشرف برگشت و در این مدت که دو ماه به درازا کشید، در منزل شهید صدر مهمان بود، برای اقامت با دوتن از استادان بزرگوارش، آیت الله سیدعبداله‌هادی شیرازی رحمه الله و آیت الله خوبی رحمه الله مشورت کرد که هر دوی آنها فرمودند: «اگر در نجف بمانید مطلبی هست، یعنی می رسی، امام‌عاش (آخرش) را از من می پرس.»

این سخن باعث شد تا استاد به کربلا برود و آنجا متوسل شود. پیش از نماز صبح، در حرم امام حسین علیه السلام به خداوند قسم داد که با دو استخاره راه را به او نشان دهد و استخاره چنین می آید:

«چون ابراهیم از آن قوم و بتانی که به جای خدای پرستیدند، دوری گزید، ما هم به او اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه راپیامبر قراردادیم و از رحمت خودمان به آنها بخشیدیم و برای آنها زبان راستین بلندی قرار دادیم.» (۱)

و با این استخاره تصمیم استاد به بازگشت به ایران برای همیشه، قطعی می شود. (۲)

بازگشت به قم

بازگشت به قم

استاد پس از تصمیم به اقامت در ایران، به همراه یکی از فضلا به نام آقای قدسی به طرف قم حرکت کرد و در قم خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی رسید؛ آن

۱- مریم: ۵۰

۲- آفاق مرزبانی، صص ۴۰_۴۱ و شریعه خرد، ص د

روز در جلسه ایشان این سؤال مطرح بود که آیا تشریح بدن انسان جایز است یا نه؟ آقای بروجردی میل به عدم جواز تشریح داشت، چون آن را همانند مثله کردن (۱) می دانست؛ و مثله کردن جایز نیست. استاد در اینجا به آیت الله بروجردی گفت که در مفهوم مثله، تنکيه نهفته است، یعنی این کار برای اهانت و توهین انجام می شود. حضرت آیت الله بروجردی درباره غیرمسلمان سؤال می کند، و استاد جواب می دهد که اگر مثله صادق باشد میان مسلمان و غیرمسلمان فرقی نیست، زیرا امیرالمؤمنین به فرزند بزرگوارش امام حسن علیه السلام در مورد ابن ملجم فرمود:

«دست، پا و دیگر اعضای او را مبرید، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «پرهیزید از بریدن اعضای مرده، هر چند سگ دیوانه باشد.» (۲)

پس از بیان این مطلب، آیت الله بروجردی فرمودند: «اگر می خواهید در قم بمانید، مشکلی نیست و می توانید درسی را شروع کنید.»

آن زمان، آب قم با طبع و مزاج استاد ناسازگار بود. به ایشان عرض کرد: «اگر اجازه بفرمایید یا به تهران بروم و یا مشهد.» ایشان فرمودند: «بسیار خوب، هر کجا میل دارید، بروید و اقامت کنید و اگر برای شما مشکلی پیش آمد به اطلاع من برسانید.» (۳)

بدین ترتیب، استاد قصد مشهدالرضا کرد و به آنجا رفت.

حضور در مشهد

حضور در مشهد

حوزه مشهد با حضور آیت الله العظمی میلانی بسیار فعال و پرتحرک بود. استاد پس از ورود به مشهد، بسیار مورد توجه مرحوم آیت الله میلانی قرار گرفت.

۱- مثله کردن؛ بریدن گوش و بینی یا چیزهای دیگر از اطراف تن، بریدن عضوی از اعضای تن کسی را گویند. لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، دوره جدید، ۱۳۷۷، چ دوم، ص ۲۷۲.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ها ۴۷/۹.

۳- آفاق مرزبانی، صص ۴۱ - ۴۲؛ شریعه خرد ص د و کیهان فرهنگی، شماره ۷، سال ۱۳۶۳.

استاد افزون بر تدریس بعضی از دروس و ادامه تألیف کتاب سه جلدی ارتباط انسان و جهان، در درس های ایشان شرکت می کرد که این حضور مبارک سبب شد تا آن بزرگوار در حدود سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ ق متن اجازه اجتهادی را برای استاد بنویسد. (۱)

استاد پس از یک سال اقامت در حریم رضوی برای اقامت به سوی تهران حرکت کرد. که این هجرت بزرگ، شروع یک حرکت بزرگ فرهنگی است که آثار پربرکتی را برای فرهنگ اسلامی - ایرانی به ارمغان آورده است.

اقامت در تهران

اقامت در تهران

گویی تقدیر الهی گوشه نشینی و عزلت گزینی را بر خدیو خرد و عیار اندیشه روزگار ما نپسندیده و چنین خواسته بود که گلاب گلشن حوزه های شیعی، در بازار تشنگان معرفت و حیانی و شیفتگان حکمت شرقی، عطرافشانی کند.

به همراه تلاش پی گیر در عرصه تحقیق و نگارش که ثمرات مبارکی رابه بار نشانند، تدریس را نیز از مدرسه مروی و سپه سالار (شهید مطهری) شروع کرد که بعدها به منزل استاد و دانشگاه ها نیز کشیده شد.

استادان

استادان

دیدگاه ایشان درباره استادان خود

«استادان ما، آرمان های والایی داشتند، آنها با نگاه های خود با ما حرف می زدند، وصف حال آنها چنین بود:

دید شخصی فاضلی پرمایه ای

آفتابی در میان سایه ای

می رسید از دور، مانند هلال

مشیت بود و هست بر شکل خیال

تا جایی می رسد که می گوید:

ای لقای تو جواب هر سؤال

مشکل از تو حل شود بی قیل و قال

در مسائل مربوط به انسان ها که یک سرش به لقای ربوبی می رسد، خلوص و صفا خیلی کارها انجام می دهد. استادان ما بیشتر با روح خودشان با ما صحبت می کردند، تا با کلامشان. گاه جمله ای می گفتند که آن جمله ابوابی از حکمت را باز و مسائل ما را حل می کرد. ما به استادان خود خیلی علاقه داشتیم. علاقه به استاد در تعلیم و تربیت بسیار مهم است. ما خدا را شکر گزاریم که چنین استادانی داشتیم.» (۱)

با این وصف استادانی که ایشان از ابتدای دروس حوزوی تا پایان حضورش در حوزه های ایران و نجف از محضر نوارنی آنها استفاده برده، به شرح زیر است:

مرحوم میرزا حسن شریبانی،

میرزا علی اکبر آقای اهری،

میرزا ابوالفضل سرابی،

آقا میرزا جعفر بخشایشی،

آقا میرزا حجت ایروانی،

مرحوم میرزا مهدی آشتیانی،

مرحوم شیخ محمدرضا تنکابنی،

مرحوم آقا شیخ عبدالصمد خویی،

شهید صدوقی،

مرحوم حجت کوه کمری تبریزی،

آقا شیخ مهدی مازندرانی،

آقا شیخ محمدتقی زرگر،

امام خمینی،

میرزا فتاح شهیدی،

حاج میرزا حسن آقای یزدی،

آقا مرتضی طالقانی،

آیت الله خویی،

آقا میرزا کاظم شیرازی،

آیت الله سید محسن حکیم،

آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی،

آیت الله آقا سید جمال گلپایگانی،

آیت الله سید محمد هادی میلانی،

آیت الله شاهرودی،

آقا صدرای قفقازی. (۱)

در محضر استادان فرزانه

اشاره

در محضر استادان فرزانه

زیر فصل ها

۱. میرزا مهدی آشتیانی

۲. شیخ مرتضی طالقانی

۳. آیت الله خویی رحمه الله

۴. حضرت امام رحمه الله

۵. آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی

۶. آیت الله سیدمحمدهادی میلانی

۱. میرزا مهدی آشتیانی

۱. میرزا مهدی آشتیانی

وی که از فلاسفه معروف و مردی بسیار بزرگ بود، در مدرسه «مروی» تهران تدریس می کرد. روش تدریس وی، همان روش عرفا بود. مرحوم استاد عزیز آقای عصار در وصف ایشان می فرماید: «آقا میرزا مهدی از ناحیه حافظه بسیار قوی و ذوق عرفانی خودجوش، به کلمات ابن عربی و تلامیذ و

۱- برای نام بردن استادان ایشان، از این کتاب ها استفاده شده است: تاریخ حکما و عرفای متاخر بر صدرالمتالهین، منوچهر صدوقی، ص ۶۵؛ میراث ماندگار، ج ۱، صص ۹۸ _ ۱۰۳؛ کیهان فرهنگی، ش ۷، سال ۱۳۶۳؛ آفاق مرزبانی، صص ۳۴ _ ۳۶؛ شریعه خرد، مقدمه.

پیروان او احاطه قابل تحسین داشتند و سرّ توفیق او در عرفان تمایل و ذوق ذاتی و حضور منظم در درس معقول استاد عصر آقا میرزا هاشم اشکوری و عدم معاشرت با ابنای زمان بود.»^(۱)

استاد در تمام عمر به آیت الله میرزا مهدی آشتیانی علاقه خاصی داشت. ایشان را در رشته فلسفه که خود در درس های منظومه و مقداری اسفار از او بهره مند شده بود، برترین استاد می دانست.^(۲)

۲. شیخ مرتضی طالقانی

۲. شیخ مرتضی طالقانی

آقا شیخ مرتضی طالقانی، فقیه، عارف و حکیم در روحیه استاد تأثیر عمیقی گذاشت و در حدود یک سال و نیم در محضر ایشان حکمت و عرفان آموخت. یکی از مهم ترین خاطرات زندگی استاد، درباره این مرد الهی است که این خاطره را از زبان خود استاد نقل می کنیم:

«... در آخرین روزهای ذی الحجه بود که برای درس به خدمتشان رسیدم. همین که وارد شدم، روبه روی ایشان نشستم، فرمودند برای چه آمدی آقا؟ من عرض کردم، آمدم که درس بفرمایید، ایشان فرمودند، برو آقا، درس تمام شد. چون ماه محرم رسیده بود، خیال کردم ایشان می فرماید که تعطیلات محرم رسیده است... آنچه به هیچ وجه به ذهنم خطور نکرده بود، این بود که ایشان خبر مرگ و رحلت خود را از دنیا به من اطلاع می دهد. و همه آقایانی که در آن موقع در نجف بودند می دانند که ایشان بیمار نبود. لذا من عرض کردم: آقا، دو روز به محرم مانده است و درس ها تعطیل نشده است. الله اکبر، ایشان

۱- مقدمه کتاب اساس التوحید، به تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۲.

۲- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۰.

فرمود: می دانم آقا می دانم، به شما می گویم، درس تمام شد... روح رفته، جسدش مانده. و خدا را شاهد می گیرم، هیچ گونه علامت بیماری در ایشان نبود. من متوجه شدم که آن مرد الهی خبر رحلت خود را می دهد. سخت منقلب شدم. عرض کردم: پس چیزی بفرمایید برای یادگار. اول کلمه لا اله الا الله را با یک قیافه روحانی و رو به ابدیت گفت، در این حال اشک از دیدگان مبارکش به محاسن شریفش جاری شد. و این بیت را در حال عبور از پل زندگی و مرگ برای من فرمود:

تا رسد دستت به خود، شو کارگر

چون فتی از کار، خواهی زد به سر

بار دیگر کلمه لا اله الا الله را با حالتی عالی تر گفت. من برخاستم و هرچه کردم که بگذارم دستش را ببوسم، نگذاشت و با قدرت بسیار دستش را کشید و من خم شدم پیشانی و محاسن مبارکش را چندبار بوسیدم و اثر قطرات اشک های مقدس آن مسافر دیار ابدیت را در صورتم احساس کردم و رفتم. پس فردا در مدرسه صدر که ما در آنجا درس می خواندیم و محرم شده بود، به یاد سرور شهیدان امام حسین علیه السلام، نشسته بودیم که مرحوم آقا شیخ محمدعلی خراسانی که از زهاد معروف نجف بود، برای منبر آمدند. همین که بالای منبر نشست، پس از حمد و ثنای خداوند گفت: انالله و انا الیه راجعون، شیخ مرتضی طالقانی به لقاءالله پیوست، بروید به تشییع جنازه» (۱).

۳. آیت الله خویی رحمه الله

۳. آیت الله خویی رحمه الله

در حدود ۱۱ سال در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی خویی با نشاط خاصی حاضر شد و ارتباط نزدیکی نیز بین ایشان برقرار بود. از ثمرات این ارتباط نزدیک،

۱- تاریخ حکما و عرفای متأخر بر صدرالمتالهین، صص ۹۲ و ۹۳.

شروع دوره تفسیرالبیان به پیشنهاد استاد و یکی از دوستانش بود که در مسجد الخضرای نجف برقرار می شد.

در یکی از روزها، چراغ مطالعه استاد به زمین افتاد و خراب شد. به خانه ایشان رفت و گفت: برای مطالعه به چراغ نیاز دارم. مرحوم آقای خویی چراغ مطالعه خود را به استاد داد. بعد از چند روز در درس مکاسب، بحثی در باب تملیک _ چیزی را به ملکیت دیگری درآوردن _ و تملُّک (مالک شدن)، مطرح کردند که این دو از مقوله اضافه هستند. یعنی تملیک بدون تملک، امکان پذیر نیست و تملک هم بدون تملیک محقق نمی شود. استاد به ایشان گفت: تملک بدون تملیک جایز است. ایشان فکر کرد که استاد اشکال می کند؛ از این رو، گفت: چطور چنین چیزی ممکن است؟ استاد گفت: من چراغ شما را در تملک دارم، بدون آنکه شما تملیک کنید. (۱)

۴. حضرت امام رحمه الله

۴. حضرت امام رحمه الله

امام خمینی از چهره های درخشان آن روز حوزه علمیه قم بود که درس های اخلاقش زبانزد عام و خاص بود و مردم از شهرهای دور و نزدیک برای بهره مندی از عطر کلامش به قم می آمدند تا از انفاس قدسی آن یگانه دوران بهره جویند.

استاد نیز از این فرصت به خوبی استفاده کرد و با حضور در مدرسه «فیضیه» به فیض حضور در درس اخلاق امام رحمه الله نایل شد. در سه روز اول حضورش که حضرت امام مشغول تفسیر آیات آخر سوره «حشر» بود، در یاد استاد ماندگار شد: «درس های ایشان از نظر عرفانی خیلی اوج داشت. سیمای امام خمینی رحمه الله نشان می داد که از مواهبی برخوردارند که دیگران از آن بی بهره اند.» (۲) این حضور روحانی و سرشار از

۱- آفاق مرزبانی، ص ۳۴.

۲- آفاق مرزبانی، صص ۲۸ _ ۲۹.

معنویت، تا زمان حضور استاد در قم ادامه داشت و از کوثر قدسی آن قهرمان همیشگی حکمت و عرفان سیراب می شد.

۵. آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی

۵. آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی

از استادانی که علامه جعفری در حوزه نجف از ایشان بهره مند شد و تقریباً شش تا هفت سال در درس های ایشان شرکت کرد، مرحوم آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی بود که مقام علمی بسیار بالایی داشت. استاد در این مورد می گوید: «... هر چه به او نزدیک می شدم، ارادتم بیشتر می شد. من بارها دیدم که ایشان موقع نماز خواندن می لرزید»^(۱).

مرحوم آیت الله شیرازی افزون بر پیشنهاد تدریس فلسفه و معارف به استاد، در برابر مخالفان فلسفه در حوزه نجف از ایشان پشتیبانی کرد تا استاد بتواند با آرامش خاطر به تدریس پردازد.

۶. آیت الله سیدمحمد هادی میلانی

۶. آیت الله سیدمحمد هادی میلانی

از بزرگانی که حوزه علمیه مشهد مقدس را پویا و فعال کرد، مرحوم آیت الله میلانی رحمه الله بود که با تلاش ایشان این حوزه دوباره رونق یافت.^(۲)

ارتباط استاد با ایشان از درس های فقه و اصول شروع شد و ثمره آن اجازه اجتهادی بود که به پاس زحمات و تلاش های پی گیرش، از دستان مبارک آیت الله میلانی دریافت کرد؛ تلاش هایی که هیچ وقت برای دریافت چنین مقام ها و عنوان هایی انجام نمی شد. روزی در مشهد بدون اطلاع از این مسئله، در حجره ای نشسته بود که

۱- آفاق مرزبانی، صص ۳۱ و ۳۷.

۲- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۳.

آقا سیدرسول دشتی (داماد آیت الله میلانی) اجازه نامه استاد را به ارمغان آورد. (۱)

تدریس

اشاره

تدریس

دوره تدریس استاد را می توان به سه دوره تقسیم کرد؛

دوره اول: تدریس در حوزه علمیه نجف اشرف

دوره اول: تدریس در حوزه علمیه نجف اشرف

با تلاش شبانه روزی، مقامی یافت که از ستارگان فروزان مجالس درس استادانش شد. بدین خاطر، پس از شش، هفت سال حضور در حوزه نجف اشرف به توصیه استادان، تدریس دروس فقه و فلسفه را شرح کرد و در مسجد هندی نجف مدتی درس خارج مکاسب را تدریس کرد. (۲) و همچنین شروح لمعه و شرح تجرید را نیز درس می داد. از خاطرات استاد در این مورد، درباره شهید نواب صفوی است: «مرحوم شهید نواب صفوی نزد من شرح لمعه و شرح تجرید می خواند که بسیار خوش استعداد و خوش ذوق بود.» (۳)

درس دیگری که توسط استاد برای اولین بار در حوزه علمیه نجف پایه گذاری شد و نشان از روح بیدار این مرزبان دین داشت، درس فلسفه و معارف بود که به پیشنهاد مرحوم آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی شروع شد. این حرکت، هم زمان با بحث های علامه طباطبایی و شهید مطهری در ایران بود. درس استاد که در مدرسه صدر برگزار می شد، آن چنان پرآوازه شد که از دیگر مدارس برای بهره مندی از آن به مدرسه صدر می آمدند. این حرکت، آشنایی حوزویان با تفکر و فلسفه مغرب زمین را در پی داشت

۱- آفاق مرزبانی، ص ۴۳.

۲- کیهان فرهنگی، شماره ۷، سال ۱۳۶۳.

۳- جاودان اندیشه، کریم فیضی، انتشارات تهذیب، ۱۳۸۱، ص ۸۶.

و از افرادی که در این درس شرکت می کردند، شهید آیت الله محمدباقر صدر رحمه الله بود که از افتخارات بزرگ جهان تشیع به شمار می آید. (۱)

دوره دوم: تدریس در حوزه علمیه مشهد مقدس

دوره دوم: تدریس در حوزه علمیه مشهد مقدس

استاد با حضور در حریم رضوی، افزون بر شرکت در درس های آیت الله میلانی رحمه الله، تدریس درس هایی را هم شروع کرد، (۲) اما چون بیشتر از یک سال در آن ارض مقدس نماند، این درس ها هم ادامه پیدا نکرد.

دوره سوم: تدریس در تهران

دوره سوم: تدریس در تهران

دوره اصلی تدریس استاد در شهر تهران شروع شد و تا پیوستن روحش به ابدیت، ادامه داشت. استاد در این دوره به عرصه ای وارد شد که برکات زیادی برای فرهنگ ایران زمین به ارمغان آورد. ایشان تدریس را از مدرسه مروی شروع کرد. همچنین با تلاش بعضی از مردم، در مدرسه «سپه سالار» (مدرسه عالی شهید مطهری) درباره ربا بحث هایی را شروع کرد که به خاطر مسائلی، مدت زیادی ادامه نداشت! (۳)

استاد در مدرسه مروی، شرح منظومه را به همراه عروه الوثقی تدریس کرد که چهار سال به طول انجامید و پس از آن، استاد، فقه و اصول را نیز در منزل خود به طلاب درس می داد. (۴) با تلاش های آقایان مرحوم آیتی و شهید مطهری این فعالیت های علمی به دانشگاه ها گسترش پیدا کرد. و با تلاش دانشجویان، ایشان در دانشگاه های مختلف ایران در پیش از انقلاب و به طور گسترده پس از انقلاب حضور یافت و درس های

۱- آفاق مرزبانی، ص ۳۶.

۲- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۳.

۳- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴- آفاق مرزبانی، ص ۴۴.

مختلفی را مانند دروس عرفان اسلامی، بررسی نظریات هیوم، تحقیقی در فلسفه علم و فلسفه دین تدریس کرد. از شاگردان این دوره استاد، می توان آقایان دکتر عبدالله نصری، دکتر عبدالرحیم گواهی و حجت الاسلام علی اکبر رشاد و علی رافعی و بسیاری از دانشجویان دکترای ایرانی و خارجی را نام برد که امروزه از فعالان عرصه فرهنگی هستند.

آثار و نگاشته ها

اشاره

آثار و نگاشته ها

فعالیت های علمی استاد، تنها به تحصیل و تدریس منحصر نبوده است، بلکه ایشان پس از ورود به ایران سعی کرد تا با آفریدن آثاری بدیع و شرکت در کنفرانس های داخلی و خارجی، شبهات و مسائل مطرح در سطح جامعه را رفع کند و در نتیجه این تلاش در حدود ۹۶ اثر به یادگار گذاشته است. با توجه به اینکه این آثار ارزشمند جزو گنجینه های علمی کشور به شمار می آیند، باید به روش های گوناگون کوشید تا میراث فرهنگی حفظ شود.

این آثار، به طور کلی در زمینه های دینی، فقهی، فلسفی، ادبیات، انسان شناسی، هستی شناسی و علمی هستند که به همراه ویژگی های ممتازی که دارند، با استقبال فراوانی روبه رو شده اند؛ برخی از این ویژگی ها به شرح زیرند:

۱. شیوایی و رسایی: بیان گفتاری و نوشتاری استاد، افزون بر محتوای بسیار بلند و دقیق، شیوایی و سادگی خاص دارد که باعث جذب مخاطب می شود و بین خواننده و مؤلف به راحتی ارتباط ایجاد می کند.

۲. تنوع موضوعات: اگر به آثار استاد اندکی توجه کنیم، پی خواهیم برد که موضوعات تألیفات متنوع و گسترده است، به همین دلیل مخاطبان متنوعی نیز دارند.

۳. استفاده از متون غربی به همراه متون اسلامی: از ویژگی های مهم آثار،

بهره گیری از متون دینی است. اطلاعات وسیع و زیاد استاد درباره این متون باعث شد تا به بهترین شیوه از آنها استفاده کند. در عین حال، به خاطر مطالعات طولانی بر روی متون غربی در جای جای آثار خود، از گفته ها و نوشته های متفکران غربی استفاده کرده است.

۴. بهره گرفتن از ادبیات غنی فارسی: استاد در مراحل مختلف گفتار و نوشتار، از متون ادبی فارسی بهره جسته که سبب غنای آثار او شده و در برقراری ارتباط بین مؤلف و مخاطب نیز بسیار موفق بوده است.

با توجه به این ویژگی ها، آثار استاد را به صورت موضوعی نقل می کنیم.

۱. درباره اهل بیت علیهم السلام

۱. درباره اهل بیت علیهم السلام

۱. «ترجمه النبی» جبران خلیل جبران، با بررسی های لازم؛

۲. نگاهی به امام علی علیه السلام؛

۳. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه در ۲۷ جلد؛

۴. ترجمه کامل نهج البلاغه؛

۵. مقدمه ای بر شناخت شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام در جهان معنی دار؛

۶. دو جنبه ثابت و متغیر شخصیت علی بن ابیطالب علیه السلام؛

۷. علی بن ابیطالب علیه السلام و محبت؛

۸. علی بن ابیطالب علیه السلام و آزادی؛

۹. امام حسین علیه السلام شهید فرهنگ پیشرو انسانیت؛

۱۰. نیایش امام حسین علیه السلام در عرفات؛

۱۱. امید و انتظار؛

۱۲. بحثی درباره عقل به عنوان اساس خودشناسی در منظر امام صادق علیه السلام؛

۱۳. رساله ای کوتاه در علم امام.

۲. اخلاق و عرفان

۲. اخلاق و عرفان

۱. اخلاق و مذهب؛

۲. عامل اساسی اخلاق؛

۳. تعهد و تخصص؛

۴. آیا شریعت و طریقت و حقیقت با یکدیگر متفاوتند؟

۵. نماز و نمازگزاران؛

۶. عرفان اسلامی؛

۷. حضرت علی علیه السلام و عرفان.

۳. علم النفس

۳. علم النفس

۱. آیا جنگ در طبیعت انسان است؟

۲. وجدان؛

۳. روان در روان شناسی اسلام؛

۴. مذهب و روان شناسی.

۴. فقهی

۴. فقهی

۱. مجموعه دروس فقهی (تحقیقی درباره استعمال طلا و نقره، خمس و مصارف آن، حلیت و حرمت گوشت حیوانات، حکم قتل عبد و آمه، منابع فقهی حرمت مجسمه سازی و نقاشی صورت، مسئولیت و خسارت انجام ندادن تعهد در قانون مدنی)؛

۲. توضیحاتی درباره اصطلاحات فقهی تنبیه المله و تنزیه الامه، تألیف آیت الله مرحوم نائینی؛

۳. مسئولیت مدنی ناشی از جرم اطفال بزهدکار در فقه اسلامی؛

۴. حرمت سقط جنین؛

۵. ربا از نظر تاریخی و علمی _ بررسی ربا از دیدگاه فقه اسلامی؛

۶. کیفر سرقت در اسلام؛

۷. مسائل فقهی (طهارت اهل کتاب، تعمیم موارد زکات، قاعده لاضرر، ذبایح اهل کتاب)؛

۸. منابع فقه؛

۹. الرضاع؛

۱۰. بررسی فقهی و حقوقی طرح ژنوم انسانی.

۵. فلسفی

۵. فلسفی

۱. فیزیک و متافیزیک؛

۲. رابطه علم و حقیقت؛

۳. توضیح و بررسی مصاحبه برتراند راسل و وایتهد؛

۴. نقد و بررسی برگزیده افکار راسل؛

۵. مجموعه مقالات حرکت و تحول؛

۶. شرحی بر احتجاج امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با عمران صابی در الهیات؛

۷. حیات؛ نقطه تلاقی فلسفه، علم، احساسات و مذهب؛

۸. علیت و اختیار از دیدگاه علامه طباطبایی؛

۹. مجموعه مقالات ((الف)) برهان کمالی (وجوبی) در اثبات وجود خدا (ب) مقدمه ای بر مفهوم فلسفی مالکیت)؛

۱۰. بررسی و نقد سرگذشت اندیشه ها، تالیف آلفرد نورث وایتهد؛

۱۱. پاسخ بیانیه کنفرانس ونک اُور _ کانادا _ درباره بقای بشر؛

۱۲. دانش‌ها و اندیشه‌ها در مجرای قوانین علمی (نقد و بررسی چهار موضوع فلسفی از دیدگاه دیوید هیوم؛ ۱. اندیشه‌ها و مفاهیم مجرد ۲. خویشتن (من) ۳. علیت ۴. استی و بایستی)؛

۱۳. دیدار و سخنرانی در زادگاه فلسفه (یونان، دانشگاه آتن، تقسیم بندی فلسفه ها)؛
۱۴. بررسی و نقد سکولاریسم (حذف دین از زندگی دنیوی)؛
۱۵. فلسفه دین؛
۱۶. تحقیقی در فلسفه علم؛
۱۷. مقدمه ای بر مقایسه فلسفه شرق و غرب؛
۱۸. عمل تجرید ذهن؛
۱۹. مشکلات فلسفی و علمی در علوم انسانی و اصول غیرانسانی (در حدود ۱۶۰ مسئله و مشکل)؛
۲۰. نقش بدیهیات و قضایای بالضروره در معرفت بشری؛
۲۱. اندیشه و خویشتن؛
۲۲. خودیابی _ خودسازی؛
۲۳. مقدمه ای بر علم و عرفان از دیدگاه ابن سینا؛
۲۴. انواع شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن؛
۲۵. تأملاتی درباره شش سؤال اساسی؛
۲۶. تکامل و کمال؛
۲۷. لذت و الم از دیدگاه فلسفی و عرفانی ابن سینا؛
۲۸. معرفت نسبی و معرفت مطلق در جهان بینی فارابی؛
۲۹. تحول «من» از دیدگاه عرفان اقبال لاهوری و جلال الدین محمد مولوی؛
۳۰. تحقیقی در واقعیت (برای خود) و واقعیت (برای ما)؛
۳۱. بحثی در قانون تعادل در روش تجزیه ای (آنالیتیک) و ترکیبی (سنتیک) در معرفت؛

۳۲. تحقیقی اجمالی در نظریات دانشمندان درباره ویژگی های الگوهای شخصیت سالم و نیازها از دیدگاه مازلو؛

۳۳. تعاون علم و دین؛

۳۴. موسیقی از نظر روانی و فلسفی؛

۳۵. اندیشه شناسی (از سلسله درس های دفتر تبلیغات در مدرسه عالی شهید مطهری)؛

۳۶. نظری بر فلسفه دوران معاصر؛

۳۷. پیام خرد (شامل چند مقاله و چند سخنرانی)؛

۳۸. مولوی و جهان بینی ها.

۶. هستی شناسی

۶. هستی شناسی

۱. حیات معقول؛

۲. آیا جهان بازیچه ای بیش نیست؟!؛

۳. فلسفه و هدف زندگی؛

۴. آفرینش و انسان؛

۵. مبدأ اعلی یا پشتیبانی نهایی بشر.

۷. انسان شناسی

۷. انسان شناسی

۱. شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی؛

۲. انسان و جامعه شناسی؛

۳. مبانی انسان شناسی از دیدگاه قرآن؛

۴ . انسان از دیدگاه قرآن؛

۵ . ارتباط انسان و جهان (۳ جلد)؛

۶ . جبر و اختیار؛

۷ . الامر بین الامرین فی الجبر و التفویض.

۸. ادبیات

۸. ادبیات

۱. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی در ۱۵ جلد؛
۲. حکمت و اخلاق و عرفان در شعر نظامی گنجوی؛
۳. تلاقی حکمت و ادب در آثار سعدی؛
۴. عوامل جاذبیت سخنان جلال الدین محمد مولوی؛
۵. تحقیقی در طرز تفکرات و ذوق ادبی حافظ شیرازی؛
۶. کشف الایات مثنوی، جلال الدین محمد مولوی (از دریا به دریا)؛
۷. تحلیل شخصیت خیام.

۹. دیگر آثار

۹. دیگر آثار

۱. تکاپوی اندیشه ها؛
۲. علم و دین در حیات معقول؛
۳. حاکمیت خداوندی؛
۴. اصول اسلام شناسی؛
۵. عدالت الهی از دیدگاه انسان ها؛
۶. اسلام و تحولات، اسلام و روابط اجتماعی؛
۷. طرح هایی در انقلاب فرهنگی؛
۸. ایده آل زندگی و زندگی ایده آل؛

۹. حکمت اصول سیاسی اسلام؛

۱۰. اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر؛

۱۱. نقش شخصیت ها در تاریخ؛

۱۲. مقدمه ای بر جامعه شناسی؛

۱۳. انگیزش مدیریت در اسلام و نقد انگیزش های معاصر؛

۱۴. فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو؛

۱۵. جایگاه تحقیقات علوم انسانی در گذشته، حال و آینده.

۱۰. معرفی آثار مهم استاد

اشاره

۱۰. معرفی آثار مهم استاد

از راه های زنده نگه داشتن تفکر و اندیشه یک متفکر اندیشمند، زنده نگه داشتن و معرفی آثار و افکار آن متفکر است که در واقع، زمینه زنده بودن و گسترش آن فکر و اندیشه را فراهم می سازد. به همین جهت ما به قدر توان به معرفی و توضیح مختصر مهم ترین آثار استاد می پردازیم.

۱. انسان و آفرینش

۱. انسان و آفرینش

کتاب انسان و آفرینش براساس درس هایی است که درباره انسان و آفرینش به طور مستوفایی بحث کرده است. آفرینش از دیدگاه ادیان، نقد و بررسی و مقایسه آن با دیدگاه اسلام، آفرینش جانداران در روی زمین، به همراه موضوعاتی چون هدف داری آفرینش از جمله مباحثی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. هدف آفرینش انسان از نظر اسلام، رسیدن به کمال ممکن به واسطه شناخت حقیقی موجود برترین و نیایش و گرایش به مقام شامخ او (۱) است که تمام این مباحث کتاب در تبیین این سخن تنظیم شده است.

۲. تفسیر، نقد و تحلیل مثنوی

۲. تفسیر، نقد و تحلیل مثنوی

آشنایی استاد با مثنوی، به زمان اقامت در نجف برمی گردد، ولی در زمان تدریس مثنوی در تهران که در بین سال های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ صورت می گرفت، هم زمان با آن یادداشت هایی را درباره مثنوی تهیه کرد که مبنایی برای شروع شرح مثنوی در سال ۱۳۴۸ شد. در طول پنج سال، تا سال ۱۳۵۳، ۱۴ جلد در شرح و نقد و تحلیل مثنوی

تألیف کرد. (۱) عواملی که باعث شد تا استاد به شرح و نقد و تحلیل مثنوی پردازد، عبارتند از:

۱. محتوای بلند این کتاب با ارزش و واقعیات شگفت‌انگیزی که در قلمرو انسان و جهان هستی در آن است.

۲. در شرح و تفاسیری که از مثنوی در دسترس بود، فقط به کارهای تطبیقی مثنوی بر مسائل عرفانی محض، متن‌شناسی، جنبه ادبی، اخلاقی و آیات و روایات پرداخته شده بود؛ حال آنکه در مثنوی، حقایق بسیاری در مورد خدا، انسان و جهان وجود دارد که از دوران حکمای هند باستان تاکنون، مورد توجه متفکران قرار گرفته است که می‌توانست در یک بحث تطبیقی با مثنوی قرار گیرد.

۳. بیان ظرفیت فرهنگ اسلامی که در مثنوی در حد اعلا نمایان شده است؛ مثلاً در آن به ۲۲۰۰ آیه و ۵۰۰ حدیث استشهاد شده است. استاد سعی کرد تا تجلی فرهنگ اسلامی را در آن آشکار کند.

۴. آبیاری شدن مسائل مهم فلسفی با حقایق عرفانی مثبت در مثنوی، عظمت خیره‌کننده‌ای به این کتاب بخشیده است. (۲)

۳. مولوی و جهان بینی‌ها

۳. مولوی و جهان بینی‌ها

استاد در این اثر، به مقایسه اندیشه‌های مولوی و متفکران و مکاتب فکری شرق و غرب مانند اشراق افلاطونی، مشاء ارسطویی، دکارت و... پرداخته است که در واقع، مطالعه‌ای تطبیقی در این زمینه است. استاد پس از مقدمه‌ای بر شناخت بهتر مولوی و عوامل جذابیت وی، به بیان نظام‌های جهان‌بینی مولوی پرداخته و برای آن، پنج قلمرو

۱- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- تکاپوگر اندیشه‌ها، عبدالله نصری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، تابستان ۱۳۷۶، صص ۲۲ و ۲۳.

فکری طرح کرده است که عبارتند از:

۱. داستان پردازی ها و تمثیل و تشبیه و تنظیر؛

۲. بینش های علمی؛

۳. بینش های جهان بینی؛

۴. معرفتی؛

۵. عرفانی. (۱)

از نظر استاد، دلایل نشان دهنده پابندی مولوی به اسلام، استناد و تکیه فراوان وی به آیات قرآنی و روایات است؛ به گونه ای که در مثنوی، در حدود ۲۲۰۰ آیه و ۵۰۰ حدیث را تفسیر کرده است. (۲)

۴. تکاپوی اندیشه ها

۴. تکاپوی اندیشه ها

استاد از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۱، با بزرگان علم و فلسفه کشورهای جهان از آسیا تا امریکا مانند پروفیسور روزنتال، برتراند راسل، یانگ، مایر، الفاسی و ... گفت و گوها و مصاحبه هایی کرده که گنجینه ای ارزشمند در زمینه های مختلف علوم انسانی است و به طیف خاصی محدود نمی شود؛ یعنی دانشجو و استاد، مسلمان و غیرمسلمان و زن و مرد، از خوان معرفتش استفاده برده اند. آنچه در لایه لای مطالب کتاب، توجه خواننده را جلب می کند، گستردگی و تنوع موضوعات مورد بررسی است که شامل مباحث دینی، اخلاقی، علمی و فلسفی است. و در عین حال از عرفان، ادب، هنر و زیبایی، بحث های حقوقی و فقهی، همراه با نقد آرای متفکران شرق و غرب غفلت نشده است. اخلاص و تفکر عمیق استاد، موجب شد تا گفت و گوها، آثار مثبتی از خود برجای گذارد، چنان که

۱- تکاپوگر اندیشه ها، عبدالله نصری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، تابستان ۱۳۷۶، صص ۳۶ _ ۳۷.

۲- تکاپوگر اندیشه ها، عبدالله نصری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، تابستان ۱۳۷۶، ص ۳۷.

برخی از مصاحبه کنندگان به وسیله استاد به اسلام مشرف شدند؛ مانند تشریف داکتر پیتر، از متفکران علوم اجتماعی انگلستان که پس از سه روز، که در هر روز حدود یک ساعت و نیم سؤال و جواب، صورت پذیرفت. (۱) و برخی نیز اندیشه های استاد را پذیرفتند و در نظرات خود آن را ابراز کردند؛ برای نمونه، میشل لویی، دبیر اسبق کمیته اسقفی فرانسه، پس از بیانات استاد در زمینه وجود اشتراک در میان اسلام و مسیحیت به مسیحیان سفارش می کند تا به اعتقادات مسلمانان احترام گذارند و پیام قرآن را مسئول رفتار برخی از مسلمانان ندانند. (۲)

۵. تحلیل شخصیت خیام

۵. تحلیل شخصیت خیام

به دلیل شخصیت پیچیده خیام و به ویژه به دلیل انتساب تعدادی رباعی با محتوای لذت پرستی و پوچ گرایی به او که در تضاد با دیدگاه ها و اعتقادات فلسفی و مذهبی وی است، پی خواهیم برد که او هر چند از شهود و مرتبه ای والا از اخلاق بهره مند نبوده، ولی در بقیه ابعاد علمی، فلسفی، حکمی و ادبی جایگاه رفیعی دارد. مهم ترین بحثی که در این کتاب انجام شده، تحلیل و ارزیابی رباعیات منسوب به خیام است که به نظر استاد به خاطر جاذبه ای که دارد توانسته مورد توجه عام واقع شود. از نظر استاد، می توان شش فرضیه را در مورد جمع بعد علمی _ فلسفی وی با بعد شاعری مطرح کرد که بیشترین احتمال این است که عمر بن ابراهیم خیامی به جز تعداد اندکی شعر، که از وی نقل شده است و سراینده معروف رباعیات دو شخصیت مختلفند که متأسفانه به مرور زمان بین این دو نفر اتحاد ایجاد شده و آنها را یک شخصیت دانسته اند. (۳)

۱- میراث ماندگار، ج ۱، صص ۶۳ و ۴۹۰.

۲- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳- نک: تکاپوگر اندیشه ها، صص ۴۳ - ۵۳.

۶. ترجمه و شرح نهج البلاغه

۶. ترجمه و شرح نهج البلاغه

استاد، در دوران تحصیل پی برد که در نهج البلاغه به روابط چهارگانه انسان پرداخته شده است و امیرالمؤمنین با حالات و اشرافی که داشته از این موضوعات چهارگانه صحبت به میان آورده است. این موضوع همیشه مورد توجه استاد بود، ولی به دلایلی، کار روی نهج البلاغه به تأخیر افتاد، تا اینکه روزی یکی از دوستان استاد در خواب، علامه امینی رحمه الله _ صاحب الغدير _ را می بیند که در جایی نشسته است. علامه سؤال می کند: آیا جعفری را می شناسید؟ آن فرد می گوید: بله. علامه امینی می گوید: نامه ای می دهم، به ایشان بدهید. وی از علامه امینی رحمه الله سؤال می کند: آیا اجازه دارم که نامه را باز کنم و بخوانم. علامه امینی رحمه الله می گوید: اشکالی ندارد.

دوست استاد می گوید: نامه را باز کردم و همین که مشغول خواندن آن شدم، دیدم که نامه خیلی ملکوتی است؛ الفاظ، شبیه الفاظ متداول ماست، ولی نورانیتی خاص در آن بود. با خواندن نامه در حال رویا منقلب شدم، بعد علامه امینی رحمه الله می گوید: به جعفری سلام برسانید و بگویید ما که به این دنیا آمده ایم، دیگر نمی توانیم کاری بکنیم، ولی آقای جعفری که در آن دنیا هستند کار نهج البلاغه را شروع کنند و آن را به تأخیر نیندازند. (۱)

استاد انگیزه خود را این گونه بیان می کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام در هر موردی که وارد شدند، مانند جهان بینی، انسان شناسی و امور اجتماعی، جملات ایشان، جملات نهایی است، اگر پس از مطالعات وسیع در مکتب های مختلف، بخواهیم در زمینه مسائل فوق به یک جمله نهایی برسیم تا تکلیف خود و بشریت را بدانیم، باید به این کتاب رجوع

کنیم» (۱)

آنچه بر این تفسیر حاکم است و روح آن را تشکیل می دهد، نگاه به نهج البلاغه از زاویه انسان شناسی است و ارزش دیگر این تفسیر سترگ را باید در نگاه ویژه استاد به موضوعاتی که به نحوی در سطح جامعه مطرح است، دانست. بحث هایی چون: تمدن، تحلیل و نقد تفکرات سیاسی ماکیاولی، بدعت و فتنه، جامعه شناسی، وحدت اسلامی، بقای بشر، عوامل اساسی آسیب حیات انسان ها، شناخت، حیات معقول و... که با کمی دقت متوجه می شویم که استاد بحث های بسیار خوبی را که مورد نیاز جامعه بوده است، در سایه سخنان نهج البلاغه مطرح کرده است که هم معضلات فکری جامعه را حل می کند و هم باعث رویکردی دوباره به متون دینی می شود.

۷. فلسفه زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام

۷. فلسفه زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام

این اثر از نادرترین آثار است که در حوزه زیبایی شناسی و هنر به رشته تحریر درآمده است و جایگاه وزینی را به دلایل نوآوری در فلسفه هنر، دوری از تقلید گرایی و به نوعی ابداع و نظریه پروری به دست آورده است. استاد در این کتاب پس از پرداختن به نگرش های علمی، فلسفی، نظری و مذهبی به هنر و بررسی آنها، به ارتباط انسان با هنر می پردازد که آیا هنر برای هنر است یا برای انسان و نقش آن را در حیات معقول ذکر می کند.

«هنر برای هنر» هر چند باز کردن میدان برای به فعلیت رسیدن نبوغ هاست، چون ممکن است نبوغ از مغزهایی پر از برداشت ها و اصول پیش ساخته غیرمنطقی به فعلیت برسد؛ از این رو نمی توان از این عقیده به طور مطلق دفاع کرد. «هنر برای انسان» به آن صورت که تفسیر انسان از دیدگاه سیاست مداران که با تفسیر انسان از دیدگاه اخلاقیون

متفاوت است، مورد نظر نیست، بلکه هنر برای انسان در حیات معقول منظور است. (۱)

استاد، هنر را تقسیم بندی دقیقی کرده است؛ هنر پیرو و هنر پیشرو. هنر پیرو تابع خواسته های افراد جامعه است و برای این نوع هنر و هنرمند، ویژگی هایی را ذکر می کند. برای نمونه، هنرمند پیرو تابع خواسته های مردم است و اگر از او تجلیل کنند، خوشنود و اگر از او تجلیل نکنند، ناراحت می شود که چرا به کارهای هنری پرداخته است. در هنر پیرو، هنرمند کاری به بایدها و نبایدها و هدف اعلاای حیات ندارد. هنر پیشرو، تصفیه واقعیات جاری و استخراج حقایق ناب از میان آنها و قرار دادن آنها در مجرای «حیات معقول» به شکلی جالب و گیرنده است. و آنچه هست رابه سود «آنچه باید بشود» تعدیل می کند. و از جلوه گاه تعهد به هنر می نگرد و در تصفیه اوهام و پندارها و بیرون ریختن زباله هایی که در ذهن مردم به عنوان حقایق موج می زند و رسوب می کند، رسالت بزرگی ایفا می کند. (۲)

موضوع دیگری که در ادامه به آن پرداخته می شود، بحث زیبایی در اسلام است. (۳) بحث های زیبایی و هنر و رابطه آنها با حقیقت و علت زیبایی گرایی انسان ها و زیبایی از دیدگاه علمی و فلسفی به همراه بحث زیبایی درباره دیدگاه منابع اسلامی در آخر کتاب گنجانده شده است.

۸. عرفان اسلامی

۸. عرفان اسلامی

استاد پس از معرفی درست عرفان اسلامی و ارتباطات چهارگانه اش با خویشتن، خدا، جهان هستی و هم نوع خود، به مقصود اصلی نگارش این کتاب، یعنی به ارتباط عرفان با مسائل جدید می پردازد و نتیجه می گیرد که با وجود پیشرفت صنعتی امروز،

۱- زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، علامه جعفری، نشر کرامت - چ دوم - ۱۳۷۵، صص ۲۵ - ۲۶.

۲- زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، صص ۲۵ - ۲۶.

۳- آفاق مرزبانی، ص ۱۵۳.

هنوز عرفان می تواند جایگاه خویش را برای انسان حفظ کند و هیچ تضادی با مسائل جدید ندارد. (۱)

۹. فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو

۹. فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو

استاد علامه جعفری در این کتاب، تقریباً از تمامی مراجع و دایره المعارف های موجود جهان، مانند فارسی، عربی، فرانسوی، آلمانی، امریکایی، آرژانتینی، بریتانیکا، روسی، ایتالیایی، یونانی، اسپانیایی، چینی، ژاپنی، هندی، افریقایی و ... استفاده و تعاریف موجود در آنها را نقل می کند و به بررسی آنها می پردازد.

استاد، پس از بحث مستوفایی در فرهنگ، آن را از نظر تکامل به دو نوع فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو تقسیم می کند و پس از توضیح و بررسی این دو فرهنگ، می نویسد: «فرهنگی را که اسلام بنا نهاد، حیات هدف داری است که ابعاد زیاجویی و علم گرایی و منطق طلبی و آرمان خواهی انسان ها را به شدت به فعلیت رسانده و همه عناصر فرهنگی را متشکل می سازد» (۲). مقایسه فرهنگ اسلامی با فرهنگ غربی و علل افول فرهنگ غرب، از مواردی هستند که استاد در پایان کتاب به آنها پرداخته است.

۱۰. فلسفه دین

۱۰. فلسفه دین

استاد در این اثر شریف با نقل سخنان متفکران مغرب زمین در موضوعاتی مانند: چیستی دین، قلمرو، ضرورت دین، رابطه دین و دنیا، سکولاریسم، هرمنوتیک و پلورالیسم دینی به تبیین و نقد و بررسی آنها می پردازد و نظر اسلام را درباره این مسائل پیچیده بسیار سلیس، شیوا و با سادگی و روانی قلم که خاص استاد است، روشن می کند. دو بحث سکولاریسم و پلورالیسم به خاطر اهمیت موضوع، در قسمت اندیشه های استاد مطرح شده است که علاقه مندان می توانند به آن قسمت رجوع کنند.

۱- عرفان اسلامی، علامه جعفری صص ۲۱ - ۲۲. نشر کرامت - چ دوم - بی تاریخ

۲- فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، علامه جعفری، نشر کرامت، چ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰.

۱۱. تحقیقی در فلسفه علم

۱۱. تحقیقی در فلسفه علم

این اثر حاصل درس های استاد با همین نام در دانشگاه صنعتی شریف است که با تسلط کامل بر فلسفه و معارف اسلامی، تحقیق و پژوهشی شایسته را در زمینه فلسفه علم که تقریباً علمی نوپا در ایران است، در یک مرکز علمی ارائه کرد، با توجه به اینکه این رشته بیشتر بر پایه متون غربی به وجود آمده و تمام زوایای آن از این تفکرات رنگ پذیرفته است، این تألیف می تواند اهمیت به سزایی داشته باشد. استاد پس از بحث و بررسی اهمیت فلسفه علم و نیاز به آن، نتیجه می گیرد که با توجه به مباحثی که امروزه با نام فلسفه علم مطرح می شود، می توان گفت که چنین نیست که همه این مباحث از ابتکارات جدید مغرب زمین باشد، زیرا بسیاری از آن مباحث و ریشه های آنها از زمان هایی بسیار قدیم در منطق و فلسفه های مشرق زمین مطرح و مورد استفاده صاحب نظران در معارف گوناگون بوده است.

۱۱. اشعار

۱۱. اشعار

شعر سرودن استاد از موضوعاتی است که شاید گاه مشهور نباشد، زیرا به خاطر تواضعی که همیشه در سیره وی متبلور بوده، هیچ گاه حاضر به بیان این مسئله در نزد دیگران نبوده است. روزی دکتر احمد احمدی که به اتفاق ایشان از مراسم افتتاحیه ای در کشمیر برمی گشت، متوجه می شود که استاد اشعاری را زمزمه می کند که پس از پرسش از سراینده این اشعار، متوجه می شود که شاعر، خود استاد است. (۱)

در اینجا، چند قطعه شعری را که استاد سروده است، ذکر می کنیم:

مور ضعیف و ناتوان چون شکل یزدانی کشد

بی شک به شکل مورچه، با شاخ حیوانی کشد

۱- دکتر احمد احمدی، روزنامه رسالت، ۲۵/۸/۷۸ و ابن سینای زمان، ص ۷۶.

مغز شبان هم نقشه موسی بن عمرانی کشد

در فکر مانی گرفتد، در صورت مانی کشد

* * *

ادراک هر جنبه، عکس خویش را داراستی

از ممکن ای یاران! به ذات حق مسافت هاستی

ممکن مکانی بوده و او از مکان بالاستی

ممکن زمانی بوده از نو زمان اعلاستی

مکن چه گاهی مضطرب در موج آن دریاستی

افهام را کسی درک آن ائیت علیاستی

* * *

این همه تعبیر گوناگون که در تعبیر ماست

در نهایت جز جمال واحدی معنانش نیست

صد هزار انگشت ایماگر برآید زاستین

مقصودی غیر از هلال نیر یکتاش نیست (۱)

فصل سوم: ابعاد شخصی استاد

اشاره

فصل سوم: ابعاد شخصی استاد

برای الگوسازی و ترویج فرهنگ علم پروری در سطح جامعه بهترین راه، تحقیق و کنکاش در زندگی و وجوه مختلف شخصیت های بزرگ و ملی است؛ یعنی با پژوهش و بررسی عوامل تگون شخصیتی همچون استاد علامه جعفری رحمه اللهراه های پیشرفت به علاقه مندان و تازه واردان به کاروان علم و فرهنگ معرفی شود تا آنها بتوانند از این تجربه های گران قدر بهره های وافر ببرند. در این فصل به بررسی و تحقیق در ویژگی های مختلف علمی و اخلاقی استاد می پردازیم، تا شاید بتوانیم گوشه هایی از زندگی پربار استاد را معرفی کنیم.

ویژگی های علمی

اشاره

ویژگی های علمی

زیر فصل ها

۱. حافظه قوی

۲. گستردگی و گوناگونی دانش

۳. ارتباط علمی با دکتر حسابی

۴. دیدار دکتر شریعتی با علامه جعفری

۵. تلاش بی وقفه برای مطالعه

۱. حافظه قوی

۱. حافظه قوی

استاد از حافظه ای قوی برخوردار بود، به طوری که هزاران بیت شعر فارسی و عربی را در حافظه داشت و بارها مشاهده شده بود که استاد به هنگام درس و بحث، نصف صفحه از یک کتاب فارسی یا عربی را بدون رجوع به کتاب، بدون تأمل و مکث

می خواند. و یا با وجود کتابخانه ای بسیار بزرگ در منزل، در صورت نیاز به مطلبی خاص، بدون هیچ تأملی جوینده را راهنمایی می کرد. از ویژگی های دیگر استاد، استفاده به موقع از حافظه بود. (۱) خاطره ای از استاد در این زمینه وجود دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست.

«یک بار وقتی ایشان تاکسی سوار شده بود تا به جایی برود، در مسیر راه یکبار می گوید: ای خدای من. راننده تاکسی اعتراض می کند که مگر خدا فقط متعلق به شماست که می گوید ای خدای من. ایشان فوراً این شعر سعدی را می خواند:

چنان لطف او شامل هر تن است

که هر بنده گوید خدای من است

راننده از این حاضر جوابی استاد متحیر می ماند، ایشان را به مقصد می رساند و کرایه خود را دریافت نمی کند. (۲)

۲. گستردگی و گوناگونی دانش

۲. گستردگی و گوناگونی دانش

از مهم ترین ویژگی های استاد، وسعت و گستردگی معلومات اوست که در همه زمینه های علمی، فلسفی و دینی مطالعه می کرد. افزون بر تبحر در رشته ها و مسائل فلسفی و دینی، به رشته های علمی نیز آشنا بود، یعنی افزون بر مطالعه وسیع در جامعه شناسی و روان شناسی، به فیزیک نظری و بعضی دیگر از رشته های علوم تجربی نیز آشنایی داشت. در ادبیات فارسی و عربی نیز ذوق عالی و مطالعات عمیق داشت و در بحث ها و تألیفات، از آنها بهره بسیار برده بود، به طوری که استفاده از اشعار، استادان فن را نیز شگفت زده می کرد.

۱- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۶۶.

۲- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۶۶.

در مطالعه و آشنایی با ادبیات مغرب زمین نیز این گونه بود. شخصیت های ادبی مانند: شکسپیر، ویکتور هوگو، داستایوفسکی، تولستوی، بالزاک و لامارتین، بسیار مورد توجه استاد بوده اند، به طوری که در بحث های خود از نکات عمیقی از آثار آنها استفاده کرده است.^(۱) این امر نشان دهنده آن است که استاد با اندیشه های شرق و غرب به خوبی آشنا بوده است.

خواب عجیب هم درس علامه!

در ایام تحصیل در نجف اشرف، یکی از هم درسی های علامه به نام شیخ ابوتراب کرمانشاهی خواب شگفت انگیزی دید و آن را برای علامه تعریف کرد:

«دیشب خواب دیدم که از محله ای که شما مقیم آن هستید، جمعیت بی شماری بیرون می آیند، این جمعیت دارای مذاهب گوناگون و از ملت ها و اقشار مختلف جامعه بودند، من از آنها پرسیدم که اینجا چه خبر است؟ گفتند: شیخ محمدتقی جعفری در دیگ های بزرگ شیر پخته است و مردم از آن می خورند و بیرون می آیند.»^(۲)

۳. ارتباط علمی با دکتر حسابی

۳. ارتباط علمی با دکتر حسابی

از شخصیت هایی که استاد با ایشان رابطه دوستانه ای داشت، مرحوم استاد دکتر سید محمود حسابی بود که در همان سال های اولیه ورود به ایران با او آشنا شد. استاد و برخی از دوستان وی، هفته ای یک بار در منزل دکتر حسابی جمع می شدند و به بحث و گفت و گوهای علمی، فلسفی و دینی می پرداختند. این جلسات بیست و چهار سال ادامه پیدا کرد.

۱- ر، ک: شرح مثنوی (که در ابتدای هر جلد منتخبی از آثار این بزرگان آورده شده است).

۲- آفاق مرزبانی، ص ۳۲.

استاد همواره از دکتر حسابی به نیکی یاد می کرد و در وصف ایشان فرموده است: «اهل سکوت بود و بیشتر حرف دیگران را گوش می داد و کمتر سخن می گفت. دکتر حسابی مصداق «مَنْ قَلَّ كَلَامُهُ كَمُلَ عَقْلُهُ» (کسی که کمتر حرف می زند، عقلش کامل تر است) بود. نکته هایی را هم که می گفت پرمحتوا بود». دکتر حسابی درباره ذرات بنیادی نظریه ای داشت که آن را با انیشتین نیز در میان گذاشته بود. از نظر وی، دامنه موجودیت هر ذره ای مانند الکترون ها یا پروتون ها، تا کلهکشان ها نیز کشانده شده است و برای شناسایی دقیق آن، باید اجزای دیگر عالم را نیز در نظر گرفت. در جلسه ای که درباره نظریه دکتر حسابی بحث می شد، استاد ابیات زیر را از شیخ محمود شبستری نقل کرد:

به هر جزئی ز کل کان نیست گردد

کل اندر دم ز امکان نیست گردد

جهان کل است و در هر طرفه العین

عدم گردد و لایقی زمانین

دگر باره شود پیدا جهانی

به هر لحظه زمین و آسمانی

جهان چون خط و خال و چشم و ابروست

که هر جزئی به جای خود نیکوست

اگر یک ذره را برگیری از جای

خلل یابد همه عالم سراپای

هنگامی که دکتر حسابی متوجه شد از نظر شبستری هر ذره ای در جهان دخالت دارد، به سرعت از جای برخاست تا قلم و کاغذ بیاورد و این اشعار را یادداشت کند. (۱)

۴. دیدار دکتر شریعتی با علامه جعفری

۴. دیدار دکتر شریعتی با علامه جعفری

مرحوم دکتر شریعتی هنگامی که به واسطه شیخ علی اسلامی، نقل قول‌ها درباره آثار و اقوال ایشان زیاد شده بود، روزی از من خواستند که به اتفاق به دیدن استاد جعفری برویم. صبح روز جمعه ای بود که حقیر در همان آپارتمان روبه روی حسینیه ارشاد به دنبالشان رفتم و با قرار قبلی به منزل استاد رفتیم. مرحوم شریعتی خدمت استاد جعفری عرض کردند: ببخشید آقا، کار من تحریک و راه انداختن نیروی اجتماع و جوان است. این ماشین که روشن شد و راه افتاد، دیگر بقیه کار با شماست. این شما هستید که باید برای آن، جهت حرکت تعیین کنید. جناب عالی از طرف من مختارید که همه آثار و نوشته های بنده را بخوانید و هرکجایش را مخالف اسلام و تشیع و به هر دلیل، ناجور یافتید، خط بکشید تا در چاپ های بعدی هم آن را حذف کنند. استاد با محبت، مهربانی و تواضع خاص خویش این پیشنهاد را پذیرفت و قول داد به هر مورد که برخورد کرد مطلب را به اطلاع آن زنده یاد برساند. (۲)

۵. تلاش بی وقفه برای مطالعه

۵. تلاش بی وقفه برای مطالعه

وسعت و گستردگی مطالعات استاد، نشان از تلاش خستگی ناپذیر او در مطالعه دارد. ایشان از دوران طلبگی، افزون بر درس های حوزوی، به مطالعه گسترده در زمینه های علمی، به ویژه علوم انسانی می پرداخت. برای نمونه در هنگام نگارش کتاب

۱- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۷۰.

۲- شریعه خرد، (مقاله جهانی بنشسته در گوشه ای)، ص ۴۴۱.

ارتباط انسان و جهان به حدود ۲۵۰۰ جلد کتاب در زمینه های مختلف علمی و فلسفی مراجعه کرد. (۱)

نقل شده است که در ایام تعطیل در نجف، در مدت یک سال و نیم به حسب ضرورت، سخت مشغول مطالعه بود، به طوری که در شبانه روز فقط دو ساعت می خوابید. نیمه های شب وقتی از زیارت حضرت امیر علیه السلام برمی گشت، به مطالعه می پرداخت. (۲)

این موارد نشان می دهد که استاد از هر فرصتی، حداکثر استفاده را برای مطالعه و علم آموزی می کرد تا بتواند بحث های پرمحتوایی را در هنگام نیاز، ارائه دهد. با نگاهی به نوشته های استاد، آشکار خواهد شد که تنوع مطالب و گستردگی موضوعاتی که به آن پرداخته شده، تنها در صورتی امکان پذیر است که استاد، کتاب های بسیاری را مطالعه کرده باشد و این می تواند برای کاروانیان علم و فرهنگ بسیار آموزنده باشد که هرگز در مطالعه و آموختن نباید کوتاهی کرد.

ویژگی های اخلاقی

اشاره

ویژگی های اخلاقی

زیر فصل ها

۱. پرهیز از مبالغه

۲. تواضع و فروتنی

۳. احترام به استاد

۴. کمال جویی و اخلاص

۶. عبادت

۷. پرهیز از مال شبهه دار

۸. ارتباط با جوانان

۹. قدردانی از همسر

۱۰. وفای به عهد

۱. پرهیز از مبالغه

۱. پرهیز از مبالغه

چندی قبل از وفات، یک روز که تمام خانواده برای صرف غذا در اندرون جمع بودند، خطاب به حاضران تأکید کرد: «اگر کسی پس از مرگ من، در مورد من غلو کند، از او راضی نیستم.»^(۳)

۱- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۶۷.

۲- آفاق مرزبانی، ص ۳۸.

۳- روزنامه رسالت، علیرضا جعفری، دی ماه ۱۳۷۷.

حجت الاسلام رشاد نقل کرده است: «وقتی مقدمه شریعه خرد را نوشتم، برای حصول اطمینان در اسناد و استناد دقایق آن، تمام متن را برای ایشان قرائت کردم. برخی موارد را تصحیح کردند، هر چند از سر فروتنی، برخی تعابیر را اغراق آمیز تلقی نمودند و بر تغییر آنها اصرار ورزیدند. و بدین مناسبت نیز داستان شیرینی را نقل کردند: مرحوم آقای میرزا صادق تبریزی _ که مردی عارف و زاهد بود _ در مشهد نامه ای دریافت می کند که با عباراتی تجلیل آمیز، به وی خطاب شده بود. آن بزرگوار، نامه را برداشته و پاکت حاوی آن تعابیر را داخل ضریح ثامن الحجج می افکند و می فرماید: نامه قطعاً مربوط به من است، اما پاکت ظاهراً راجع به امام رضا (علیه السلام) است.»^(۱)

۲. تواضع و فروتنی

۲. تواضع و فروتنی

در ایامی که استاد، مشغول نگارش، تدوین و نقد مثنوی بود، پس از پایان هر جلد، اوراق نوشته شده را در بقچه ای می پیچید و برای تحویل آن با پای پیاده به چاپخانه ای در خیابان ناصرخسروی تهران می رفت. در اینجا به خاطره بسیار زیبایی در این باره اشاره می کنیم.

در سال ۱۳۴۲ که مناظره معروف ایشان با فیلسوف بزرگ غرب، برتراند راسل در جریان بود، روزنامه اطلاعات تصمیم گرفت مطلبی را در مورد این مناظره مکتوب با تصویر هر دو طرف چاپ کند. به همین منظور در تماسی از استاد درخواست کرد که عکس خویش را برای آن روزنامه بفرستند. روز بعد خود استاد دو قطعه عکس برمی دارد و به ساختمان روزنامه اطلاعات می رود. در ابتدای ورود به روزنامه، با توجه به ظاهر بسیار ساده ایشان و نیز عناد و ذهنیت منفی که عناصر وابسته به ساواک در

۱- شریعه خرد، ص الف.

روزنامه‌ها درباره روحانیون ایجاد کرده بودند، با بی توجهی و بی اعتنایی کارکنان روزنامه و هیئت تحریریه روبه رو می‌شود و سرانجام پس از مدتی سرگردانی، به اتاق رییس هیئت تحریریه راهنمایی می‌شود. وی نیز پس از حدود ۴۵ دقیقه صحبت با فردی دیگر و بی توجهی عمدی، با لحنی سبک به ایشان می‌گوید: بله آقا، چی می‌خواهید؟ ایشان با سادگی خاصی پاسخ می‌دهند: عکس‌های محمدتقی جعفری را آورده‌ام. وی ضمن استقبال از اینکه عکس‌های استاد جعفری را به دست آورده است، به آقا می‌گوید: عکس را بدهید و بفرمایید بیرون. در همین هنگام که استاد در حال بیرون رفتن بود، چشم رییس هیئت تحریریه به عکس‌ها می‌افتد و با تعجب می‌پرسد: شما خودتان آقای جعفری هستید؟ استاد پاسخ مثبت می‌دهد و آن مرد نیز خجل از رفتار خویش، دستور می‌دهد تا از ایشان پذیرایی شود. (۱)

نشستن روی موزاییک: «روزی از کلاس درس خارج می‌شدم و خسته بودم، دانشجویی از من سؤال کرد. من برخی اوقات وقتی که خسته بودم، عذرخواهی می‌کردم و جواب را به وقت دیگری موکول می‌نمودم، ولی آن روز چون دیدم پرسشی حیاتی دارد، با اینکه بسیار خسته بودم، همان جا روی موزاییک نشستم و به سؤال او گوش کردم و با تحمل پاسخ دادم. چند روز پیش، نامه‌ای برایم نوشته بود که آن نشستن شما بر روی موزاییک، شلاقی بر اسب من بود که پس از بیست سال هنوز می‌رود. من این نامه را نگه داشتم.» (۲)

۱- روزنامه رسالت، علیرضا جعفری، ۸ دی ماه ۱۳۷۷ به نقل از ابن سینای زمان، ص ۵۳.

۲- ابن سینای زمان، ص ۵۷ (به نقل از علامه جعفری که توسط شبکه اول سیما در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۸ پخش شد).

۳. احترام به استاد

۳. احترام به استاد

احترامی که ایشان به استادان خود می گذاشت، مورد توجه و عنایت شاگردان و اطرافیانش قرار گرفته بود. ایشان همواره با عظمت و تجلیل بسیار و به نیکی از استادان خود یاد می کرد. ایشان به یکی از روشن فکران دینی معاصر که به شهادت دوستان، سال ها پای درس حضرت امام، شهید مطهری رحمه الله و استاد جعفری و دیگر بزرگان حوزه زانو زده و تلمذ کرده بود، گفته بود: آقا، شما چرا هرگز از امام رحمه الله به خصوص در زمان حیات آن جناب یاد نمی کنی و نمی کردی! وی پاسخ داده بود: امام حرف جدیدی ندارد که من آن را در سخنرانی هایم یاد کنم.

بینید تفاوت ره از کجا تا کجاست؛ بین یک طلبه متواضع چون استاد جعفری، ایشان را که حقیقتاً و با تمام وجود معتقد است:

قطره دانش که بخشیدی زپیش

متصل گردان به دریاهاى خویش

با یک به اصطلاح روشن فکری که با گردآوری چند اصطلاح، چنان غروری احساس می کند که امام رحمه الله که همه وجودش تفکر جدیدی از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بوده را صاحب حرف تازه ای نمی داند. (۱)

۴. کمال جویی و اخلاص

۴. کمال جویی و اخلاص

استاد در بیان انگیزه خویش می گوید:

«اول که آمدیم، طلبه شدیم، خب مثل اغلب طلبه ها توی ذهنمان این بود که یک مرجع بشویم، مجتهد بشویم! این همه هم رد شد، کم کم مسئله مرجعیت و... حل شد، پس از آن یک مسئله مهم دیگر پیش آمد که خیلی

۱- شریعه خرد (مقاله جهانی بنشسته در گوشه ای، تالیف دکتر عبدالرحیم گواهی، زیر نظر علی اکبر رشاد، ص ۴۴۳).

طول کشید و آن مسئله عشق به خود علم به ما هو علم بود، به خصوص وقتی زندگی علما و دانشمندان را مطالعه می کردم، خیلی خوشم می آمد. خود دانشمند و عالم شدن برایم مطرح بود، عظمت و وصول به واقعیت در نظرم بود. و البته این خود کار را از ارزش می انداخت. انسان بایستی برای خدا تحصیل کند، خود علم به ما هو علم هم بت است. غول بزرگ دیگری که سر راه ما سبز شد، مسئله مطرح شدن بود که البته دیر هم رد شد. نُحِب ما سخنرانی هایی داشتیم، در دانشگاه های داخل و خارج کشور که گاه می شد ۲۰۰ یا ۳۰۰ نفر استاد پای سخنرانی ما بودند. می گفتیم یک سخنرانی بکنیم که همه خوششان بیاید. تا حدود ۱۸ سال پیش، این غول بزرگ در سر راه ما بود. اما به حمد الله آن هم رد شد. یعنی گاهی می شد ما را به سخنرانی دعوت می کردند، ما هم تمام مطالعات لازم را می کردیم تحقیق و بررسی را کاملاً انجام می دادیم و می گفتیم برویم یک سخنرانی تحویل بدهیم که همه خوششان بیاید. می رفتیم سخنرانی می کردیم، همه شیفته ما می شدند، اما وقتی من خودم را نگاه می کردم، می دیدم چیزی در اینجا {استاد با دست به قسمت سینه اشاره می کند} اضافه نشده است. شیفتگی آنها چیزی به ما اضافه نمی کرد! خلاصه می دیدیم که اینها اشباع کننده آن عطش و نیاز من نیست. آن گرسنگی که من دارم، غذایش اینها نیست، چندتا احسنت و آفرین، عاقبت پرونده اش بسته می شود، چنین فردی را با همین ها می توان پرونده اش را بست. البته احساس مسئولیت برای مردم باید باشد. ولی تکلیف را باید خدا تعیین کند. خلاصه راه این است که دنیا نگیرد آدم را، کار و کوشش هم بایستی باشد. و کارها هم برای خدا باشد. سنت خدایی است که انسان زمین می خورد، حدیث قدسی است که «الکبرياء ردائی من تلبس بها وضعته» آقا

بارها شده سخنرانی را آماده کردم، کتاب‌ها دیدم، تحقیق‌ها کردم و با خود گفتم برویم که سخنرانی بکنیم که همه خوششان بیاید... اما نشان به این بی‌نشان، نمی‌گرفت، هیچی نمی‌شد. اما گاهی هم، خوب مطالعه می‌کردم اما به خدا می‌گفتم آنچه تو صلاح می‌دانی بر زبان ما جاری کن، با این نیت می‌رفتم خوب هم می‌شد، خلاصه باید برای او کار کرد. انسان اگر با خدا باشد، هیچ غمی ندارد.»^(۱)

۵. عشق به معصومین علیهم السلام

۵. عشق به معصومین علیهم السلام

دیدار چهره امیرالمؤمنین علیه السلام: خاطره ای بسیار زیبا از دوران طلبگی استاد در نجف اشرف را از زبان خود استاد بیان می‌کنیم.

«بعد از ظهر بسیار گرم یکی از روزهای تابستان، با تنی چند از دوستان در یکی از حجره‌ها از شدت گرما به سایه ای پناه برده بودیم، چون در حجره نه پنکه ای بود و نه کم‌ترین بادی می‌وزید هوا هم بسیار دم کرده بود. هر کس چیزی می‌گفت: یکی از دوستان هم به طرز خیلی جدی مسئله غریبی را مطرح کرد و از دیگران خواست درباره آن مسئله صادقانه و نه از روی احساسات اظهار نظر کرده و نظر شخصی شان را بگویند.

سؤال این بود که اگر در این شرایط مجرد، طلبگی و غربت، به شما پیشنهاد شود بین این دو کار، یکی وصل و دیدار یک زن زیباروی دارای مکتب و مال یا زیارت جمال علی بن ابیطالب علیه السلام، یکی را انتخاب کنید، شما الحق و الانصاف کدام یک را برمی‌گزینید؟ پس از طرح سؤال، چند نفری که

۱- فروغ دانایی، صص ۳۷ _ ۳۹ به نقل از روزنامه رسالت ویژه نامه ۲۵/۸/۱۳۷۸، ص ۳ (به نقل از استاد محسن غروی‌ان).

در آن حجره بودیم، سر در جیب تفکر فرو بردیم، چون او از ما خواسته بود به سؤالش صادقانه پاسخ بدهیم. هر کس پاسخی داد، نوبت به من که رسید، آن طلبه پرسید: جعفری، تو کدام یک را می خواهی؟ من بدون تأمل جواب دادم: من جمال علی بن ابیطالب علیه السلام را می خواهم.

قدری که بحث به مسائل دیگر کشید، به من حال عجیبی دست داد، به طوری که برخاستم و به حجره خودم رفتم. در آن حال، حالتی شبیه رویا به من دست داد که دیدم چهره امیرالمؤمنین در برابر من در حجره مجسم و ظاهر شد. حجره به حدی نورانی و زیبا بود که از دیدن آن به وجد و شعف افتادم و از خود بیخود شدم. پس از لحظاتی که به حال خودم برگشتم، برخاستم و دوباره به حجره ای که دوستان در آن هنوز مشغول بحث و گفت و گو بودند، وارد شدم. وقتی آنها متوجه تغییر حالت من شدند، پرسیدند: جعفری، چه شده؟ گفتم: شما به آن چیزی که می خواستید رسیدید؟ گفتند: نه. این که یک شوخی بیشتر نبود. من پاسخ دادم: ولی من به آنچه گفتم، رسیدم. و ماجرا را برایشان تعریف کردم؛ که بسیار منقلب شدند. (۱)

بعدها که استاد در سخنرانی های متعدد خویش، از آن حضرت نامی به عنوان پسر ابیطالب علیه السلام، یا علی بن ابیطالب علیه السلام به میان می آورد، احساس می شد که هنوز در لذت آن دیدار، احساس نشاط می کند.

عشق به امام حسین علیه السلام؛ برات رستگاری: فرزند استاد نقل می کرد:

«سه ساعت قبل از رحلت، استاد به من اشاره کرد و اشاره اش به معنای درخواست از من بود، اما من متوجه درخواست پدر نمی شدم. من تلاش می کردم تا منظور پدر را متوجه شوم، اما ناکام می ماندم، سرانجام پس از

حدود دو ساعت، منظور پدر را درک کردم. داخل کیف استاد، پلاکی بود که اسم خداوند و نام ائمه علیهم السلام حک شده بود. اطراف آن پلاک، پارچه سبزی پیچیده شده بود. این پارچه را روی چند ماه قبل از رحلت استاد، یکی از دوستانش از کربلا آورده بود، منظور پدر از آن اشارات همین پارچه سبز بود. من به سرعت به محلی که آن پارچه سبز بود، رفتم و آن را آوردم. زمان رفت و برگشت یک ساعت به طول انجامید، زمانی که من وارد بیمارستان شدم، متوجه شدم که اتاقی که پدر در آن بستری بود، بسته است و دوستان پشت در اتاق ایستاده اند. پرستار خبر رحلت پدر را به من داد. من بی تاب و متأثر، وارد اتاق شدم، جسم مبارک پدر روی تخت بود، پارچه سفیدی جسمشان را پوشانده بود. بی تابی من بیشتر از آن رو بود که چرا کمی زودتر، منظور پدر را درک نکردم تا پیش از رحلت ایشان، پارچه را برای او بیاورم، من پارچه را از روی صورت کنار زدم و در حالی که به شدت متأثر بودم و گریه می کردم و خود را به خاطر دیر رسیدن مؤاخذه می کردم، پارچه را روی صورت استاد گذاشتم، دیدم ایشان چشم هایش را باز کرد، لبخند زد و چشم هایش را بست. (۱)

۶. عبادت

۶. عبادت

استاد مقید بود که تکالیف، عبادات و اعمال مستحبی را به موقع به جا آورد و بر همین اساس به فرزندانش نیز توصیه و تأکید می کرد که در انجام به موقع این اعمال کوشا باشند، ولی در عین حال هیچ گاه از مرز اعتدال بیرون نرفت.

۱- فروغ دانایی، صص ۲۷ - ۲۸ به نقل از فیلسوف شرق، صص ۱۱۱ - ۱۱۲.

نقل شده است که روزی فردی ناشناس از قم به حضور ایشان می رود و می گوید که اعتقاد من بر این است که شما به بسیاری از علوم غریبه و مرتبط با عالم ماوراءالطبیعه احاطه علمی دارید؛ از این رو، تقاضای ذکری از شما دارم. استاد در پاسخ به وی، ضمن رد درخواستش، اظهار می کند: «بنده در این مورد اطلاعی ندارم و مستحباتم را به حد معمول و متعارف انجام می دهم و اصلاً اعتقادی به این مقولات ندارم.»^(۱)

و این نشان از دقت نظر و حفظ اعتدال در اعمال و رفتار عبادی استاد دارد.

۷. پرهیز از مال شبهه دار

۷. پرهیز از مال شبهه دار

در سال ۱۳۴۰ یا ۱۳۴۱ یکی از بازاریان بسیار ثروتمند، عاشق رفتار استاد شد و از ایشان خواست که در ازای مبلغ پنج هزار تومان به جای او حج برود، اما استاد نپذیرفت و نرفت. او هم مبلغ پنج هزار تومان دیگر به آن افزود. با این مبلغ، ایشان می توانست به حج برود و یک سال هم آنجا ساکن شود، اما چون در حلال بودن آن پول تردید داشت، این تقاضا را رد کرده بود و با این عمل، آن مرد صاحب عنوان که تا آن روز، حامی استاد بود، با ایشان قطع رابطه کرد، اما این مسئله اجر معنوی دیگری برای استاد داشت؛ نپذیرفتن مال و منال دنیا باعث گشایش معنوی برای ایشان شده بود. ایشان می فرمودند: «والله تا چند روز، وقتی در خیابان ها راه می رفتم، صورت برزخی انسان ها را می دیدم تا کم کم خداوند لطف کرد و آن حالت از من رفع شد.»^(۲)

بوی تعفن حرام: فرزند استاد نقل می کرد: «وقتی که در نروژ بودیم، یکی از دوستان من، استاد را برای شام به منزل خود دعوت کرد. رأس ساعت مقرر من و پدرم به منزل

۱- نقل از روزنامه رسالت، علیرضا جعفری، ۸ دی ۱۳۷۷ _ به نظر می رسد مقصود استاد از جمله آخر این است که از مبالغه گویی پرهیز شود.

۲- روزنامه اطلاعات، دکتر گواهی، ضمیمه ۵، آبان ۱۳۷۷.

آن دوست رفتیم. هنگام شام، پدرم ناراحت شد و گفت: بوی تعفن می آید. من تصور کردم که ممکن است، تومور موجود در مغز، فعالیت مراکز بویایی در مغز را دچار اختلال کرده باشد. به او توضیح دادم که بوی تعفن در کار نیست. اما او ضمن ابراز ناراحتی از بوی تعفن، از جا برخاست که برود. به ناچار، من نیز همراه او از منزل دوستم خارج شدم. صبح روز بعد، من با آن دوستم تماس گرفتم تا از اتفاق شب گذشته عذرخواهی کنم، اما با کمال تعجب آن دوستم گفت: برای شام شب گذشته نتوانستم مرغ ذبح اسلامی بخرم و ناچار شدم از مرغ معمولی استفاده کنم و از اینکه داشتم مرغ غیرذبح اسلامی به استاد می دادم، بسیار ناراحت بودم. خیلی خوشحال هستم که ایشان شام نخوردند.»^(۱)

۸. ارتباط با جوانان

۸. ارتباط با جوانان

گاهی که همراه جمعی از دوستان یا خانواده به مسافرت و یا بیلاق می رفتیم، هنگامی که جوان ترها به بازی فوتبال می پرداختند و از من برای بازی دعوت می شد، دعوت آنها را می پذیرفتم، البته معمولاً در دروازه می ایستادم و گل فراوانی هم می خوردم!!^(۲)

۹. قدردانی از همسر

۹. قدردانی از همسر

یک روز ناراحتی جزئی بین استاد و همسرش پیش آمد. پس از گذشت لحظاتی چند، هنگامی که استاد عازم رفتن به بیرون از منزل بود، با نهایت تواضع آمد و از همسرش عذرخواهی کرد.^(۳)

در سوگ همسر: «سالیانی متمادی که مسلماً از چهل سال بیشتر بوده، این بانوی از

۱- فروغ دانایی، صص ۲۳ _ ۲۴ به نقل از فرزند استاد دکتر جعفری.

۲- فروغ دانایی، ص ۴۶.

۳- روزنامه رسالت، علیرضا جعفری، ویژه نامه، ۸ دی ماه ۱۳۷۷.

دست رفته در زندگی زناشویی ما بود، حقیقت این است که تحمل کارهای ما و مانع نشدن و جاده را آماده کردن و مقتضیات نفس را کنار گذاشتن که شوهر کار خود را انجام بدهد و با این که این برای دنیا نیست و برای ثروت دنیا نیست و برای مقام هم نیست، با علم بر این نکته، و این مجاهدت ها که این جور بانوان انجام می دهند، برای ما و امثال ما طلبه ها و امثال آن بزرگان دانشگاهی که واقعا برای جامعه قدم برمی دارند خیلی باید قدردانی شود و احساس می کنم که دورانی را که ما در نجف می گذراندیم و ایشان با کمال آرامش و با کمال تحمل با ما همکاری می کرد. و بعد دوران مشهد بود و بعد هم دوران تهران بود.

حقیقت این است که من گاهی که احساس می کنم از این اتاق پله ها را پایین می رفتم، درحال فکر مسئله علمی، آن مسئله، این مسئله خب، آیا یک قیافه خندانی می خواست یا نمی خواست؟ زن است شوخی که نیست، بالاخره او مسلما احتیاج به عواطف همیشگی داشت. خیلی خوب، من فکر می کنم که دارم فلان مسئله را حل می کنم _ اگر خدا قبول کند _ ولی او زن است، چهل سال این تحمل!! حقیقت این است که من جز اینکه از ایشان تشکر کنم و از ایشان طلب عفو کنم، امشب هیچ چاره ای غیر از این نمی بینم، چون خیلی خیلی گذشت کرد، حداقل هیچ گونه مانع ایجاد نکرد. این مسئله ای است: برویم خانه فلان قوم و خویش، نخیر در این شهر این طور است، در این شهر این طور، ابدا ابدا. و این سختی ها را تحمل کرد، ایشان و این فشارها را تحمل کرد و من از خداوند متعال به روح ایشان مغفرت طلب می کنم و به روح ایشان طلب عفو می کنم و اطمینان دارم ایشان این تحمل هایی که برای کشیدن بار سنگین ما (گاهی هفته ای حداقل دو سه بار صد تا صد تا، دویست تا دویست تا می آمدند و می رفتند و این زن همه اینها را تحمل می کرد). این مسئله ای است، این

شوخی نیست.

من اینجا از خداوند متعال همه ما که اینجا هستیم، برای همه گذشتگان مان، برای همه آن زن ها که در پروراندن علامه حلّی ها، شیخ انصاری ها، ابن سیناها، ما غیرمستقیم نمی دانیم که در تاریخ تمدن اسلامی و در تاریخ فرهنگ اسلامی، خدمتگزاری هایی که از زن ها، بدون اینکه بدانند چه طور باید بگویند ما هم شریک هستیم اگر ریشه گیری کنیم، قطعاً اینها سهم بزرگی داشتند.

خداوندا! پروردگارا! این بانو را با فاطمه زهرا علیهاالسلام محشور بفرما، این شب اولین شب ورود او به خاک است، او را مشرف به ملاقات ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصاً فاطمه الزهرا علیهاالسلام بگردان.»^(۱)

۱۰. وفای به عهد

۱۰. وفای به عهد

قرار بود که استاد برای دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام در تالار کتابخانه، درباره «انسان و جایگاه علوم انسانی» سخنرانی کند. ایشان در وقت مقرر در جلسه حاضر شد و در حالی که بسیار اندوهگین بود، در جایگاه قرار گرفت و با یاد خدا و سپاس الهی شروع به صحبت کرد و میان سخنان، با صبوری خاصی از مرگ فرزندش خبر داد. اشک در چشم حاضران حلقه زد و با تأثر و شگفتی دریافتند که استاد با آنکه سوگوار مرگ دختر محبوبش است و پیکر او را هنوز به خاک نسپرده و جنازه اش را در میان چشمان اشکبار دیگر بستگان رها کرده، به دانشگاه آمده است تا به عهد خویش وفا کند و به شاگردان مشتاق خویش، درس تازه ای از صبر جمیل و وفای متین بیاموزد.^(۲)

۱- فیلسوف شرق، فاضل قادری، نشر عروج، چ اول _ ۱۳۷۸، ص ۱۵۵.

۲- ابن سینای زمان، ص ۴۱.

فصل چهارم: فعالیت های فرهنگی _ اجتماعی

اشاره

فصل چهارم: فعالیت های فرهنگی _ اجتماعی

استاد، در کنار تألیفات گسترده و تحقیق و پژوهش در زمینه مسائل و شبهات روز جامعه، از فعالیت های اجتماعی _ فرهنگی نیز دور نبود و در حد توان با حفظ ارتباط با اقشار مختلف جامعه و دانشگاهیان، رسالت خویش را در حفظ و تبلیغ دین مبین اسلام و پاسداری از مرزهای فرهنگی و دینی مردم به انجام می رساند. سعی ما بر روشن شدن این بعد از شخصیت استاد است.

فعالیت های تبلیغی

فعالیت های تبلیغی

استاد پس از سکونت در تهران و آغاز تدریس در مدارس علوم دینی و بعضی مجامع دیگر، از سنت دیرین علمای اسلام، یعنی ترویج آموزه های دینی از طریق منبر و خطابه نیز بهره می گرفت و افکار و تلاش های علمی خود را به علاقه مندان ارائه کرد.

برای رسیدن به این هدف، در روستاهای کوچک، مدارس ابتدایی و هیئت های عزاداری حضور می یافت. و محدودیت مکانی مطرح نبود. بعضی از این درس ها و سخنرانی ها، به صورت کتاب جداگانه (۱) و یا در قسمت های مختلف کتاب های تحقیقی

۱- مانند کتاب امام حسین علیه السلام .

بزرگ مانند شرح نهج البلاغه گنجانده شده است.

استاد، خاطرات زیادی از این فعالیت ها داشت؛ برای نمونه، ایشان نقل کرده است «برای شرکت در محفل علمی به تبریز رفتم. مجلس در یک مسجد برگزار شده بود و علما، طلاب و دانشجویان فراوانی حضور پیدا کرده بودند. وقتی به سوی منبر می رفتم، مردی روستایی سر راهم قرار گرفت و به من گفت: طبق سنوات گذشته در روستایمان یک دهه مجلس روضه خوانی داریم، ولی برای آن واعظ نیافته ایم، می توانم از شما برای سخنرانی دعوت کنم؟ به او پاسخ دادم: فرصت این کار را ندارم. و به دنبال این سخن بر فراز منبر قرار گرفتم. در همان اوایل منبر، شروع به تلاوت سوره قدر کردم. آیه اول را خواندم، ولی هر چه فکر کردم، ادامه سوره به خاطرم نیامد. مجدداً از بسم الله شروع کردم و آیه اول را تکرار نمودم، ولی هر چه به ذهنم فشار آوردم، نتوانستم سوره را ادامه بدهم. در این هنگام، صدای مرد روستایی را شنیدم که آیه دوم را خواند و من توانستم با یادآوری او، سوره را تمام کنم.

پس از خاتمه سخنرانی، بلافاصله مرد روستایی را صدا کردم و به او گفتم: حتماً یک دهه در مجلس روضه خوانی روستای شما خواهیم آمد و پیرو آن، ده روز به طور کامل در روستای آن مرد اقامت گزیدم.»^(۱)

و یا به درخواست عده ای، درس های ربا را شروع کرد که متأسفانه به دلایلی این درس، پس از چند جلسه ادامه پیدا نکرد.^(۲) ولی اینها باعث قطع ارتباط ایشان با مردم نشد، بلکه هر روز بر تعداد چنین جلساتی افزون شد.

۱- کیهان فرهنگی، ش ۱۴۷، آبان ۱۳۷۷.

۲- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۳.

حضور در دانشگاه ها

حضور در دانشگاه ها

از فعالیت های چشمگیر در زندگی فرهنگی _ اجتماعی استاد، قبل و بعد از انقلاب، حضور فعال و گسترده در جمع دانشگاهیان و هدایت جمعیت های دانشجویی و استادان به سوی معارف اسلامی بود. پس از بازگشت حضرت علامه از نجف و سکونت در تهران، کوشش های زیادی صورت گرفت تا در دانشگاه ها سخنرانی هایی با حضور ایشان برگزار شود. از سال ۱۳۴۰ به بعد، آقایانی مانند مرحوم آیتی رحمه الله علیه و مرحوم شهید مطهری که در دانشگاه ها فعالیت داشتند، به استاد اصرار کردند دانشجویها می خواهند که گاه گاهی شما برای ایشان سخنرانی کنید. استاد در پاسخ گفت: عیبی ندارد، اگر تکلیف است یا اگر مفید است، اشکالی ندارد. با یاری بعضی از شاگردان، در سال ۱۳۴۱ در دانشگاه نفت، به مناسبت نیمه شعبان سخنرانی کرد که در آن جلسه، دانشجویان، استادان و حتی رئیس بهایی دانشکده نیز حضور داشتند و سخنرانی استاد که در آن زمان فقط چهل سال داشت، با استقبال بسیاری روبه رو شد و این فتح بابی بود تا دانشجویان سایر دانشگاه ها مانند دانشگاه پهلوی سابق، تبریز و تهران از او دعوت کنند. و به زودی محبوبیت خاصی را که تقریباً منحصر به فرد هم بود، برای استاد به ارمغان آورد. (۱) با وجود سخت گیری های بسیاری که در آن زمان برای سخنرانی در دانشگاه ها وجود داشت، چه در دانشگاه تهران، شهید بهشتی، دانشگاه ملی و صنعتی شریف و چه در دانشگاه های اصفهان، تبریز، مشهد، اهواز و شیراز، تقریباً به طور مکرر این سخنرانی ها برگزار می شد. مثلاً ایشان در شیراز دوبار، در اصفهان سه، چهار بار، در مشهد سه، چهار بار، تبریز پنج، شش بار و دو، سه بار هم در دانش سرای

عالی تهران و دانشکده های متفرقه سخنرانی داشت که البته دانشجویها به سختی اجازه سخنرانی می گرفتند. (۱)

این جلسات پس از انقلاب به دو صورت سخنرانی های پراکنده و بعضی دروس مستمر در چند دانشگاه ادامه داشت که می توان برای نمونه به درس های عرفان اسلامی (۲) و تحقیقی در فلسفه علم (۳) در دانشگاه صنعتی شریف و درس های علم و دین (۴) در دانشگاه تهران و درس های علت نیاز به دین (۵) در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی اشاره کرد.

شرکت در اجلاس های داخلی و خارجی

شرکت در اجلاس های داخلی و خارجی

از تلاش های گسترده استاد، ارتباط با دانشمندان، به ویژه دانشمندان و متفکران خارجی و تبیین درست فرهنگ و فلسفه اسلامی و به طور کلی دین اسلام بود که جامعیت و تنوع موضوعی آنها می تواند در شناخت ابعاد علمی استاد بسیار سودمند باشد.

برای آشنایی بیشتر با چگونگی فعالیت استاد در این زمینه، تعدادی از اجلاس های داخلی و خارجی را که استاد در آنها حضور و برنامه سخنرانی داشت، در زیر ذکر می کنیم:

۱. هزاره بین المللی شیخ ابوجعفر محمدبن حسن طوسی، ۱۳۴۸، دانشگاه مشهد،

۱- میراث ماندگار، ج ۱، صص ۱۰۳ - ۱۰۴.

۲- در سال های ۷۳ - ۱۳۷۲.

۳- در سال ۱۳۷۱.

۴- در سال های ۷۶ - ۱۳۷۵.

۵- در سال ۱۳۷۴.

موضوع سخنرانی «قاعده لطف از نظر شیخ طوسی».

۲. هزاره بین المللی فارابی، ۱۳۵۰، اصفهان، موضوع سخنرانی «شیء فی نفسه و شیء لِنفسه».

۳. سمینار حقوق اسلامی، ۱۳۵۸، پاکستان، موضوع «مجازات سرقت در فقه اسلامی».

۴. هزاره بین المللی ابن سینا، ۱۳۵۹، با مسئولیت یونسکو در تهران تشکیل شد، موضوع سخنرانی «علم و عرفان از دیدگاه ابن سینا».

۵. کنفرانس نخست ریاضیدانان، ۱۳۶۱، دانشگاه کرمان.

۶. هزاره بین المللی ابن سینا، ۱۳۶۰، هند، دهلی نو، موضوع سخنرانی «لذت و الم از دیدگاه ابن سینا».

۷. کنگره جهانی بزرگداشت هشتصدمین سال تولد سعدی، ۱۳۶۳، شیراز، موضوع سخنرانی «تلاقی حکمت و ادب در آثار سعدی».

۸. سمینار حقوق جهانی بشر، ۱۳۶۹، فیلیپین، مانیل، موضوع «حقوق بشر در اسلام».

۹. سخنرانی در آکادمی جمهوری آذربایجان، ۱۳۷۱، موضوع «هماهنگی علم، دین و فلسفه».

۱۰. سخنرانی در دانشگاه گنجه، ۱۳۷۱، جمهوری آذربایجان، موضوع «شخصیت نظامی گنجوی».

۱۱. کنفرانس جهانی مدیریت دولتی از نظر اسلام، ۱۳۷۱، ایران، تهران.

۱۲. کنفرانس بین المللی نهج البلاغه، ۱۳۷۲، سوریه، دمشق، موضوع «طرق استدلال برای واقع یابی در نهج البلاغه».

۱۳. سمپوزیوم مقایسه فلسفه شرق و غرب، ۱۳۷۳، انگلستان، دانشگاه بیرمنگام.

۱۴ . کنفرانس علم و مذهب، ۱۳۷۴، سوییس، دانشگاه فرایبورگ.

۱۵ . سخنرانی در دانشگاه آتن، ۱۳۷۴، موضوع سخنرانی «انواع و اشکال مختلف فلسفه ها».

۱۶ . سخنرانی در دانشگاه سفیلد انگلستان، ۱۳۷۴، موضوع «جایگاه تحقیقات در علوم انسانی، در گذشته و حال و آینده».

۱۷ . کنفرانس گفت و گوی اسلام و مسیحیت، ۱۳۷۴، سوییس، موضوع سخنرانی «وجوه اشتراک ادیان ابراهیمی».

۱۸ . کنفرانس مولوی، ۱۳۵۷، ترکیه، موضوع سخنرانی «حرکت و نوگرایی از دیدگاه مولوی».

۱۹ . کنفرانس چهارم ریاضیدانان، شهریور ۱۳۷۶، ایران، کرمانشاه، موضوع سخنرانی «شهود در ریاضیات».(۱)

اینها مواردی از تلاش علمی استاد در داخل و خارج از ایران و در موضوعات مختلف است که افزون بر تنوع مطالب و جامعیت استاد، بیانگر روح خستگی ناپذیر استاد در عرصه پژوهش و تحقیقات علمی است که می تواند برای کاروانیان علم و فرهنگ بسیار آموزنده باشد.

ترویج فرهنگ درست ترجمه

ترویج فرهنگ درست ترجمه

یکی از مشکلات فرهنگی در عرصه کتاب که دامن گیر مجامع علمی ایران شده است روش نادرست ترجمه کتاب های غربی و وجود تحریف در مطالب اصلی کتاب و نبود نقد و بررسی و یا پاورقی است که بتواند خواننده را افزون بر آشنایی با فرهنگ و

۱- این فهرست از مقدمه کتاب شریعه خرد صص ۱۱ تا ۱۲ انتخاب شده است.

مطالب کتاب، از بروز شبهه و هویت زدایی حفظ کند. استاد علامه از پیشگامان حرکت اساسی در راستای حل این مشکل به شمار می آید.

زمانی که کتابی از راسل به نام جهانی که من می شناسم ترجمه شد، استاد تحقیق کرد و پس از مقابله با اصل انگلیسی کتاب، متوجه شد که از اسم کتاب گرفته تا به آخر تحریف شده است و اصلاً اسم کتاب چیز دیگری است؛ (Bertrand Russell Speaks his mind) برتراند راسل افکار خود را بیان می کند. مترجم را خواست و به او گفت: چرا تحریف کرده اید و نام کتاب را تغییر داده اید؟ مترجم پاسخ داد: خواستم جالب شود.

پس از آن، از دو مترجم مسلط به زبان انگلیسی خواست تا کتاب را با اصل آن تطبیق دهند و درستی یا نادرستی ترجمه را مشخص کنند و معلوم شد در ۲۰ صفحه ای که در موضوع فلسفه، مذهب و اخلاق است، ۲۵ اشکال ترجمه ای وجود دارد. بنابراین از آنها خواست تا آن سه بخش را ترجمه کنند و خود نیز به بررسی و تحقیق در مورد آن پرداخت. (۱)

این ترجمه به همراه بررسی و نقدهای استاد، بعدها به نام نقد و بررسی برگزیده افکار راسل چاپ شد. و این روش در ترجمه های دیگری، مانند نقد و بررسی ترجمه کتاب سرگذشت اندیشه ها، (۲) اثر متفکر بزرگ انگلیسی، آلفرد نورث وایتهد (۳) و نقد

۱- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲- در صفحات ۸ و ۱۱ ترجمه کتاب سرگذشت اندیشه ها، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰. _ خود مترجم آقای دکتر عبدالرحیم گواهی فرموده است با راهنمایی استاد با این کتاب آشنا شده است و به دلیل توصیه و پی گیری استاد و به خاطر آنکه ترجمه اول آن بسیار پرغلط و اشتباه بوده است، کار ترجمه آن را پذیرفته و به انجام رسانده است.

۳- Whitehead, Alfred North

و بررسی جامعه‌شناسی دین _ توضیح بخش اسلام، ترجمه کتاب ادیان زنده جهان، نوشته رابرت هیوم انجام شد که تنها مقداری از تلاش‌های استاد در فرهنگ‌سازی ترجمه بوده است و می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای علاقه‌مندان کار ترجمه باشد.

فصل پنجم: افکار و اندیشه ها (تکاپویی در اندیشه های استاد)

اشاره

فصل پنجم: افکار و اندیشه ها (تکاپویی در اندیشه های استاد)

برای معرفی شخصیت علمی _ فرهنگی استاد نیازمندیم تا فصلی را به معرفی افکار و اندیشه هایش اختصاص بدهیم و از این رهگذر دریچه ای را به سوی افکار نابش باز بکشاییم.

ویژگی های فکری

اشاره

ویژگی های فکری

برای آشنایی با افکار و اندیشه های استاد، نخست باید به عواملی که در شکل دهی افکار او نقش به سزایی داشته اند، اشاره شود. از این رو قبل از بیان دیدگاه های استاد، به مهم ترین ویژگی های فکری ایشان به اختصار اشاره می کنیم.

۱. استقلال فکری

۱. استقلال فکری

یکی از مهم ترین ابعاد اندیشه استاد، استقلال فکری است که بر تارک ابعاد وجودی ایشان می درخشد. ایشان با مطالعه مکتب ها و تفکرات موجود در جهان، به نقد و بررسی آنها می پرداخت و بهترین را گزینش می کرد و می پذیرفت. مثلاً با وجود سال ها تحقیق و پژوهش در آثار مولوی و به ویژه مثنوی معنوی، هیچ گاه تابع بی چون و چرای

مولوی نشد، بلکه در مواقع لزوم به نقد و تحلیل افکار او نیز می پرداخت و در جواب کسی که مولوی را بزرگ ترین شخصیت فکری جهان می دانست، گفته بود: «بنده نمی توانم با قبول این سخن، پرونده معنوی بشر را برای گذشته تا آینده بسته و خاتمه یافته اعلام نمایم»^(۱).

گاه گاه دیده می شد که در جواب دانشجویانی که نظر او را در مورد مسئله ای می پرسیدند، می فرمود: نگویید نظرتان چیست؟ بلکه بگویید که دلالتان برای آن سخن چیست؟

بدین طریق تلاش می کرد تا استقلال فکری را در آنها نیز به وجود بیاورد. استاد همیشه از بیماری شخصیت زدگی سخن می گفت و طالبان علم را از فرو رفتن در جاذبه شخصیت ها برحذر می داشت. ایشان با همه اهمیتی که برای آلفرد نورث وایتهد قایل بود، از او انتقاد می کرد که بیش از حد تحت تأثیر افلاطون است، چنان که گویی جاذبه شخصیت فکری افلاطون او را خودباخته کرده است.^(۲)

همین استقلال فکری استاد بود که از برخوردهای مخالفان فلسفه در حوزه نجف _ که مخالفان سرسخت فیلسوفان را در خود جای داده بود _ با درس های فلسفه و معارف اسلامی وی جلوگیری می کرد، زیرا آنها می دانستند که استاد در فلسفه، اهل تقلید نیست، بلکه پس از نقد و بررسی، دیدگاه های خود را ارائه می دهد.^(۳)

۲. توجه به مقتضیات زمان

۲. توجه به مقتضیات زمان

امتیاز دیگر استاد، توجه فراوان به نیازها و حل مشکلات فکری روز جامعه بود.

۱- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۶۸.

۳- آفاق مرزبانی، ص ۳۷.

نوشته های استاد، در واقع پاسخ به شبهاتی بود که در هنگام نگارش، در سطح جامعه به صورت گسترده مطرح بود و ایشان به دلیل اهمیت این شبهات، عمر شریفش را در راه حل آنها مخلصانه و فروتنانه صرف کرد.

برای نمونه، در روزگاری که آثار راسل جزو مطرح ترین آثار ترجمه شده در جامعه علمی بود، ایشان با راهنمایی دو، سه مترجم به ترجمه درست و گویای مطالب راسل، به نقد و بررسی و تحلیل افکار او پرداخت و آنها را به چاپ رساند تا بتواند زمینه آشنایی دقیق تر و درست تر دانش پژوهان را با افکار این شخصیت پرآوازه و جنجالی مغرب زمین فراهم کند. و زمانی که ماتریالیست ها و مادی گرایان افکار جبرگرایانه را در سطح جامعه ترویج می کردند، استاد یک تحقیق همه جانبه از زوایای مختلف درباره جبر و اختیار انجام داد که سرانجام به صورت اثر بسیار نفیسی به نام جبر و اختیار منتشر شد.

در سال های دهه پنجاه، اندیشه های خیام، به طور گسترده ای مورد توجه برخی از محققین قرار گرفت و آثار متعددی در این زمینه منتشر شد، استاد به نقد و بررسی افکار خیام و رباعیات منسوب به وی پرداخت و توانست تناقضات موجود در رباعیات منسوب به وی را آشکار کند و اثری به یادماندنی به نام تحلیل شخصیت خیام را پدید آورد، که متأسفانه تا سال ۱۳۶۸ چاپ نشد.

در اوایل انقلاب که بحث های ایدئولوژی، بسیار مطرح بود، با تلاش فراوان به بحث «شناخت» پرداخت تا بتواند با استفاده از نظریه شناخت، به بطلان نظریه های مادی و منحرف پردازد و انحراف آنها را از دیدگاه فلسفه و قرآن کریم تبیین کند. این کتاب به نام شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن منتشر شد. با شروع انقلاب فرهنگی و بازنگری در رشته های دانشگاهی، استاد تلاش های فکری گسترده ای را در این زمینه آغاز کرد، بحث های مختلفی با عنوان های طرح تعلیم و تربیت اسلامی مطرح

کرد که حیات معقول و تصعید انسان در مسیر حیات تکاملی و اثر جداگانه دیگری به نام طرح هایی برای انقلاب فرهنگی در این زمینه پدید آمد.

۳. نقد اندیشه ها

۳. نقد اندیشه ها

مطالعه و تحقیق روی اندیشه های گوناگون متفکران شرق و غرب همراه نقد و بررسی آنها، از امتیازات ایشان بود. در این میان، به دو شخصیت برجسته معاصر غرب، یعنی راسل و وایتهد، بیش از دیگران پرداختند. برای نمونه، در نقد و بررسی دو اثر راسل [مصاحبه برتراند راسل _ وایتهد و برگزیده افکار راسل]، از یک سو به نقادی جنبه های منفی و از سوی دیگر به جنبه های مثبت افکار راسل پرداخته است. افزون بر آن، در مقاله ای جداگانه در مورد شخصیت راسل، به امتیازات راسل اشاره و ده ویژگی مثبت ایشان را ذکر کرده و به جنبه های منفی افکار راسل نیز پرداخته است. (۱)

در ارزیابی شخصیت وایتهد نیز بر این باور است که وی، هم اطلاعات وسیعی درباره اندیشه ها و عقاید مختلف دارد و هم به ارزش های انسانی در آثار خود می پردازد؛ در عین حال هستی شناسی را به عقل نظری منحصر نمی داند و عفت قلم و متانت را در بیان مطالب رعایت می کند.

استاد، بر کتاب سرگذشت اندیشه ها حدود ۱۷۰ مورد حواشی مفید دارد که با بی طرفی کامل به جنبه های مثبت و منفی اندیشه های وی اشاره کرده است.

این ویژگی استاد مختص به این دو شخصیت نیست، بلکه او در جای جای آثار خود، به اندیشه های متفکران غرب و شرق توجه و جنبه های مثبت و منفی آنها را مطرح کرده است؛ اندیشه های شخصیت هایی مانند ماکیاولی، نیچه، فروید، سارتر،

۱- این مقاله در ضمیمه کتاب طرح هایی در انقلاب فرهنگی، توسط انتشارات پیشوا منتشر شد.

کریشنا مورتی و... (۱)

این ویژگی آن چنان در شخصیت استاد جلوه گر بود که در رفتار او نیز پدیدار شد. در زمان سفر به اروپا، کوشش شده بود که استاد و سارتر دیدار و بحثی داشته باشند، ولی استاد قبول نکرد؛ علت را چنین بیان کرد: «یکی این است که جهان‌شناسی ایشان خیلی عمیق نیست، اگر هایدگر بود، یک حرفی یا اگر راسل بود حداقل اطلاعات فلسفی عمیقی داشت، اما این سارتر که کتاب هایش را دیده بودم عمیق نبود. و یکی هم گفتم بر فرض اینکه او عمیق هم باشد، بنشینیم و بحث کنیم، این چهار، پنج روز به عنوان یک متفکر مغرب زمین با من صحبت خواهد کرد، نه به عنوان متفکر [مطلق]؛ یعنی اول او در تاقچه نشسته و مرا که در زمین نشسته ام خواهد دید. سه، چهار روز بیخود بحث‌ها طول می‌کشد. تا بعد از آن دیگر مطالب برای بحث آماده می‌شد. شب شرقی از قیافه من می‌رفت کنار و شب غربی از قیافه او می‌رفت کنار و دوتایی باهم صحبت می‌کردیم، گفتم: پنج، شش روز آن هم روزی دو ساعت برای بحث باید باشد، گفتند نه او مریض است، پنج، شش روز زیاد است، من هم گفتم نه، قبول نکردم در آنجا دو، سه نفر هم یک عصر آمدند و خوشحال بودند، از اینکه ما خیلی عاشقانه از این مسئله استقبال نکردیم، گفتند که اینجا اساتیدی از دانشگاه‌های ایران می‌آیند و آرزویشان این است که دیداری از اساتید اینجا داشته باشند، فقط برای اینکه بگویند ما با فلان استاد دیداری داشتیم» (۲).

۴. پاسداری از دین

۴. پاسداری از دین

شکی نیست که استاد از مرزبانان شریعت اسلامی در مسیر «حیات معقول» است که

۱- تکاپوگر اندیشه‌ها، ص ۶۹.

۲- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۵.

تمام مدت عمر علمی خود را در مسیر تحقیق و پژوهش درباره اسلام سپری نمود. و در این راه با روش های گوناگون به پاسداری از دین پرداخت.

۱. تحقیق و تألیف: آثار استاد، در واقع برای پاسخ به شبهات و حفظ مرزهای دینی جامعه اسلامی نوشته شدند.

۲. تدریس: استاد با گسترش تدریس از حوزه به منزل و دانشگاه ها، توانست تعداد بیشتری از طالبان علم و حقیقت را با دین آشنا کند.

۳. سخنرانی: از ابتدای ورود به ایران، استاد در مراکز مختلف دانشگاهی، علمی و فرهنگی، حوزه ها، مساجد، مدارس و حتی مراکز اقتصادی سخنرانی کرد که نقش به سزایی در تنویر افکار عمومی داشت.

۴. ارتباطات علمی: وجه دیگری که هرگز نباید به راحتی از آن گذشت، ارتباطات علمی استاد با شخصیت های مختلف علمی داخلی و خارجی است که در این ارتباطات همواره به گونه ای معقول از دین دفاع می کرد.

بعضی از این مذاکرات مانند مکاتبات استاد با متفکر بزرگ مغرب زمین، برتراند راسل، بسیار معروف است و چهره های معروف جهانی زیادی در این مذاکرات شرکت داشتند که نام بعضی از آنها را برای اطلاع ذکر می کنیم.

— پروفیسور روزنتال، آلمان، رشته تخصصی: حقوق؛

— پروفیسور یانگ، امریکا، رشته تخصصی: ادبیات شرقی؛

— پروفیسور مونتینی، فرانسه، رشته تخصصی: ادبیات؛

— پروفیسور روژه گارودی، فرانسه، رشته تخصصی: علوم اجتماعی؛

— پروفیسور محمدعبدالسلام (برنده جایزه نوبل فیزیک)، پاکستان، رشته تخصصی: فیزیک؛

— آقای گالیندو پل (عضو کمیسیون حقوق بشر ملل متحد)، السالوادور، رشته

تخصصی: حقوق بشر؛

— پروفیسور چارلز آدامس، کانادا، رشته تخصصی: عرفان؛

— استاد علان الفاوی، مراکش، رشته تخصصی: علم کلام، (۱)

اندیشه های استاد

اشاره

اندیشه های استاد

زیر فصل ها

۱. فلسفه

۲. شناخت

۳. انسان شناسی

۴. فلسفه حیات

۵. پلورالیسم دینی

۶. سکولاریسم

۷. شورا و مشورت

۸. تعلیم و تربیت

۹. شخصیت زن

۱۰. شبهه

۱۱. بدعت

۱۲. عدالت

۱۳. وحدت اسلامی

۱۴. آزادی

۱۵. حقوق بشر

۱۶. موسیقی

۱۷. تمدن

۱۸. فرهنگ

۱۹. روان شناسی

۱. فلسفه

۱. فلسفه

بنابر اعتقاد استاد علامه جعفری، مهم ترین موضوعاتی که فلسفه ها برای حل آنها مطرح می شوند، تبیین ارتباطات چهارگانه انسان با خویشتن، با خدا، با جهان و با هم نوع خود است. حل نمودها و قوانین طبیعی این ارتباطات را علوم مختلف به عهده گرفته و تاکنون سعی خود را کرده اند. و اما بررسی و تحقیق درباره ماهیت، اصول کلی، نتایج و عوامل اصلی این ارتباطات به عهده فلسفه ها است که از روزگار قدیم در شرق و غرب درباره آن تحقیق می شده است. با توجه به این مقدمه، استاد براساس اعتباراتی، فلسفه را به شش نوع تقسیم می کند؛ نوع اول به اعتبار زمان، نوع دوم به اعتبار مذاهب و ایدئولوژی ها و نوع سوم به اعتبار اقلیم و نوع چهارم به اعتبار فکر شخصیت های بزرگ فلسفی و نوع پنجم به اعتبار تعریف و نوع ششم به اعتبار هدف و غایت.

آنچه برای فیلسوفان لازم است، تجدید نظر در هدف و غایتی است که برای فلسفه در نظر دارند، نه اینکه تقسیم بندی های گذشته را دلیل تضاد مکتب های فلسفی به شمار آورند. هدف و غایت فلسفه، تحول تکاملی در ذات انسان است که در تعریف صدر المتألهین از فلسفه آمده است (استکمال النفس الانسانیة) این هدف است که فلسفه اصطلاحی را به «حکمت» مبدل می سازد که کاروان راه انبیا و اولیا و انسان های وارسته

۱- رک، تکاپوی اندیشه ها، مجموعه مذاکرات علمی، فلسفی و... استاد علامه جعفری، محمد بدیعی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

از خودخواهی و لذت پرستی، عمر خود را در طلب تحقیق و گسترش آن سپری می کنند. با جرئت می توان گفت که از آن موقع که متفکران از این هدف غفلت کردند و به یکی از این سه هدف قانع شدند، فلسفه، حقیقت و انگیزه و نتایج خود را از دست داد و به حرفه ای تبدیل شد که شایسته است آن را شطرنج بازی مغزی بنامیم. و با همین تبدیل بود که «فیلسوف» جای خود را به «کارمند فلسفه» داد. (۱)

۲. شناخت

۲. شناخت

از دیدگاه استاد، شناخت عبارت است از رابطه میان من و یا فاعل شناسایی با جز من یا متعلق شناسایی. ذهن یا من در شناخت اهمیت اساسی دارد، زیرا تا واقعیت به ذهن وارد نشود، قابل شناسایی نخواهد بود.

من انسانی وسایل و کانال هایی برای ارتباط با واقعیات دارد، اما آیا این دو رکن اساسی شناخت (من و متعلق شناسایی) در مراحل ادراک و شناسایی بر یکدیگر تأثیر می گذارند یا نه؟ از نظر استاد، این دو رکن بر یکدیگر تأثیر می گذارند. برای بررسی این مسئله، نیاز است که به عواملی که در این دو رکن دخالت دارند پرداخته شود. (۲)

از ابتکارات استاد، تقسیم بندی گسترده شناخت است که شناخت را به ۱۹ نوع تقسیم کرد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. شناخت آموزشی محض؛

۲. شناخت تبعدی؛

۳. شناخت تجربی؛

۴. شناخت شهودی؛

۱- رک: نظری بر تقسیم بندی فلسفه ها، مندرج در پیام خرد، علامه جعفری، نشر کرامت، ۱۳۷۷، صص ۱۶۰ _ ۱۸۷.

۲- تکاپوگر اندیشه ها، صص ۱۱۳ _ ۱۱۹.

۵. شناخت الهامی؛

۶. شناخت مستند به وحی. (۱)

استاد بحث های گسترده ای را در رابطه با شناخت ارائه کرده که در جلد های پنجم، ششم، و هفتم تفسیر نهج البلاغه و هم به صورت جداگانه با عنوان شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن انتشار یافت.

۳. انسان شناسی

۳. انسان شناسی

استاد در تمامی آثار خویش به گونه ای وجوه مختلف انسان شناسی را بررسی کرده که در نتیجه پرداختن به این مطلب، نیازمند فرصتی بیشتر است. استاد با دقت نظر در آیات و روایات و تأملاتی در سخنان متفکران ایرانی و خارجی و نقد و بررسی آنها، مباحث بسیار زیبایی را در این زمینه مطرح کرده است.

استاد بر این باور است که طبیعت و ذات انسان را دقیقاً نمی توان شناسایی کرد، نامحدود بودن استعدادها و امکانات، موجودیت انسانی است. اگر انسان ماهیت قابل تعریفی داشت، هرگز این همه اختلاف نظر میان محققان و صاحب نظران به وجود نمی آمد، همچنین تمامی حقیقت و ماهیت انسان در قرآن تعریف منطقی نشده است. استعدادها و مختصات که در قرآن مجید برای انسان ذکر شده، بیانگر ماهیت انسان نیستند، بلکه بیانگر کیفیت ها و حالاتی است که از انسان بروز می کند. (۲)

۴. فلسفه حیات

۴. فلسفه حیات

استاد بر این باور است که پرسش درباره فلسفه حیات همواره در طول تاریخ مطرح بوده است و افراد بسیاری در جوامع گوناگون به طرح سؤال درباره فلسفه حیات

۱- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۹۵ _ ۱۰۲.

۲- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۱۵۸.

پرداخته اند. اساساً هر فرد هوشیاری که بتواند برای لحظاتی «من» خود را از غوطه ور شدن در غم‌ها، شادی‌ها و کشش‌های ضروری حیات طبیعی رها سازد و حیات را بر خود برهاند، بی‌درنگ این سؤال برای او مطرح می‌شود که هدف و فلسفه حیات چیست؟ و اگر نتواند حیات را به درستی تفسیر کند، دچار پوچی خواهد شد. استاد، هدف‌های بسیاری را برای حیات انسان مطرح کرده است که برخی از آنها عبارتند از:

هدف‌های شخصی، قدرت، انتخاب اصلح، لذت جویی، (۱) آسایش و رفاه، (۲) انسان‌مداری، تجرید روح از علایق مادی و آزادی مطلق.

ولی هدف حیات در ادیان الهی سیر به سوی خدا و قرب ربوبی است. در قرآن کریم نیز به صورت‌های مختلفی مانند «دستگاه خلقت بیهوده نیست»، (۳) «جهان هستی، حق است»، (۴) «جهان برای بازی و سرگرمی خلق نشده است»، (۵) «زندگی انسان هدف دار است» (۶) و... این هدف بیان شده است. (۷)

۵. پلورالیسم دینی

۵. پلورالیسم دینی

یکی از مسائلی که در مغرب زمین تکوّن یافته و به عرصه فرهنگی جامعه ما رخنه کرده است موضوع پلورالیسم دینی است که به تکثرگرایی در عرصه دین می‌پردازد. حال برای آنکه به تفسیر درستی در این باره برسیم، به دیدگاه‌های استاد در این زمینه

۱- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۹۹.

۲- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۹۹.

۳- آل عمران: ۱۹۱.

۴- انعام: ۷۳.

۵- نساء: ۱۶.

۶- مؤمنون: ۱۱۵.

۷- رک: تکاپوگر اندیشه‌ها، صص ۲۱۷ _ ۲۲۷.

توجه می کنیم. از نظر استاد، پلورالیسم دینی، در صورتی پذیرفته است که افراد یا گروه های انسانی ابتدا، اصول و حقایق را به عنوان حقایق ثابت و اصول موضوعه مشترک در یک دین بدانند و یا آنها را به عنوان پیش فرض ها و اصول مسلم خود _ که قابل چون و چرا نیست _ بپذیرند. پس از آن سؤالاتی مانند چگونگی تحقیق آن یا چگونگی برداشت و نتیجه گیری از آن و نحوه بهره برداری و یا نوع قابلیت آن و... در پی آن تعریف مطرح می شود که می تواند دامنه کثرت یا تنوع گرایی را نشان دهد. اما نسبت کثرت گرایی دینی به کثرت گرایی مذهبی، نسبت اعم به اخص است، زیرا دایره مفهوم کلی دین که ادیانی را دربردارد، وسیع تر از دایره دینی است که مذاهب را شامل می شود. مانند دین ابراهیمی که سه دین جهانی اسلام، مسیحیت و یهود را دربردارد.

کثرت گرایی دین، عبارت است از امکان اعتقاد به هر یک از ادیان فوق و کثرت گرایی در مذهب مانند عقاید گوناگون کلامی و فقهی در هر یک از مذاهب بالاست.

اما آیا کثرت گرایی به این معنی است که هر کس می تواند از اعتقادش دست بردارد و به دین یا مذهب دیگری معتقد شود؟ با توجه به آنکه لازمه هر دین، توجه به اصول موضوعه (پذیرفته شده مبانی) و ضرورت های لازم الاعتقاد اثبات شده است، باطل و غیرقابل تحقق است و آیاتی مانند «لکم دینکم ولی دین» (۱) که به پذیرش کثرت گرایی در اسلام ربط داده می شود، اگر مخاطب، «یا ایها الکافرون» مشرک باشد، بی تردید نمی تواند منظور نظر «لکم دینکم» باشد زیرا مبارزه با انکار و شرک از اصلی ترین مبانی

۱- یعنی «دین شما برای خودتان و دین من هم برای خودم»، سوره کافرون: ۶.

عقیدتی اسلام است. (۱)

۶. سکولاریسم

۶. سکولاریسم

از دوران قرون وسطی، به دلیل برخوردهای بین حکومت و کلیسا، تفکری پدید آمد که به سکولاریسم معروف شده است. استاد بر این باور است که نظر بعضی از مورخین فلسفه سیاسی مبنی بر اینکه نظریه سکولاریسم ریشه در فلسفه سیاسی ارسطو دارد، به هیچ وجه درست نیست، بلکه تضادها و نزاع‌های بین کلیسا و حکومت باعث شد تا نظریه جدایی دین از حکومت مطرح شود. در نتیجه برای حیات انسانی دو جنبه دنیوی و اخروی مطرح گردید و ورود دین به حیات دنیوی انسان ممنوع شد. حال آنکه در اسلام، وحدت و هماهنگی در همه شئون حیات انسانی وجود دارد؛ یعنی علم، جهان بینی، سیاست، اقتصاد، حقوق، اخلاق، فرهنگ به معنای پیشروان، صنعت (فن آوری) و همه آنچه به نحوی در تنظیم و اصلاح مزبور مؤثرند، جزئی از دین اسلام به شمار می آیند. در صورتی که روش سکولاریسم (حذف مذهب از زندگی دنیوی انسان‌ها) اختلال شخصیت (من انسانی) در مدیریت وجود انسانی را در پی دارد. در نتیجه معضلات جبران ناپذیری برای انسان به ارمغان آورده است. (۲)

۷. شورا و مشورت

۷. شورا و مشورت

از زمانی که اجتماع کوچک و بزرگ به وجود آمد، مشورت نقش تعیین کننده ای در سیر تکاملی جوامع ایفا کرده است. به اعتقاد استاد، مشورت آن چراغ روشنگر است که می تواند در صورت عدم امکان ارتباط با خود واقعیات، آدمیان را از تاریکی‌هایی بخشد و همین مقدار رهایی از تاریکی، وصول به واقعیت مورد پذیرش خالق زندگی و

۱- فلسفه دین، علامه جعفری _ تدوین دکتر عبدالله نصری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی _ چ دوم _ ۱۳۷۸، صص ۵۵ _ ۵۹.

۲- رک: فلسفه دین، صص ۲۳۴ _ ۳۴۲.

مرگ است. (۱)

موضوع مشورت، یعنی اموری که در اسلام قابل مشورت و استخراج آراست، همه موضوعات و شئون حیاتی انسان ها که زمینه صدور احکام ثانوی است. بنابراین ملاحظات فقه و حقوق اسلامی در تقسیم بندی معروف و رسمی پیشرو - پیرو قرار نگرفته، بلکه دارای هر دو جنبه پیشرو و پیرو است. جنبه پیشروی فقه و حقوق اسلامی در احکام اولیه است که چون سرچشمه آنها وحی الهی است و بازگوکننده مصالح و مفاسد فطرت و طبیعت مادی و روحی انسان هاست، پیشرو محض است و هیچ فرد و جمعی حق تغییر آنها را ندارد، جنبه پیروی فقه و حقوق اسلامی در زمینه احکام ثانوی است که تحقیق و تشخیص آنها به عهده خود مردم است. آن مردمی که از آگاهی کامل و عدالت یا وثوق برخوردار باشند. «حکومت مردم بر مردم» به این معنا در اسلام وجود دارد، چون اسلام این اختیار در انتخاب را پذیرفته و شورا و جماعت را (یدالله مع الجماعه) اصل قرار داده است. بنابراین حکومت مردم بر مردم را در یک معنای عالی پذیرفته است. (۲)

۸. تعلیم و تربیت

۸. تعلیم و تربیت

انسان موجودی انعطاف پذیر است. مربیان و معلمان باید بدانند هر نونهالی که در برابر آنها قرار می گیرد، بر اثر تعلیم و تربیت ممکن است ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و دیگر انبیای عظام شود و یا چنگیز و نرون و یزید و ماکیاولی. اما اهداف تعلیم و تربیت عبارتند از:

۱. تعدیل احساسات خام و غرایز حیوانی و تصحیح اندیشه های غلط حاکم بر

۱- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۹، صص ۲۳۷ - ۲۴۰.

۲- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۵۰.

ذهن انسان؛(۱)

۲. تلقین و قابل پذیرش ساختن واقعیات و آرمان ها و اندیشه های عالی انسانی به انسان؛

۳. تفسیر و توجیه قدرت برای انسان و چگونگی بهره برداری از آن؛

۴. آشتی دادن انسان با خویشتن.(۲)

پس انسان با شناخت مبانی تعلیم و تربیت و نقش مربی و معلم در تربیت و آشنایی با مواد تعلیم و تربیت می تواند با بهره گیری از نعمت انعطاف پذیری، تعلم و تزکیه به هدف نهایی حیات؛ یعنی کمال ناب الهی نایل آید.

۹. شخصیت زن

۹. شخصیت زن

«زنان همه جان و حیات خود را در طبق اخلاص برای اجرای فرمان خلقت و شرکت در آهنگ کلی هستی، تقدیم مردان می کنند».(۳)

با این سخن نتیجه می گیرد که زن و مرد، در انسانیت هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و اگر مرد شایسته نام انسان است، زن هم این شایستگی را دارد و اگر مرد به دلیل نشناختن زن، شایسته نام انسان نیست، زن هم به دلیل نشناختن مرد، این شایستگی را ندارد.(۴) در نتیجه اگر اختلافی باشد، یا اختلاف ناشی از هویت هر یک از دو جنس است که در واقع مختصات طبیعی آنها را تشکیل می دهد. و یا اختلاف های عرضی است. اما از نظر هویت و شخصیت انسانی زن و مرد هیچ تفاوتی ندارند.(۵)

۱- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۰، صص ۱۱۲ - ۱۱۳.

۲- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۲۶۹.

۳- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۴۹.

۴- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۵۳.

۵- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۲۴۹.

۱۰. شبهه

۱۰. شبهه

استاد در این زمینه می نویسد:

حضرت امیر علیه السلام در تعریف شبهه می فرماید: «علت اینکه شبهه، شبهه نامیده شده است، این است که شبیه حق است». در تحلیل پدیده شبهه، می توان آن را به دو نوع شبهه طبیعی و شبهه عمدی تقسیم کرد؛

۱. شبهه طبیعی: همه ما می دانیم که حق و باطل در حیات بشری همواره و در همه موقعیت ها، چنان واضح و با صراحت پدیدار نمی شوند که برای هیچ کس جای تردید و شک و شبهه نماند.

۲. شبهه عمدی: القای شبهه و مشتبه ساختن عمدی حقایق است که یکی از دلایل خبث و پلیدی تبهکاران به شمار می آید و افزون بر زیان محرومیت که به انسان های ناآگاه وارد می کند، عامل سقوط به وجود آورنده شبهه را نیز فراهم خواهد کرد. (۱)

۱۱. بدعت

۱۱. بدعت

همه ادیان الهی به خاطر تلاش منکرین، در خطر بدعت و تحریف دین قرار دارند. برای آگاهی از مفهوم بدعت، نظر استاد را در این رابطه نقل می کنیم.

«بدعت، یعنی وارد کردن چیزی در دین که از دین نیست و یا بیرون کردن چیزی از دین که در دین است. اما برای بدعت گذاری در دین اسلام، می توان سه دلیل را مطرح کرد:

۱. جهل و بی اطلاعی بدعت گذار از اصول اسلامی؛ مسلم است که هر فرد معمولی و بی اطلاعی نمی تواند در جامعه اسلامی بدعت خود را اظهار و تثبیت کند. زیرا هیچ

کس جز مثل خود او که اسلام را نمی شناسد، از بدعت او پیروی نخواهد کرد. بنابراین بدعت گذاران جاهل باید از مقام بالا یا موضع قدرت به چنین کاری دست ببرند تا مردم معمولی بدعت آنها را بپذیرند.

۲. هوی و هوس و تمایلات خودمحورانه؛ این عامل هنگامی مؤثر می شود که عظمت و حیاتی بودن اصول و قوانین نظام مکتبی در برابر شخص خودمحور ساقط و رنگ درخشان و زنده آنها مات شود.

۳. غرض ورزی های خودمحوران زنده که می توانند از استخوان های پوسیده گمراهان تبهکار استفاده کنند و به هدف های خود برسند، که در واقع «خطاهای دیگران را بر دوش می کشند و خود، گروگان خطای خویش اند».^(۱)

۱۲. عدالت

۱۲. عدالت

عدالت، پس از توحید یکی از محوری ترین پیام های انبیا و اولیا در جوامع بوده است، زیرا فقط در سایه عدالت و قانون است که احکام الهی، امکان رشد می یابند. استاد درباره اهمیت عدالت بر این باور است که از آن هنگام که از دیدگاه نوع انسانی، حقیقتی به نام قانون پدیدار شده، مفهوم عدالت نیز برای او مطرح بوده است، زیرا عدالت، عبارت است از رفتار مطابق قانون. این تعریف که به نظر ما جامع ترین تعریف برای عدالت است، می تواند شامل همه رفتارها و پدیده های عادلانه باشد. برای توضیح این تعریف، باید جلوه های عدالت در قلمروهای گوناگون جهان هستی و انسان در نظر گرفته شود.

با بررسی کوتاه آیات قرآن کریم^(۲) متوجه خواهیم شد که هیچ تفکر و مکتبی

۱- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۴، صص ۱۸۹ - ۱۹۲.

۲- برای نمونه، آیات ۱۱۵ انعام، ۱۵ شعراء، ۳۵ حدید، ۱۳۵ نساء؛ ۸ مائده و ۷ ممتحنه.

نمی تواند ضرورت و امتیازهای عدالت را به آن عظمت که در قرآن مطرح شده است، معرفی و توصیه کند.

از دیدگاه قرآن، عدالت آن جوهر مقدس الهی است که بالاتر از می خواهیم و نمی خواهیم جای گرفته است. از همین تمجید و تمحید درباره عدالت، درمی یابیم که خواست واقعی روح آدمی و عامل رشد آن، عدالت است، نه حبّ و بغض های شخصی و نه می خواهیم ها و نمی خواهیم هایی که دو عامل تورم (۱) «خود طبیعی» هستند. (۲)

۱۳. وحدت اسلامی

۱۳. وحدت اسلامی

درباره وحدت از ابتدای انقلاب بحث های پراکنده ای در سطح کشورهای اسلامی مطرح شده است. تحقیقات و نظریات استاد در این باره، بسیار پرمغز و کاربردی است. استاد براین باور است که وحدت به سه نوع تقسیم می شود:

۱. وحدت مطلق: عبارت است از اتفاق نظر در همه عقاید، معارف و احکام اسلامی که امکان پذیر نیست.

۲. وحدت مصلحتی عارضی: بر اثر عواملی خارج از حقیقت و متن دین به وجود می آید. که با از بین رفتن آن عوامل، این اتحاد نیز از بین می رود.

۳. وحدت معقول: با توجه به آزادی اندیشه و تعقل در به کارگیری و انتخاب دلایل از عناصر دین به وجود می آید. این نوع وحدت، قابل پذیرش است. در راه رسیدن به وحدت معقول، وسعت یافتن دیدگاه های متفکران اسلامی و رهایی از تعصبات و تصلب غیرمنطقی ضروری است. (۳)

۱- یعنی چاق شدن و به شکلی بیش از حد طبیعی درآمدن.

۲- رک: ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۳، صص ۲۵۴ _ ۲۷۵.

۳- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۲، صص ۲۷ _ ۲۸.

۱۴. آزادی**۱۴. آزادی**

از نظر استاد، آزادی دو مرتبه دارد؛ آزادی طبیعی محض و آزادی تصعیدشده، که انسان به واسطه آزادی، از شخصیت خود برای انجام کار بسیار بهره می برد. اگر هر دو مرتبه آزادی، دو شرط زیر را دارا باشند، موجب شکوفایی مغز و روان انسان خواهند شد. البته تأثیر آزادی تصعیدشده بیشتر است.

شرط اول: آزادی خواه به معنای آزادی طبیعی محض و یا آزادی تصعیدشده، نباید مانع حرکت انسان به سوی اختیار و گردش های تکاملی شود؛ یعنی احساس لذت بخش آزادی نباید ما را از حرکت به سوی حیات معقول بازدارد.

شرط دوم: آزادی فرد در هیچ مرحله ای نباید مزاحم آزادی دیگران باشد.

عقیده استاد بر این است که آزادی شامل انواع آزادی عقیده، آزادی اندیشه، آزادی بیان، تبلیغ، آزادی رفتار، آزادی سیاسی و آزادی از هرگونه بردگی می شود. (۱)

آنچه باید تذکر داده شود، این است که تمامی این موارد اگر مطلق و نامعقول مطرح شوند، مورد پذیرش و قبول نخواهند بود، بلکه در سایه شرایط و خصوصیات، می توان از حقوق انسان در مسیر حیات معقول بهره برد.

۱۵. حقوق بشر**۱۵. حقوق بشر**

هنگامی می توانیم از اعلامیه جهانی حقوق بشر سخن بگوییم که انسان را در حوزه ارزش ها تفسیر کنیم، کسانی که از اعلامیه جهانی حقوق بشر سخن به میان می آورند، ابتدا باید مشخص کنند که آیا مرادشان از انسان، همان موجودی است که پیامبران سیمای او را ترسیم کرده اند؟

حقوق جهانی بشر نیز برای تبدیل شدن به یک فرهنگ جهانی، باید شرافت و

کرامت ذاتی انسان را اثبات کند تا مجالی برای ظهور تفکرات ماکیاولی، اصالت نفع و اصالت قدرت پیدا نشود. مبنای حقوق بشر با دیدگاه غرب، هم زیستی مسالمت آمیز همراه با صلح، آزادی و عدالت در جوامع بشری است. این مبنا مهم است، ولی نمی توان زیربنایی به وجود آورد که همه افراد خود را اعضای خانواده ای واحد بدانند، برای رسیدن به چنین هدفی، باید مبنای عالی تری _ که از دیدگاه اسلام، خداست _ مطرح شود.

وضع و تدوین یک نظام حقوق متعالی، مستلزم اجرای آن نیست. برای اجرای هرگونه نظام حقوقی، باید نخست تبعیض میان انسان ها وجود داشته باشد؛ دوم اینکه زمینه های تحقق آنها از نظر تعلیم و تربیت فراهم شود. بر همین اساس است که اسلام یک رشته اصول روانی و اخلاقی مشترک را در میان انسان ها تعلیم داده است تا زمینه های تحقق قوانین خود را فراهم آورد. حقوق بشری که در اسلام مطرح شده است، مبنای دینی دارد و این مبنا، موجب شده است تا این نظام حقوقی از چند ویژگی برخوردار باشد:

۱. این نظام حقوقی متکی بر اراده خداست، در نتیجه هر انسان آگاهی، با اخلاص و صمیمیت و بدون سوداگری و لذت پرستی آن را رعایت می کند.

۲. عامل اجرای نظام حقوقی اسلامی، شخصیت کمال طلب خود انسان است.

۳. چون مبنای اسلام، دین فطری حضرت ابراهیم علیه السلام است که همه ادیان آسمانی خود را وابسته به آن می دانند. بهتر می تواند جهانی بودن تکالیف و حقوق بشر را اثبات کند.

انگیزه های تدوین حقوق بشر از دیدگاه غرب را می توان در شناسایی ذات تمام اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان، اساس آزادی و صلح دانست که تا ارزش های ذاتی انسان به اثبات نرسد، نمی تواند مطرح شود و... در نتیجه

با انگیزه های وضع حقوق بشر در اسلام، تفاوت های اساسی دارد، زیرا در اسلام حیات و مرگ یک انسان مساوی با حیات و مرگ همه انسان هاست و یا ارزش حقیقی نیکی به انسان ها، در ذات خود نیکی ها نهفته است و یاری کننده دیگران، محبوب ترین انسان نزد خداست.

البته ارزش هایی چون انسان، حیثیت ذاتی انسان، برابری و برادری، روابط دوستانه، حقوق یکسان، صلح و... در لایه لای اعلامیه حقوق بشر مطرح است و با همه نقدهایی که بر اعلامیه حقوق بشر وارد است، درپنج مورد زیر حقوق بشر از دیدگاه اسلام مشترک است:

۱. هر دو نظام حق حیات را جدی تلقی کرده اند.
۲. هر دو نظام به حق کرامت و حیثیت انسانی توجه کرده اند.
۳. هر دو نظام حق تعلیم و تربیت را از اصولی دانسته اند که مسئولین جامعه، مسئول تحقق آن هستند.
۴. هر دو نظام، حق آزادی را از حقوق اساسی و دولت و اجتماع را مسئول برقراری این حق اساسی دانسته اند.
۵. هر دو نظام، حق مساوات در برابر حقوق و قوانین را نیز پذیرفته اند. (۱)

۱۶. موسیقی

۱۶. موسیقی

استاد بر این باور است که تاکنون تعریف جامع و دقیقی برای موسیقی مطرح نشده است، زیرا:

۱. همه پدیده های لطیفی که با روح آدمی در ارتباطند، در تعاریف معمولی و مشهور قرار نمی گیرند و باید پا را فراتر نهاد.

۲. اختلاف اقوام و ملل و تحول فرهنگ‌هایی که از انسان تأثیر می‌پذیرند، در موسیقی نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

۳. هر انسانی با توجه به شرایط موقت یا پایدار درونی و روحی خویش، برداشت‌های خاصی از موسیقی دارد. (۱)

پس موسیقی با حقیقتی سر و کار دارد که با تمامی موجودیت انسان، سعادت و شقاوت وی ارتباط دارد و آن حقیقت، «نفس» یا «روح» یا «من» انسان است. در نتیجه هر صاحب نظر و متفکری که خود را مسئول افکار و فرهنگ عمومی بداند، نمی‌تواند بدون تأمل و دقت و فقط با چند دلیل توجیهی، تکلیف برخورد با موسیقی را یکسره کند. حتی اگر علم ما به اندازه‌ای باشد که بتوانیم اثبات کنیم که موسیقی، فقط دو نوع است: یکی مفید و مشروع و دوم غیرمفید؛ که منظور از غیرمفید، همان پدیده ناسالم است که لهو و لعب و ممنوع است. با این حال، حرکت انسان‌ها را در مرز این دو نوع، با احتیاط توجیه می‌کنیم، جذابیت خود موسیقی به اندازه‌ای است که باعث تعدی و تجاوز به قسمت ممنوع موسیقی می‌شود. (۲)

در نتیجه، موسیقی از مواردی است که در مورد آن بسیار محتاطانه باید گفت و گو کرد.

۱۷. تمدن

۱۷. تمدن

علت مطالعه بر روی تمدن‌ها، این است که پژوهش درباره آنها می‌تواند نیازهای اصلی و فرعی انسان و کمیت و کیفیت قدرت و آرمان‌های مادی و معنوی وی را آشکار کند و به عکس، هرچه معلومات ما درباره انسان و ابعاد وجودی وی گسترده‌تر

۱- موسیقی، علامه جعفری، نشر کرامت - چ اول - ۱۳۷۷؛ ص ۱۷.

۲- موسیقی، صص ۱۵۱ - ۱۵۲.

شود، شناخت ما درباره تمدن‌ها عمیق‌تر خواهد بود. بروز و اعتدال تمدن‌ها، به عواملی چون پابندی شدید به خصلت‌های نیکو، گرایش به آرمان‌های بزرگ، التزام به وفای به عهد، دوری از کبر، دوری از ستم، التزام به انس و محبت و بصیرت‌های نافذ و... نیازمند است. (۱)

در مقابل، علت اساسی سقوط تمدن‌ها، اصل «من هستم، پس تو نیستی» یا «هستی تو، مشروط بر این است که من آن را بخواهم» است که معنای واقعی ظلم و استکبار است.

نظر استاد در مسئله دیگری که امروزه مطرح شده، یعنی ارتباط تمدن‌ها با یکدیگر و تأثیرشان نسبت به هم، بر این است که نمودهای عینی تمدن‌ها می‌توانند از یکدیگر تأثیر بپذیرند، اما تمدن‌ها از بعد انسان محوری نمی‌توانند از یکدیگر تقلید کنند. آنچه را که می‌توان از یک تمدن انسان محوری پذیرفت، تجربه‌ها و اصول و قوانین مثبت آن است، مانند رفتار عادلانه افراد با یکدیگر، برخورداری مردم از آزادی معقول، اقتصاد سالم، حاکمیت ارزش‌های انسان‌ها و... (۲)

۱۸. فرهنگ

۱۸. فرهنگ

استاد با توجه به تمامی تعریف‌های موجود فرهنگ، تعریفی را به صورت زیر ارائه می‌کند: «فرهنگ، عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات تکاملی باشد». (۳) فرهنگ به دو نوع پیرو و پیشرو تقسیم می‌شود که

۱- رک: ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۶، صص ۹۰ _ ۲۴۴.

۲- تکاپوگر اندیشه‌ها، ص ۳۸۶.

۳- فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، ص ۷۷.

فرهنگ پیرو، آن نوع کیفیت و شیوه زندگی است که تابع اصل و قانون اثبات شده ای نیست، بلکه ملاک درستی و نادرستی آن، تمایلات و خواسته های مردم است. و به سه نوع؛ فرهنگ رسوبی، فرهنگ مایع، و بی رنگ و فرهنگ خود محوری تقسیم می شود. اما فرهنگ پیشرو از اصول ثابت حیات تکاملی انسان سرچشمه می گیرد و عامل محرک آن، ابعاد اصیل انسانی است و هدف آن آرمان هایی است که آدمی را در جاذبه هدف اعلای حیات به تکاپو می آورد. هر فرهنگی می تواند دارای دو لایه، یکی محسوس و ملموس و دیگری غیرملموس و شفاف باشد، که بعد محسوس و ملموس آن، اندیشه ها و آرمان های انسانی است که در یک واقعیت عینی تجسم پیدا می کند، مانند آثار هنری. بعد شفاف فرهنگ نیز آرمان ها، هدف ها، عواطف و اخلاقیات اند که بشر برای حیات خود انتخاب می کند و زندگی فردی یا اجتماعی خود را با آنها توجیه می کند. (۱)

هنگام سخن گفتن از فرهنگ پذیری، باید ابتدا بحث شود که آیا فرهنگ پذیری به طور مطلق درست است یا نه؟ و آیا این فرهنگ مورد نظر پیشرو است یا خیر؟ در صورتی که پیشرو بود، باید در پذیرش و انتقال آن و آمادگی زمینه پذیرش تلاش کرد. ولی واقعیت این است که در هر صورتی باید ابعاد و عناصر هر فرهنگی را با تحقیق و تصفیه و به دور از تقلید، پذیرفت تا عناصر ناشایست آن به فرهنگ پذیرنده انتقال نیابد. زیرا انتقال فرهنگ ها، همیشه درست نیست و فقط فرهنگ هایی شکل گرفته بر مبنای ارزش های انسانی مفید و سازنده هستند و باید منتقل شوند مانند فرهنگ اسلامی که پس از ورود به ایران، آثار مهمی برجای نهاد، نه آنکه به عنوان فرهنگ، عوامل فساد و تباهی روح انسان ها گسترش پیدا کند تا حیات بشری پوچ به نظر برسد و بی اعتنایی به

مسائل اجتماعی و اهمیت ندادن به توده های مردم رواج پیدا کند. (۱)

۱۹. روان شناسی

۱۹. روان شناسی

استاد بر روان شناسی معاصر اشکالات زیر را وارد می کند:

۱. مسائل روانی را برمبنای مسائل بیولوژیکی و فیزیولوژیکی و یا ابعاد طبیعی محض تفسیر می کنند که در نتیجه از شناسایی روان انسانی بازمی مانند.

۲. بعضی از روان شناسان به پذیرش فعالیت های عالی روانی حساسیت دارند و آنها را نادیده می گیرند، چنان که فروید می گوید: «من از طرح مسائل عرفانی و معنوی احساس ناراحتی می کنم».

۳. یک خطای اساسی در تفسیر علم، منحصر دانستن علم به مشاهده و تجربه است، یعنی برخی از دانشمندان در تحلیل روان شناسی به آنچه می بینند، بسنده می کنند که این امر آسیبی بسیار بزرگ و خطرناک بر روان شناسی وارد کرده است.

۴. روان شناسی امروزه، فعالیت ها، مختصات و شئون مختلف دل را نادیده می گیرد. (۲)

۵. روان شناسی معاصر، حد خاصی از روان را گرفته و به توصیف آن می پردازد، وقتی از این حد متعارف منحرف شود به عدم تعادل متهم می شود.

به بیان دیگر، روان شناسی جدید به بررسی برخی پدیده های روانی نمی پردازد. (۳)

۱- تکاپوگر اندیشه ها، ص ۳۵۱.

۲- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۰، صص ۱۹۰ - ۳۲۵.

۳- تکاپوگر اندیشه ها، صص ۳ - ۲۰۲.

فصل ششم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

فصل ششم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

اشعار

سخنان بزرگان درباره علامه جعفری رحمه الله

اشعار

اشاره

اشعار

— استاد جلال الدین همایی در اثنای نگارش تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، درباره علامه جعفری سروده است:

از نفوس مثنوی بی آب و رنگ

آینه افکار را بگرفته زنگ

هان و هان، تو ای تقی جعفری

زنگ این آینه را باید بری

زنگ این آینه بردن کار توست

دست حق صیقل ده آثار توست

چشم آن دارم که با مغز فکور

در دمی در مردگان بانگ نشور(۱)

مردی از اعماق

علم و دانش سوگواری می کند

لفظ و معنا، بی قراری می کند

منبر و منطق، عزادار است باز

بهر آن علامه دانای راز

اشک می جوشد در چشمان حیات

در فراق اُسوه علم و صفات

۱- شریعه خرد، ص ۴۳۰.

رفت آن فرزانه استاد علوم
حاصل و معنا و فریاد علوم
با تفکر، دردها را چاره کرد
علم را با هجر خود آواره کرد
هم کلام از هجرتش بیداد کرد
هم کتاب از رفتنش فریاد کرد
با حقایق وصلتی دیرینه داشت
او جهان علم را درسینه داشت
او جهانی بود و رفت از این جهان
گشت در هستی، هماره جاودان
بر درخت علم همچون ریشه بود
مرد درد و عشق و هم اندیشه بود
از وجودش نور دانش منجلی
غرقه در امواج دریای علی
جان و دل محو شریعت کرده بود
زندگی، وقف حقیقت کرده بود
آسمان علم را خورشید بود
عارف و گل واژه توحید بود
تشنگان علم را سیراب کرد

با فراقش عشق را بی تاب کرد
دانش اندر سینه او می غنود
علم می جوشید تا لب می گشود
تک سوار عرصه علم و ادب
بی قرار وادی شوق و طلب
یکه تاز و عاشق میدان علم
بر جهان، تفسیرالمیزان علم
تسلیت بادا چنین درد عظیم
رحلت جان سوز این مرد عظیم
عالم اسلام را محزون نمود
دیده بست از این جهان و پر گشود

* * *

چلچراغ کاخ عرفان

چلچراغ کاخ عرفان
سینه مالا مال غم شد در عزای جعفری
خیزد از نای دلم امشب نوای جعفری
می چکد خون از قلم ای اشک دیده مهلتی

تا سرایم چند بیتی در رثای جعفری
بر کویر جان مشتاقان نمی بارد دگر
ابر عرفان ز آسمان با صفای جعفری
خطبه های نغز و فریاد علی را بعد از این
نشود دیگر کسی از بانگ رسای جعفری
همچو شمعی تا سحر می سوخت هر کس می شنید
نغمه های مولوی را با صدای جعفری
گوش جان عاشقان آری پس از این نشود
شعر شورانگیز حافظ را ز نای جعفری
کاشکی می شد به نیشابور با عطار گفت
جامه ماتم به تن کن در عزای جعفری
چلچراغ کاخ عرفان بعد از این خاموش شد
تا که شد خاموش بانگ ای خدای جعفری
در صدایش موج می زد غم که بس دیرینه بود
الفت غم با دل درد آشنای جعفری
آسمانا! بعد از این دیگر کجا خواهی شنید
در دل شب های های گریه های جعفری
سید محمد رضا طاهری _ تهران (۱)

۱- رسالت، ویژه نامه خرمن دانایی، هشتم دی ۱۳۷۷.

زندگی مشعلداران متعهد، زیباترین زندگی است. آنان که به شناختن حقیقت های راستین روی آوردند و سپس زندگی خویش را بر سر شناساندن آن حقیقت ها می گذارند، تا همه چشم ها را از روشنی بینا، جان ها را تابناک و ارزش ها را استوار کنند؛ و چه از این زیباتر!

این زیبایی، گاه چنان ژرف است که مردم از دریافت آن باز می مانند و گاه چنان همه گیر است که در آن ژرف نمی شوند. طلوع خورشید را بنگرید که چقدر زیباست، نه تنها برای چهره ظاهر و منظره خیره کننده آن، بلکه از این رو که روز را پدیدار می کند و روشنایی را به ما ارمغان می دهد و در پرورش انسان و جهان مادی مورد نیاز ما، تأثیری بدل ناپذیر می گذارد. اما چند نفر هستند انسان هایی که با این نگرش به زیبایی خورشید و طلوع آن اندیشیده باشند؟!!

مشعلداران رسالت گرای متعهد و دانشمندان آگاه معتقد، رسالتی چونان رسالت خورشید دارند که:

آفاق اندیشه ها را روشن کنند؛

تاریکی های مهاجم را برانند؛

جوهر ادراکی انسان ها را پیورانند؛

ارزش های والا را بشناسانند؛

«ارتباط انسان _ جهان» را باز نمایند؛

«به رابطه علم و حقیقت» پرتو افکنند؛

«فلسفه و هدف زندگی» را نشان دهند؛

«حیات معقول» را تفسیر کنند؛

راه «شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی» را بگشایند؛

«اندیشه ها» را به «تکاپو» فراخوانند؛

«حکمت اصول سیاسی اسلام» را در عرصه نگرش‌ها و عملکردها مطرح کنند که روشنگر راز «نیایش‌های بزرگ» باشند؛

و سرانجام افکار را از جولان شناخت‌های کاذب‌رهایی دهند و مرزهای مقدس ارزشمندترین سرمایه انسان، یعنی «ایمان» را پاس دارند. (۱)

استاد محمدرضا حکیمی

سخنان بزرگان درباره علامه جعفری رحمه الله

سخنان بزرگان درباره علامه جعفری رحمه الله

حضرت امام خمینی رحمه الله: «سیدشاهین عرب (نقاش) نقل می‌کرد: روزی در منزل استاد بودم. بعد از گفت و گوهای هنری که با ایشان داشتم، مطلبی را از حضرت امام رحمه الله نقل کردند که زمانی استاد به محضر امام خمینی رحمه الله رسیدند و حضرت امام رحمه الله به ایشان فرمودند: «آقای جعفری، ابن سینای زمان ماست». که این جمله امام باعث شد تا تصویر، استاد جعفری را به همراه ابن سینا کار کنم و بعد از دو ماه به حضرت استاد جعفری تقدیم نمایم». (۲)

مقام معظم رهبری: «بزرگداشت جناب آقای جعفری، بزرگداشت علم و تحقیق است. این جانب بیش از چهل سال است که این بزرگوار را در نشاط و تلاش دائمی در میدان‌های پژوهش و تبیین و تربیت جوانان مستعد و ارائه نظرات و اندیشه‌های فلسفی و معارف دینی می‌شناسم». (۳)

آن عالم بزرگ و متعهد، در طول بیش از ۴۵ سال، از هنگامی که پس از تکمیل

۱- به نقل از سیمای جامعیت، مندرج در شریعه خرد، صص ۷۵ - ۷۶.

۲- روزنامه رسالت، ویژه نامه ۲۵ آبان ۱۳۷۷، ص ۲۰ و فروغ دانایی، یعقوب قاسملو، ص ۱۸.

۳- شریعه خرد، ص ۲ (پیام مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۰/۶/۱۳۷۶ به مناسبت بزرگداشت استاد).

تحصیلات عالی و ممتاز خود، قدم در وادی تألیف و تحقیق و تعلیم نهاد، آثار با ارزشی پدید آورد و تفکر فلسفی را در دایره وسیع از مستفیدان و تحسین کنندگان جهانی خود ارتقا بخشید. پس از پیروزی انقلاب نیز همواره افکار سازنده او در زمینه معارف دینی و نگاه فلسفی به مسائل اسلامی، با استقبال فرزنانگان و تشنگان علم و معرفت روبه رو می گشت. سخنرانی های پرمغز این دانشمند عالی قدر که سرشار از نکته های عمیق و درس های بسیار ماندنی برای نسل جوان و دانش پژوهان کشور بود، در شمار حسنات علمی و فکری دوران حاضر محسوب می گردد و خاموشی این چراغ فروزان حقا خسارتی بزرگ برای جویندگان معارف عمیق اسلامی به شمار می آید». (۱)

آیت الله العظمی میلانی: «نور چشم من، علامه گران قدر حجت الاسلام و المسلمین، حاج میرزا محمدتقی جعفری دامت تأییداته، مدت زیادی از عمرش را در تحصیل معارف حقه الهی صرف نمود و کوشش و اجتهاد در بالا بردن علوم دینی کرد و در درس فقه و اصول من محققانه و موشکافانه حضور یافت، پس بحمدالله تعالی از علوم اسلامی به مرتبه ای نامدار در اجتهاد به مقامی رفیع دست یافت». (۲)

آیت الله سیدمحمدباقر صدر رحمه الله: وی در نامه ای که در تاریخ ۱۳۴۵ ه. ش در پاسخ به پیشنهاد اجازه برگردان کتاب اقتصاد ما توسط جناب آقای سپهبدی نوشت، با تعابیری بلند و بحق. این چنین استاد را می ستاید: «به پیشگاه برادر بزرگوار و پناهگاه آرزوها، فقیه اصولی، فیلسوف متکلم حجت الاسلام و المسلمین علامه شیخ محمدتقی جعفری (دام عزه) با تانی

۱- رسالت، ۸ دی ۱۳۷۷.

۲- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۹۸.

نامه ارجمند شما را زیارت کردم و با تمام اندیشه و عواطفم آن را قرائت کردم، چگونه آن را چنین مشتاقانه نخوانم، در حالی که آن شعاعی است از نور کسی که بر جهان اسلامی با علم و فضل و نظریات و تحقیقاتش نورافشانی می کند.

من سپاسگزاری می کنم از اهتمام و لطف پراج شما در مورد کتاب اقتصاد ما و می خواهم به برادر عبدالعلی سپهبدی یادآوری کنم که ایشان چگونه در انتظار اجازه من مانده است، پس از اینکه از محضر شریف حضرت عالی چنین اجازه ای صادر شده است. من دوست دارم مشخص کنم که اجازه شما، اجازه من است و اراده شما، اراده من؛ و پذیرش و رضای شما، پذیرش و رضای من. جانم به قربان شما ای برادرم! هیچ دلیلی بر توقف پس از رضایت شما وجود ندارد». (۱)

مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی: با وجود مخالفت با فلسفه مصطلح به علامه جعفری می فرمود: «من از فلسفه، روش شما را قبول دارم، چراکه از یونانی ها تقلید نمی کنید». (۲)

دلی کاستاپولس، فیلسوف برجسته یونانی: در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۷۳ در عصر یک روز بارانی، دو شخصیت فرزانه؛ استاد علامه جعفری و آقای پروفیسور دلی کاستاپولس، یکی از اعضای برجسته آکادمی فلسفه در آتن با یکدیگر دیدار کردند. استاد کاستاپولس با دیدن علامه جعفری، دست هایش را برای به آغوش کشیدن استاد

۱- میراث ماندگار، ج ۱، ص ۹۸.

۲- روزنامه رسالت، علیرضا جعفری، ۲۵/۸/۷۸.

باز کرد و با نشاط فراوان درحالی که می گفت: «ارسطوی زمان ما»، از استاد استقبال کرد. (۱)

علامه امینی رحمه الله: «می دانید چرا علامه جعفری را بسیار دوست دارم؛ برای اینکه با این وضع علمی، از نظر صفای باطن، گویا تازه به دنیا آمده است». (۲)

۱- پیام خرد، ص ۱۵۰.

۲- ابن سینای زمان، ص ۹۴.

فصل هفتم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل هفتم: همراه با برنامه سازان

یکی از بهترین ابزارهایی که امروز در دسترس فعالان عرصه فرهنگی _ تربیتی موجود می باشد، وسایل ارتباط جمعی و فن ارتباطات می باشد. در نتیجه استفاده از این وسیله پر نفوذ جمعی در معرفی یک شخصیت بزرگ علمی _ فرهنگی همچون استاد علامه جعفری می تواند ما را در هموارسازی زمینه های رشد شخصیتی جوانان و نوجوانان و رشد مؤلفه های مثبت فرهنگی _ تربیتی ایجاد نماید. در نتیجه در انتهای کتاب سعی شده است تا روش هایی برای یاری برنامه سازان و کمک به آنها مطرح گردد.

پیشنادهای کلی

پیشنادهای کلی

علامه محمدتقی جعفری رحمه الله از متفکران کم نظیری است که توانسته است جایگاه ویژه ای را در عرصه اندیشه به خویش اختصاص دهد. زندگی سراسر تلاش علمی _ فرهنگی استاد، پر از لحظات و ویژگی هایی است که می تواند برای برنامه سازان محورهایی برای تولید برنامه در بر داشته باشد.

۱. تلاش شبانه روزی استاد و تعطیل نکردن کارهای پژوهشی در زندگی استاد،

می تواند یکی از محورهای اساسی مورد توجه برنامه سازان باشد؛ به ویژه که استاد در طول این ۵۰ سال، سعی می کرد تا با نگارش کتاب، مقاله و یا سخنرانی به شبهه های مطرح در سطح جامعه پاسخ دهد.

۲. حضور پررنگ و معنوی استاد، پس از ورود به ایران تا زمان وفات، در دانشگاه ها و ارتباط بسیار خوب با استادان و دانشجویان، از مواردی است که اثرات بسیار مبارکی به ارمغان آورده است.

۳. ارتباط گسترده و همراه با سربلندی و عالمانه استاد با اندیشمندان ممتاز داخلی و خارجی و تنویر افکار اندیشمندان درباره اسلام و تشیع، از عرصه هایی است که استاد توانسته با قدم نهادن به آن، خاطرات و آثار مبارک علمی _ معنوی را به یادگار بگذارد که از این ره آورد تعدادی از اندیشمندان مذهب تشیع را پذیرفتند.

۴. روش و منش اخلاقی استاد نیز در ارتباط چهارگانه اش با خویش، خدا، هستی و ممنوعان با توجه به خاطرات فراوانی که از این بزرگ مرد اندیشه در دست است، می تواند در الگوسازی و آماده سازی بستر علم آموزی و اخلاق علمی در سطح جامعه نقش بسیاری داشته باشد.

پیشنادهای برنامه ای

پیشنادهای برنامه ای

۱. یک فیلم انیمیشن درباره زندگی استاد از تولد تا رحلت تهیه شود که به زمان تولد، ورود به حوزه های مختلف و سنگر دانشگاه و تحقیق ها و تألیف های استاد پردازد.

۲. میان پرده ای از ویژگی های اخلاقی استاد، در راستای خاطرات می تواند الگوسازی خوبی را در پی داشته باشد. برای نمونه، میان پرده ای از برخورد استاد با دانشجوی پرسشگر که استاد با توجه به خستگی ناشی از کلاس درس، بر روی

موزاییک نشست تا بتواند به پرسش های آن دانشجو پاسخ دهد. و یا میان پرده ای از داستان وفای به عهد استاد که با وجود وفات فرزند در دانشگاه امام صادق علیه السلام حضور یافت، می تواند در عرصه اخلاق جامعه بسیار سازنده باشد.

۳. مستندی درباره ارتباط علمی استاد با متفکران مغرب زمین، به ویژه برتراند راسل می تواند بسیار روشنگر باشد که در این رابطه می توان از کتاب دوجلدی تکاپوی اندیشه ها استفاده کرد.

۴. فیلم داستانی زندگی استاد به همراه گفت و گو با برخی از شاگردان و نزدیکان ایشان و همراه با توجه به تولد، رشد، دوران کودکی، تحصیلات در ایران و عراق، ویژگی های اخلاقی استاد و حضور در کنفرانس ها و دانشگاه ها و ... با محوریت گفتارهای زندگی نامه ای خود استاد، می توان آثار و فعالیت های اجتماعی _ فرهنگی ایشان را به تصویر کشید.

۵. میزگردهایی در مباحث مختلف، با حضور متخصصان متعهد، با محوریت سخنان استاد (که به صورت تصویری و فیلم موجود است) نیز کاری پرثمر است.

۶. میان پرده ای از مذاکرات استاد با توجه به اینکه طرف مقابل، سرانجام اسلام یا تشیع را بپذیرد.

۷. نظرسنجی (گزارشی) از گروه های متفاوت در مراکز مختلف علمی درباره شخصیت علامه و بازتاب آن با این سؤال که علامه جعفری از چه جایگاهی برخوردار بود؟ او چه کرد و چه داشت که این قدر محبوب بود؟

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. استاد در کجا به دنیا آمد؟

تهران مشهد

تبریز اردبیل

۲. کدام یک از آثار زیر از تألیفات استاد است؟

۱. ترجمه و شرح نهج البلاغه ۲. هنر و زیبایی در اسلام

۳. تکاپوی اندیشه ها ۴. همه موارد

۳. کدام یک، از استادان ایشان هستند؟

۱. حضرت امام رحمه الله، آیت الله گلپایگانی، آیت الله خویی

۲. حضرت امام رحمه الله، شهید صدوقی، شهید اشرفی

۳. آیت الله شیرازی، آیت الله میرزا مهدی آشتیانی، حضرت امام رحمه الله، شهید صدوقی

۴. هیچکدام

۴. آرامگاه استاد در کدام شهر است؟

۱. قم ۲. تبریز

۳. تهران ۴. مشهد

۵. چرا استاد تحصیل در مدرسه اعتماد تبریز را رها کرد؟

۱. ضعف درسی ۲. ضعف فرهنگی مدرسه

۳. مشکلات مادی ۴. هیچکدام

۶. کدام یک، از شاگردان استاد هستند؟

۱. آیت الله شهید صدر ۲. شهید مطهری

۳. شهید نواب صفوی ۴. ۱ و ۳

۷. کدام مورد بیانگر تعدادی از ویژگی های ممتاز استاد است؟

۱. تواضع، فروتنی و زهد

۲. داشتن اطلاعات علمی گسترده، عارف و سالک

۳. تواضع، گستردگی علمی

۴. عاشق مطالعه و خطیبی توانا

۸. استاد در چه سالی از دنیا رفت؟

۱. ۱۳۷۷ . ۲ . ۱۳۸۰

۳. ۱۳۷۰ . ۴ . ۱۳۷۵

۹. استاد در چه سالی به دنیا آمد؟

۱. ۱۳۰۸ . ۲ . ۱۳۱۰

۳. ۱۳۰۶ . ۴ . ۱۳۰۴

۱۰. استاد در چه زمینه هایی تخصص داشت؟

۱. فلسفه های اسلامی و غرب . ۲. ادبیات

۳. فقه . ۴. همه موارد

۱۱. نام چند تن از دانشمندان غربی که استاد با آنها ارتباط علمی داشت:

۱. برتراند راسل . ۲. سارتر، وایتهد

۳. یانگ، عبدالسلام . ۴. موارد ۱ و ۳

۱۲. کدام مورد از کتاب های استاد است؟

۱. شرح مثنوی . رباعیات خیام

۲. شرح مثنوی _ فلسفه دین _ فلسفه علم _ موسیقی

۳. فلسفه دین _ هنر _ خدمات متقابل اسلام و ایران

۴. هیچکدام

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. تا چه اندازه با شخصیت علامه جعفری آشنایی دارید؟

۲. آیا می توانید تعدادی از کتاب های استاد را نام ببرید؟

۳. آیا از نزدیک با ایشان ملاقات داشته اید و خاطره ای در این باره دارید؟

۴. آیا محل تولد استاد را می دانید؟

۵. آیا می دانید استاد در مراحل مختلف زندگی در کدام حوزه های علمی تحصیل کرده اند؟

۶. استاد را پس از رحلت، در کدام شهر دفن کردند؟

۷. آیا تاکنون اثری از استاد را مطالعه کرده اید؟ نام ببرید.

۸. آیا با فعالیت های فرهنگی استاد آشنایی دارید؟ یک یا دو مورد را نام ببرید.

۹. چرا مردم به سخنرانی های استاد جعفری علاقه مند بودند؟

۱۰. جایگاه استاد را چگونه ارزیابی می کنید؟

۱۱. چه ویژگی هایی باعث برجسته شدن این شخصیت بزرگوار شد؟

ج ۱. ایشان از دانشمندان معاصر و در علوم مختلف مانند فلسفه اسلامی، فلسفه های غربی، فقه، اصول و ادبیات بسیار استاد بود. تحصیلات حوزوی خود را در حوزه های تبریز، تهران، قم و نجف اشرف گذراند. پس از مدتی در تهران ساکن شد و به تحقیق و تبلیغ پرداخت و تا آخر عمر شریفش در این راه کوشید.

ج ۲. شرح مثنوی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، هنر و زیبایی در اسلام، فلسفه دین، تحقیقی در فلسفه علم، موسیقی، مولوی و جهان بینی ها، انسان و آفرینش، تحلیل شخصیت خیام، امام حسین علیه السلام، شهید فرهنگ پیشرو، جبر و اختیار، وجدان و

....

ج ۳. به مخاطب پرسش بستگی دارد.

ج ۴. تبریز.

ج ۵. حوزه علمیه طالبیه تبریز، حوزه علمیه تهران، حوزه علمیه قم، حوزه علمیه نجف اشرف و حوزه علمیه مشهد.

ج ۶. در مشهد و حرم مطهر رضوی.

ج ۷. به مخاطب پرسش بستگی دارد.

ج ۸. حضور در جلسات مذهبی هیئت های تهران و شهرستان ها، سخنرانی در دانشگاه تهران و ...

ج ۹. به دلیل مطالب متنوع و شیوایی، رسایی و سادگی بیان و رفتار استاد.

ج ۱۰. ایشان در مقام اخلاق و علم، در حد اعلایی بود و همچون استادی در هر دو زمینه به راهنمایی می پرداخت که نامه های آیت الله میلانی و شهید صدر و سخنان مقام معظم رهبری در این رابطه بهترین شاهدند.

ج ۱۱. تواضع، فروتنی و سادگی در رفتار.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. استاد از چه دیدی به شرح نهج البلاغه پرداخته است؟

۲. نظر استاد در رابطه با هنر و تقسیم بندی هنر چیست؟

۳. جایگاه تألیفات استاد در عرصه مباحثات علمی جامعه را چگونه ارزیابی می کنید؟

۴. نوع برخورد استاد با نظرات متفکران خارجی را بررسی کنید.

۵. مناعت طبع پدر استاد، چه نقشی در زندگی ایشان داشته است؟

۶. چرا مخالفان فلسفه در ایران و عراق با کارهای فلسفی استاد برخورد نمی کردند؟

۷. وحدت از نظر استاد چند نوع است و کدام یک قابلیت اجرا دارد؟
۸. آزادی انسان چند وجه دارد و به چه نحوی مورد پذیرش است؟
۹. تعریف پلورالیسم دینی را بیان کرده و مورد بررسی قرار دهید.
۱۰. نظریه جدایی دین از سیاست و پیدایش سکولاریسم، ناشی از چه تفکراتی بوده و رابطه آن را با اسلام بررسی کنید.
۱۱. نقش تربیتی بزرگان چون علامه جعفری را بررسی کنید.
۱۲. دیدگاه علامه درباره هنر را توضیح دهید.
۱۳. فلسفه زیبایی از نظر استاد چگونه است و تعریف مورد نظر استاد در رابطه با زیبایی چیست؟
۱۴. آیا می توان تعریف جامع و مانعی درباره موسیقی ارائه کرد؟
۱۵. موسیقی چگونه و به چه کیفیتی با انسان ارتباط دارد؟

کتاب نامه

۱. آشتیانی، میرزا مهدی. اساس التوحید، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، امیرکبیر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷.
۲. بنیاد رسالت. روزنامه رسالت، ۸/۱۰/۱۳۷۷، ۸/۱۰/۱۳۷۸ و ۲۵/۸/۱۳۷۸.
۳. پیام خرد، نشر کرامت، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷.
۴. جعفری، محمدتقی. انسان و آفرینش، شرکت انتشار، تهران ۱۳۴۴.
۵. _____ . تحلیل شخصیت خیام، کیهان، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۵.
۶. _____ . ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۲۷ جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۶.
۷. _____ . تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ۱۵ جلد، انتشارات اسلامی، تهران از سال ۱۳۴۸.
۸. _____ . جبر و اختیار، نشر کرامت، چاپ اول، تهران ۱۳۷۹.
۹. _____ . زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، نشر کرامت، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۵.
۱۰. _____ . عرفان اسلامی، نشر کرامت، چاپ دوم، تهران.
۱۱. _____ . فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، نشر کرامت، چاپ اول، تهران ۱۳۷۹.
۱۲. جعفری، محمدتقی. موسیقی، نشر کرامت، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷.
۱۳. حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۰.
۱۴. علامه جعفری _ تدوین علی رافعی. تکاپوی اندیشه ها، ۲ جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳.
۱۵. حکمت اصول سیاسی اسلام، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، تهران.
۱۶. رشاد، علی اکبر. شریعه خرد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۶.
۱۷. صدوقی سها، منوچهر. تاریخ حکما و عرفای متأخر بر صدرالمتالهین، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران،

۱۸. غیاثی کرمانی، سید محمدرضا؛ ابن سینای زمان، نشر پارسایان، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۰.
۱۹. فلسفه و هدف زندگی، نشر قدیانی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵.
۲۰. فیضی، کریم. جاودان اندیشه، تهذیب، چاپ اول، قم ۱۳۸۱.
۲۱. قادری، فاضل. فیلسوف شرق، عروج، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸.
۲۲. قاسملو، یعقوب. فروغ دانایی، نسیم حیات، چاپ اول، قم تابستان ۱۳۷۹.
۲۳. میراث ماندگار، ۲ جلد، مؤسسه کیهان، انتشارات کیهان، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۹.
۲۴. نصری، عبدالله. آفاق مرزبانی، سروش، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷.
۲۵. _____ . فلسفه دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۸.
۲۶. _____ . تکاپوگر اندیشه ها، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۶.

نشریات

۱. کیهان فرهنگی، شماره ۷، مؤسسه کیهان، تهران ۱۳۶۳.
۲. مجله پیام زن، شماره ۸، صاحب امتیاز دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، آبان ۱۳۷۷.
۳. مجله حوزه، شماره ۱۹، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۷.
۴. مؤسسه اطلاعات، روزنامه اطلاعات، ضمیمه، ۵/۱۰/۱۳۷۷.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

